



فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
دوره هفتم / شماره ۲ / زمستان ۱۳۹۴



- یادداشت سردبیر / اولین پله، کودکان / سردبیر / ۲
- با مدیران و مربیان / راه‌اندازی و اجرای روز مقابله با زورگویی / دکتر فرخنده مفیدی / ۴
- گزارش / کودکی، گفتمانی به وسعت جهان / سمانه آزاد / ۵
- آموزشی / نکته برای اولیای کودک پیش‌دبستانی / رقیه مکاری / ۱۱
- با مربیان / با مربیان پیش‌دبستانی نزد نوآموزان / مرتضی مجدفر / ۱۳
- آموزشی / مراقب چشم‌های زیبای فرزندان در زمستان سرد باشیم / دکتر مرجان گوردوزی / ۱۶
- خبر / رشد همه‌جانبه نوآموزان / دفتر پیش‌دبستانی / ۱۸
- برنامه درسی پیش‌دبستانی / آموزش و پرورش دوره پیش‌دبستانی در آیینة قوانین / دفتر پیش‌دبستانی / ۱۹
- گزارش / دوره پیش‌دبستانی در آذربایجان شرقی / ۲۱
- با مربیان / ویژگی‌های مربیان موفق / زهره اولیائی / ۲۳
- پژوهش / تربیت اوان کودکی (ناک) / رقیه قنبری، شیرین فاضلی / ۲۵
- آموزشی / مشکلات یکپارچگی حسی / فاطمه رجبی / ۲۷
- یک نکته از این معنی / من و تو مثل هم کودکیم! / مینا امجدی‌نیا / ۳۱
- با مربیان / برای آموزش مهربانی در دنیای نامهربانی‌ها و خشونت‌ها چه باید کرد؟ / دکتر فرخنده مفیدی / ۳۲
- آموزشی / رفتارهای کودکان بازتاب اعمال بزرگسالان / فریده عصاره / ۳۴
- شاهد کلام وحی / تربیت کودک با پاسداری از فطرت توحیدی / مریم بابایی / ۳۹
- آموزشی / آموختن سواد بصری لازمة زندگی کودک در دنیای تصویر / سیدغلامرضا فلسفی / ۴۱
- آموزشی / خمیر ماده اولیه در حجم‌سازی / راحله ملکان / ۴۶
- با مربیان / جشنواره تجربه پویا / ۴۸
- گزارش / گام‌های بلند در مسیر تعالی؛ دفتر پیش‌دبستانی / ۵۲
- با مربیان / مهارت‌های اجتماعی کودکان؛ چپستی و چگونگی! / دکتر مرجان کیان / ۵۴
- نقد و نظر / نگاهی به چالش‌های آموزش و پرورش کودکان در دوره پیش از دبستان / مسعود تهرانی فرجاد / ۵۷
- آموزشی / «هنه»‌های خط‌خطی‌کننده روح کودک / فریده عصاره / ۵۹
- خبر / خبرهای تازه / مرتضی طاهری / ۶۲
- معرفی کتاب / هفت عادت کودکان شاد / الهام الیکایی / ۶۳

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
مدیرمسئول: محمد ناصری
سردبیر: دکتر فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی طاهری
فریده عصاره
شیرین برزین
مسعود تهرانی فرجاد
سیدغلامرضا فلسفی
مدیرداخلي: الهام الیکایی
ویراستار: افسانه حجتی طباطبائی
طراح گرافیک: مهسا قبايي
طراح روی جلد: علیرضا پورحنیفه
عکس صفحه ۱ و ۲ جلد: اعظم لاریجانی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۳۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۱۵۸۵
تلفن ۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۳۷۴)
نمابر: ۸۸۴۹۰۱۰۹
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام‌نگار: pishdabestani@roshdmag.ir
تلفن پیامگیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۳
کد امور مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۵۰۷
roshdmag :
شمارگان: ۶۷۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

• مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش‌دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. • مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. • مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته و یا ماشین شود (مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). • نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. • محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. • مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش‌دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. • مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.



اولین پله، کودکان

سلام به کودکان، مربیان، مدیران، مادران و پدران و علاقه‌مندان به کودک در آغاز فصل زیبای زمستان. خسته نباشید که کارهایتان، حرف‌هایتان و برنامه‌هایتان زندگی‌ساز و پرورش‌دهنده روح، جسم و اندیشه کودکان در سال‌های اولیه است. تبریک به دست‌اندرکاران، قانون‌گذاران و پرورش‌دهندگان کودکان که در چند سال اخیر، تلاش‌های سرنوشت‌سازی در جهت سرفرازی دوران اولیه کودکی و اولین پله از نردبان ترقی و پیشرفت کودکان جامعه داشته‌اند و از هیچ کوششی در برقراری ارتباط سازنده با خانواده‌ها و پاسخ‌گویی مسئولانه به آن‌ها دریغ نمی‌ورزند.

و اما... در این مقاله، سعی دارم توجه مخاطبان، مسئولان و سرمایه‌گذاران اجتماعی در تربیت کودک را به تازه‌های آموزش پیش‌دبستانی از نگاه پاره‌ای از کشورها جلب کنم و امید فراوان دارم که در شماره آینده مجله، با مقاله پراکنجه‌ای در این رابطه به بحث و بررسی بیشتر ادامه دهم و حق مطلب را ادا کنم؛ زیرا می‌دانم که در این کوتاه سخن، ناگفته‌ها، ابهام‌آور خواهد بود.

در تقویم بسیاری از کشورها، روزی به نام «روز ملی اقدام و برنامه‌ریزی به‌منظور یادگیری سازنده‌تر در دوران اولیه» منظور شده است. در این روز والدین، سیاستمداران، قانون‌گذاران و شهروندان علاقه‌مند گرد هم می‌آیند و حمایت و پشتیبانی خود را از آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی و پیش‌دبستان اعلام می‌کنند و تقاضا دارند که کنگره و مجلس و حتی رئیس‌جمهوری نیز به این خواسته‌های اجتماعی توجه و بر این اساس عمل کنند؛ زیرا معتقدند که هر سال که عملکرد دولت و ملت در تحقق بخشیدن به این خواسته‌های منطقی و معقول اجتماعی با شکست مواجه می‌شوند، چه بسا خیل عظیمی از کودکان از منابع سرشار این دوره‌ها محروم می‌شوند و سودمندی نتایج این دوره‌ها را از دست می‌دهند. در زیر فقط به دلایل برگزاری این جلسات درباره پیش‌دبستانی جهانی اشاره می‌کنم که البته بعضی ممکن است حیرت‌آور باشد ولی واقعیت دارد. همان‌طور که در ابتدا مطرح کردم، در شماره آینده به‌طور تفصیلی به آن خواهیم پرداخت و به چراها پاسخ خواهیم داد.

۱. آموزش و پرورش با کیفیت خوب می‌تواند به مبارزه علیه

جنایت‌ها، خشونت و پرخاشگری،

بارداری‌های ناخواسته در

دوره نوجوانی و نرخ

کاهش میزان



فرار از مدرسه و دبیرستان کمک‌های شایان توجهی کند. چرا؟

۲. آموزش و پرورش با کیفیت عالی می‌تواند از نظر برگشت‌دهی سرمایه بهتر از سهام بازار عمل کند. چرا بعضی از سیاست‌گذاران درباره هزینه‌های آموزش پیش‌دبستانی نگران‌اند؛ چرا؟

۳. کشور آمریکا در زمینه دستیابی به کیفیت عالی در آموزش و پرورش دوران اولیه از بعضی کشورها مانند مکزیک، شیلی، روسیه و نیوزلند عقب‌تر است. چرا؟

۴. یک پیش‌دبستانی خوب با برنامه‌ریزی‌های مناسب و کیفی در سال‌های اولیه می‌تواند یک ابزار رشد اقتصادی محسوب شود و سد راه بسیاری از نابسامانی‌ها شود. چرا؟

۵. یک پیش‌دبستانی خوب در حقیقت باید پرورش‌دهندگان توانا، دانا و اندیشمند و چالشگر داشته باشد که پرورش آن‌ها مستلزم نگرش‌های مثبت اجتماعی است. چرا؟

و... ما نیز با توجه به تحولاتی که در پیش خواهیم داشت و در دست اقدام است، ان شاءالله از قافله برنامه‌ریزی‌های ارزنده اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در این جهت دور نخواهیم ماند.

و نکته پایانی؛ در آغاز فصل زمستان، ضمن شادباش بسیار به علاقه‌مندان و مخاطبان این مجله ارزشمند، و «خسته نباشید» به همه مربیان تلاشگر برای زحمات همه‌روزه‌شان، امیدوارم همچنان با برنامه‌ریزی‌های شایسته به زیبایی کار خود بیفزایند و خانواده‌ها را نیز بهره‌مند نمایند. از ابتدای این فصل زیبا با در نظر گرفتن مناسبت‌های خوبی چون ولادت پیامبر اعظم (ص) و امام جعفر صادق (ع)، حضرت عیسی مسیح (ع) و سال جدید میلادی در دی‌ماه، ولادت حضرت زینب (س)، دهه فجر انقلاب اسلامی و بازگشت رهبر کبیر انقلاب به وطن، بزرگداشت مشاهیر در بهمن‌ماه و نیز روز درخت‌کاری، روز احسان و نیکوکاری، عید نوروز، بزرگداشت شاعران و نویسندگان چون خانم پروین اعتصامی و مناسبت‌های ارزشمند دیگر در اسفندماه، کودکان و خانواده‌ها را بهره‌مند سازند و در زیباسازی اندیشه و ایجاد نگرش‌های مثبت در آنان نقش مؤثر خود را ایفا کنند.

از همه دست‌اندرکاران، اعضای هیئت تحریریه، و نویسندگان این مجله نیز به‌عنوان سردبیر قدردانی می‌کنم.

ایام به کام و زمستان خوش!





واژه

زورگویی یا قلدری برای بسیاری آشناست ولی انواع و موقعیت‌های استفاده واقعی از این کلمه قدری ابهام دارد. زورگویی در حقیقت به معنای سوءاستفاده از قدرت در موقعیت‌های مختلف و برتری جویی بر ضعیف‌ها در جامعه، مدرسه، محیط کار و خانه است. به همین جهت به صورت عدم توازن واقعی در قدرت قابل درک است. تکرار این رفتار می‌تواند هم برای کسی که مورد زورگویی قرار می‌گیرد (قربانی) و هم کسی که زور می‌گیرد (زورگو)، امری جدی و بسیار نامطلوب و ناخوشایند باشد. گفتنی است که پر خاشگری و عصبانیت همیشه به معنای زورگویی نیست. زورگویی انواع متفاوتی دارد؛ زورگویی فیزیکی، روانی و سایبری (الکترونیکی و فناوریانه) از مهم‌ترین و شناخته شده‌ترین انواع می‌باشد. در زورگویی فیزیکی فرد زورگو سعی می‌کند دیگران را از راه کتک زدن، تهاجم، لگد زدن و استفاده از نیروی بدنی واقعی و گاه کاذب بترساند. در زورگویی روانی، که گاه از آن با عنوان خشونت ارتباطی یاد می‌شود، فرد زورگو قربانی خود را از نظر روانی هدف قرار می‌دهد و با کلمات ناخوشایند و یا مسخره کردن، طعنه زدن، ریشخند کردن ظاهر فرد، الگوی زندگی، هوش، رنگ پوست و نژاد و... به دیگری حمله می‌کند. قلدری عاطفی و روانی گاهی ممکن است خطرناک‌تر از نوع فیزیکی آن باشد؛ زیرا زنگاره‌های عاطفی ایجاد می‌کند که زدودن آن‌ها دشوار است. در زورگویی سایبری و یا الکترونیکی، که در دنیای امروز بیشتر دیده می‌شود، افراد می‌توانند از طریق سایت‌های اجتماعی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و فناوری مدرن بر هویت

دکتر فرخنده مفیدی

استاد دانشگاه علامه طباطبایی

راه‌اندازی و اجرای روز مقابله با زورگویی

واقعی افراد دیگر متمرکز شوند و به ترور شخصیت‌ها می‌پردازند. این کار حتی به صورت ناشناس هم می‌تواند انجام گیرد. بر مادران، پدران و مربیان لازم است که با این واژه به‌طور واقعی آشنا شوند و از سال‌های پایه نسبت به رفتارهای کودکانشان با خود و دیگران حساسیت بیشتری نشان دهند. چه بسا که آن‌ها ناخواسته زور می‌گویند و یا قربانی فردی زورگو قرار می‌گیرند. به این مناسبت پیشنهاد می‌کنم که روزی به نام روز مقابله با زورگویی در مراکز آموزشی، مدارس و جامعه تعیین شود. این امر هم‌اکنون در بعضی جوامع، چه در جامعه در سطح وسیع، چه در مراکز آموزشی و فرهنگی از همان سال‌های پایه قابل اجراست. در این روز والدین، مدیران، آموزگاران، کودکان و مسئولان می‌توانند درباره مظاهر مختلف خشونت و زورگویی‌های موجود در جامعه و مدارس، که نمونه‌های گونه‌گون آن از زبان افراد به‌ویژه قربانیان زورگویی شنیده می‌شود، بحث و گفت‌وگو می‌کنند تا با آگاهی بیشتر در مورد راه‌های مقابله با این پدیده آزردهنده که جسم، روح و افکار انسان را تخریب می‌کند، به هم‌فکری بپردازند. از این مهم‌تر، با دادن آگاهی‌های صحیح، کودکان خود را با این پدیده از سطوح پایه آشنا کنند. هم‌اکنون سیاست‌های ضد قلدری در بسیاری از مدارس و محیط‌های آموزشی، مهدهای کودک و کودکستان‌ها و مراکز پیش‌دبستانی کشورها قابل اجراست و از این روز سازنده استقبال می‌شود.



نخستین همایش ملی کودکی در ایران برگزار شد:

کودکی، گفتمانی به وسعت جهان

گزارش: سمانه آزاد

اشاره

آنتوان دوسنت اگزوپری، نویسنده فرانسوی، در اثر مشهور خود «شازده کوچولو» می‌گوید: «هر آدم بزرگی هم روزی روزگاری بچه‌ای بوده: گیرم کمتر کسی از آن‌ها این را به یاد می‌آورد.» البته بسیاری از مردمان، با بزرگ شدن کمتر به دوره کودکی فکر می‌کنند و آن را به یاد می‌آورند اما واقعیت این است که حوادث و اتفاقات این دوره، تأثیر بسیاری بر رفتارها، عادت‌ها و حتی نگرش افراد در آینده دارد. به همین دلیل است که به منظور حمایت از کودکان به‌عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه و ایجاد فضایی امن و با نشاط برای آن‌ها، روز هشتم اکتبر (شانزدهم مهر) به‌عنوان روز جهانی کودک انتخاب شده است. در کشور ما نیز هم‌زمان با این روز، سازمان‌های مرتبط با مسائل کودکان برنامه‌های متنوعی را تدارک می‌بینند. امسال هم چند روز پیش از روز جهانی کودک، نخستین همایش ملی کودکی در ایران با همکاری چند مؤسسه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد که در ادامه گزارش بخشی از آن را می‌خوانید.



عکس: رضا بهرامی



دکتر معین:

از یک میلیارد کودک در جهان، ۶۵۰ میلیون نفر در فقر مطلق یعنی درآمدی کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند

نخستین همایش ملی کودکی در ایران، با همکاری مؤسسه رحمان، انجمن حمایت از حقوق کودکان، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، شورای کتاب کودک و مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا هفتم و هشتم مهرماه در مرکز آفرینش‌های فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد. در این همایش دو روزه، صاحب‌نظران، پژوهشگران و علاقه‌مندان به حوزه کودکی در ایران، به تعامل و گفت‌وگو پرداختند.

ما مدیون کودکانیم

در مراسم افتتاحیه این همایش دکتر مصطفی معین، رئیس همایش، با تبریک روز جهانی کودک و با مروری بر مسئله کودک و کودکی گفت: «کودکی دوره متمایزی از سال‌های دیگر زندگی است و البته کودکان آسیب‌پذیرترین گروه سنی در جامعه نیز محسوب می‌شوند که باید حقوق شهروندی‌شان از طریق جامعه به رسمیت شناخته شود. کودکی دوره رشد و نمو، دوره بازی و نشاط و دوره یادگیری و پرورش استعداد است و از این نظر کودک باید در محیط گرم خانوادگی، آموزشی و تربیتی قرار گیرد.»

وی افزود: «کودک به نگاه صدقه‌ای یا ترحم‌آمیز نیازی ندارد بلکه حقوقش باید به رسمیت شناخته شود. نلسون ماندلا، که از جمله حامیان حقوق کودکان بود، می‌گوید: ما مدیون کودکانمان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین شهروندان در هر جامعه‌ای هستیم که دنیایی آزاد از خشونت و ترس برایشان فراهم کنیم.» دکتر معین با اشاره به نگاه به کودک و کودکی در قرون وسطا گفت: «پژوهشگران و محققان جامعه‌شناسی با توجه به نتایج تحقیقات دهه‌های اخیر معتقدند در قرون وسطا دوره کودکی به‌عنوان دوره‌ای متفاوت از زندگی شناخته نمی‌شد و مورد غفلت و فراموشی بود. در آن دوره، کودکان پا به پای بزرگسالان کار می‌کردند، در محیط خانه و کار تنبیه می‌شدند، مورد خشونت واقع می‌شدند، به دلیل نبود بهداشت و تغذیه مناسب تلفات زیادی داشتند و به شکل‌های گوناگون حقوقشان تضییع می‌شد. در دوران انقلاب صنعتی به تدریج فرهنگ و گفتمان کودکی متحول و کودک به‌عنوان سرمایه انسانی جامعه مطرح می‌شود. حتی از نظر جامعه‌شناسان به‌عنوان یک سازه و پدیده اجتماعی مطرح می‌شود که در

تعامل فعال با محیط اجتماعی خود رشد می‌کند و شکل می‌گیرد.» وی در ادامه به برخی دلایل تغییر جایگاه و گفتمان کودکی اشاره کرد و گفت: «جنگ‌های جهانی اول و دوم که در آن‌ها کودکان مانند زنان آسیب زیادی دیدند باعث ایجاد جنبش‌های مدنی در ارتباط با حقوق زنان و کودکان شد. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، تصویب اعلامیه جهانی حقوق کودک در سال ۱۹۵۹، تصویب پیمان‌نامه حقوق در سال ۱۹۸۹، گسترش رسانه‌های جمعی که مسائل کودکان را در سطح جهانی انعکاس می‌دهند، تغییرات دموگرافیک مانند کمتر شدن تعداد فرزندان، کاهش مرگ و میر کودکان، آموزش اجباری کودکان در مدارس و...، تصویب اعلامیه جهانی زندگی سالم در حمایت از کودکان در سال ۱۹۹۰، تصویب کنوانسیون ممنوعیت و لغو بدترین شکل‌های کار کودکان، و نیز تصویب اعلامیه جهانی مطلوب برای کودکان در سال ۲۰۰۲ باعث ایجاد تغییر و تحول در نگاه به کودک و مسائل کودکی شد.»

۶۵۰ میلیون کودک در فقر مطلق

دکتر مصطفی معین، رئیس همایش کودکی در ایران، در ادامه به میزان فقر در میان کودکان اشاره کرد و گفت: «از یک میلیارد کودک در جهان، ۶۵۰ میلیون نفر در فقر مطلق، یعنی درآمدی کمتر از یک دلار در روز، زندگی می‌کنند؛ کودکانی که از داشتن سرپناه، بهداشت، دسترسی به منابع اطلاعاتی، آب و غذای سالم و آموزش محروم‌اند. در مناطق روستایی این وضع بدتر است. در کشورهای جهان سوم که شهرنشینی و زاغه‌نشینی در حال گسترش است، چه بسا





حداکثری برای همه کودکان؛ دوم عدم تبعیض به مفهوم همه حقوق برای همه کودکان؛ سوم تأکید حداکثری تصمیمات دولتها



و جوانان نسبت به حقوق و تکالیفشان از دیگر راهکارهاست. همچنین، یکسان سازی قوانین و مقررات در متون حقوقی، قضایی،

مدنی درباره سن کودکی، گسترش فعالیت‌های نهادهای مدنی، دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی در زمینه مطالعات کودکی و حقوق کودکان از نظر زیستی، تعلیم و تربیت با نگاه روان‌شناختی، جامعه‌شناختی با همکاری‌های میان رشته‌ای.»

کودکان اولویت‌های ملی هستند

در بخش بعدی همایش، پیام مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا، که از دست‌اندرکاران برگزاری همایش بود، قرائت شد. در این پیام آمده بود: «کودکان به مفهوم کودکی در این سرزمین ناشناخته‌اند و علاوه بر ناشناختگی مفهوم، جایگاه متضاد و متناقضی هم دارند. به نظر می‌رسد در فرهنگ ما باور یکپارچه‌ای نسبت به کودکان وجود نداشته و هنوز هم ندارد. در بسیاری از آثار بزرگان، کودکان با چارپایان و دیوانگان مقایسه شده‌اند. از سوی دیگر، در منابع بسیاری در وصف آداب و رفتار متعالی با کودکان پندهای ارزشمند داریم. وضعیت و جایگاه کودک در فرهنگ عامه هم این تضاد و تناقض را دارد. به طوری که در همین لحظه این طیف گسترده برای کودک وجود دارد. همان قدر که کودکان مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند، جریان‌هایی وجود دارند که برای حق مشارکت کودکان به‌عنوان شهروندان مؤثر فعالیت می‌کنند.»

در ادامه این پیام آمده بود: «مفهوم کودک و کودکی در هر فرهنگ و جامعه‌ای از باوری که نسبت به انسان و زندگی انسان وجود دارد نشئت می‌گیرد. در جامعه و سرزمینی که حقوق زنان، مردان، سالمندان، اقلیت‌ها و گروه‌های

و مجالس بر حفظ منافع و مصالح کودکان - که به معنای تضمین کودک محوری در خانواده و جامعه است - و چهارم، حق مشارکت کودکان در تصمیماتی که به آن‌ها مربوط می‌شود.»

رئیس نخستین همایش ملی کودکی در ایران در ادامه به وضع حقوق کودکان در کشورهای جهان اشاره کرد و افزود: «از میان هشت هدف توسعه هزاره سوم، هفت مورد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به کودکان مربوط می‌شود اما حتی اگر امسال هم که سال پایانی اهداف توسعه هزاره سوم است به آمارها دقت کنیم، می‌بینیم که وضعیت کودکان به هیچ وجه مطلوب نیست. هم در کشورهای جهان سوم و تا حدودی کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای جهان اول کماکان شاهد سوء استفاده از حقوق کودکان هستیم. در این میان، ایران وضع متوسطی دارد. البته با توجه به شرایط فرهنگی و تمدنی ایران، و استعداد انسانی ما علی‌الاصول وضعیت کودکان در کشور ما باید وضعیت مطلوبی باشد.»

راهکارهای ارتقای جایگاه کودکی

دکتر مصطفی معین در ادامه سخنان خود، به راهکارهای ارتقای جایگاه و حقوق کودکان در کشور اشاره کرد و گفت: «آموزش خانواده‌ها نسبت به نقش و جایگاه حقوق کودکان گام نخست در این راه است. آموزش‌های اجتماعی درباره برابری حقوق شهروندی کودکان با بزرگسالان، آشنایی مسئولان دولتی نسبت به مفهوم جدید کودکی و سازوکارهای رفع موانع حقوق شهروندی کودکان و نیز آگاهی کودکان، نوجوانان

دکتر ذکایی:

کودکی یک هویت و ذات یکدست و یکنواخت ندارد بلکه در خلال تحولات اجتماعی و در متن اجتماع و تعاملات روزمره است که از نو ساخته می‌شود

وضعیت زاغه‌ها از روستاها بدتر باشد. در خاور نزدیک فقر مطلق حدود ۵۰ درصد از کودکان روستایی را درگیر کرده است. با وجود این به رغم پیشرفت علم و فناوری در چند دهه گذشته فاصله‌ها و نابرابری‌ها در حال عمیق شدن است؛ به طوری که گروهی که ۲۰ درصد نخست دنیا (از لحاظ اقتصادی) هستند، ۷۴ درصد ثروت جهانی را در اختیار دارند. از سوی دیگر، ۲۰ درصد پایین اقتصادی جامعه فقط به یک و نیم درصد ثروت جهان دسترسی دارند.»

اصول محوری کنوانسیون حقوق کودک از دیگر موضوعاتی بود که دکتر معین به آن اشاره کرد: «کنوانسیون حقوق کودک چهار اصل محوری دارد: نخست حق زندگی، رشد و پرورش

مختلف اجتماعی دیده می‌شود، می‌توان منتظر رخدادهای خوب به نفع کودکان بود. به همین دلیل، لازم است یک بار جسارت کنیم و مفهوم کودکی را به باورمان از انسان و به درکمان از زندگی ربط دهیم.»

تسرین نافع، که به نمایندگی از سوی هیئت مدیره مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا این پیام را قرائت می‌کرد، ادامه داد: «براساس سال‌ها کار مستقیم و غیرمستقیم، متمرکز و غیرمتمرکز در گوشه و کنار این سرزمین برای ما بسیاری از اصول در مواجهه با کودکان شکل گرفته است؛ از جمله اینکه کودکان فقط مجموعه‌ای از عصب و ماهیچه و استخوان نیستند بلکه ترکیبی از عواطف، هیجان‌ها و احساسات متنوع‌اند که هر رفتار ما واکنش منحصر به فردی

در آن‌ها به وجود می‌آورد. دیگر اینکه کودکان حضوری متفاوت دارند و به راستی منحصر به فردند و به واسطه تفاوت‌های فردی‌شان نمی‌توانیم از قانون‌های یکدست، غیر منعطف، ازلی و ابدی و از پیش تعیین شده در مورد آن‌ها استفاده کنیم. کودکان مجموعه‌ای از نیازهای عمومی، فردی، فرهنگی و اجتماعی دارند که لازم است این نیازها را دید و براساس آن‌ها در هر منطقه برنامه‌ریزی کرد. از همه مهم‌تر اینکه آینده این سرزمین نیازمند آن است که کودکان از سوی سازمان‌های دولتی، دانشگاهیان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در اولویت‌های ملی قرار گیرند؛ در غیر این صورت، آینده متفاوتی در انتظار ما نخواهد بود. امیدواریم این همایش فرصتی باشد که

صدای کودک، انسان و زندگی را دوباره بشنویم.»

کودکی را ما می‌سازیم

دکتر محمدسعید نکایی، دبیر علمی همایش، یکی دیگر از سخنرانان بود. وی در سخنان خود به سنت مطالعات کودکان و کودکی و نیز معرفی رویکردهای این سنت پرداخت و گفت: «نگاه به کودکان و کودکی متأثر از تحولات مدرنیسم و مدرنیته است و اساساً در صد سال اخیر، مدرنیسم مطالعه و توجه به کودکان را ترویج و تغییر داده است. گرچه میان مطالعات کودکی و مطالعات کودکان مرزبندی لغزانی وجود دارد اما هر دو در حوزه‌های دانشگاهی غربی کمتر از دو دهه قدمت دارند. در مطالعات کودکان مسائل کودکان در کلیت خود مطالعه می‌شود و وجود زیستی، پزشکی، روان‌شناختی، نسلی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کودکی مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ یعنی با رشته‌های بسیار گسترده روبه‌رو می‌شویم. اما مطالعات کودکی برش کوچک‌تر و محدودتری است. کانون توجه این مطالعات تلقی کودکی به مثابه سازه‌ای اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، سیاسی و تاریخی است. پرسش‌های اصلی در این مطالعات این است که کودکی چگونه یک برساخت اجتماعی است و ما چگونه کودکی را می‌سازیم، چرا که با گفت‌وگوهایی که در خانواده یا جامعه و فضای عمومی شکل می‌گیرد و نیز گفت‌وگوهایی که رسانه‌ها ترویج می‌دهند، کودکی شکل می‌گیرد و در واقع، ما هستیم که کودکی را می‌سازیم.»

وی افزود: «کودکی هویت و ذاتی یکدست و یکنواخت ندارد بلکه در خلال تحولات اجتماعی و در متن اجتماع و تعاملات روزمره است که ساخته و از نو ساخته می‌شود. در مطالعات کودکی تأکید بر وجه ساخته و برساخته بودن است. این نگاه، نگاه مدرن و حتی فرامدرنی به کودکی است. مطالعات

دکتر نکایی:

در واقع، شناخت امروز ما از کودک و کودکی برگرفته از فضایی است که روان‌شناسی و به خصوص روان‌شناسی رشد آن را ارائه داده است





کودکی، کودکی را تنها یک مقولهٔ محلی نمی‌بینند. در این مطالعات، اگر از فقر و محرومیت یا فرصت‌ها صحبت می‌کنیم نگاهمان جهانی و بین‌المللی است؛ چون گفتمان کودکی گفتمانی جهانی است. نمی‌توان انتظار داشت که فضا و تجربهٔ کودکی در ایران فارغ از تأثیرپذیری‌هایش از متن کلان جهان بررسی و دیده شود. بنابراین، مطالعات تطبیقی فرهنگ کودکان، تأثیرات فرهنگ رسانه‌ای بر کودکان، مناسبات قدرت در سطوح مختلف بین کودکان و والدین از جمله دست‌ور کارهای مهم این فضا و سنت رشتهٔ مطالعات کودکی است.»

رویکردهای مطالعات کودکی

رویکرد روان‌شناسی رشد به مطالعات کودکی پرداخته است. دکتر ذکایی در این باره گفت: «باید بپذیریم سهم روان‌شناسی در فهم و درک امروز ما از کودکی از سایر رویکردها تأثیر بیشتری داشته است. به هر حال، روان‌شناسی رشته‌ای بود که علمی تر جلوه می‌کرد، با سنجش و اندازه‌گیری دقیق بیشتری سر و کار داشت، بیشتر به عمل و مداخله معطوف بود، به کمک آن می‌شد مهربان‌های کودک و مراکز مشاوره را مدیریت کرد و سعی می‌کرد تصویری عام و جهانی از کودک و کودکی ارائه دهد. در واقع، شناخت امروز ما از کودک و کودکی برگرفته از فضایی است که روان‌شناسی و به خصوص روان‌شناسی رشد آن را ارائه داده است.» وی دربارهٔ مطالعات کودکی در ایران نیز گفت: «هنوز سند مستقلی در ارتباط با مطالعات کودکی در ایران شکل نگرفته است تا بتوانیم بر اساس آن نقد و بازاندیشی نسبت به جایگاه کودک و کودکی در ایران داشته باشیم. یکی از دلایل این موضوع غلبهٔ

رویکردهای درمانی و آسیب‌شناختی در این حوزه است. در این نگاه، کودکان عموماً به عنوان قربانی شناخته شده‌اند و البته این، بیش از اندازه بازنمایی شده است. دست‌آورد محدود نظری در حوزهٔ مطالعات کودکی و نیز پیوند ضعیف بین رشته‌ای در ایران هم مانع تنوع بخشی به دستور کارها است. توجه به این حوزه‌ها می‌تواند چشم‌انداز و افق بسیار خوبی برای تأمل بر این گروه و عرصهٔ مهم از حیات اجتماعی فراهم کند.»

تصویر کودکی؛ از تبلیغات تا فلسفه

در آخرین بخش از نخستین همایش ملی کودکی در ایران میزگرد علمی با حضور چند تن از پژوهشگران و محققان حوزهٔ کودک و کودکی و با مدیریت دکتر ذکایی برگزار شد. در این میزگرد پژوهش‌هایی ارائه شد؛ از جمله: «بررسی تصویر کودکی در برنامهٔ کودک تلویزیون» از آزاده سالمی، «از موقعیت کودکی تا نقش مردانه؛ بازنمایی کودکی و نقش‌های جنسیتی در تبلیغات تلویزیونی» از آرش حسن‌پور، «واکاوی مفاهیم «کودکی»، «خود» و «دیگری» در کتاب‌های تصویری داستانی ایرانی» از عادل خلیفی، «انعکاس تصویر کودک در برنامهٔ فلسفه برای کودکان جنسی و تکالیف دختران شهرستان قم» پژوهشی از محمدرضا تمسکی. آزاده سالمی در پژوهش خود به بررسی تصویر کودکی در چند برنامه کودک تلویزیون پرداخته بود. وی ابتدا به چند رویکرد دربارهٔ کودکی اشاره کرد که عبارت بودند از کودک مینیاتوری، نگاه ذات‌گرایانه، رفتارگرایانه، روان‌شناسی رشد، کارکردگرایی، رویکرد زوال کودکی، مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی کودک. وی دربارهٔ نتیجه بررسی خود گفت: «بعضی از ایماژهای کودکی در برخی از برنامه‌های کودک ثابت‌اند. پربسامدترین این نوع

کودک «کودک یادگیرندهٔ جامعه‌پذیر»، «کودک به مثابهٔ کالا» و «کودک گلوله برفی» است. اما در برخی دیگر از برنامه‌ها، ایماژهای کودکی متحول می‌شوند که عمدتاً تغییر ایماژ کودک معصوم به کودک یادگیرندهٔ جامعه‌پذیر است.»

آرش حسن‌پور، محقق دیگری بود که پژوهش خود با عنوان «از موقعیت کودکان تا نقش مردانه؛ بازنمایی کودکی و نقش‌های جنسیتی در تبلیغات تلویزیونی» را ارائه داد. وی گفت: «رسانه‌های جمعی ابزاری برای انتقال ارزش‌ها، نمادها و پیام‌هاست. تبلیغات هم به عنوان بخشی از برنامه‌های رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون فراسوی وجه تجاری و اقتصادی، بعد ایدئولوژیک، فرهنگی و معناسازانه نیز دارند. پرسش اصلی در این پژوهش آن است که بازنمایی جنسیتی کودک دختر و پسر در تبلیغات تلویزیون چه تمایزی با هم دارند.» این محقق با بررسی برخی تبلیغات تلویزیونی چنین نتیجه‌گیری کرد: «در این تبلیغات فرادستی جنس مذکر



دانایی و فعالیت) و فرودستی جنس مؤنث (انفعال، نظاره‌گری، سکوت و خاموشی، تسلیم و پذیرش) مشهود است. بازتولید حضور اسطوره‌ای زن در فضای خانه، ایماژ تملک و تسلط مردان در قلمرو خارج از خانه، فعال بودن جنس مذکر و فعالیت مشروط و محدود به خانه در جنس مؤنث نیز از دیگر موضوعاتی است که در این تبلیغات به چشم می‌خورد. در این تبلیغات پسر بچه‌ها موقعیتی مسلط، فعال و قدرتمند دارند و به نوعی مرجع قدرت محسوب می‌شوند.»

سعید ناجی هم در بخش دیگری از مراسم، پژوهش خود را با عنوان «انعکاس تصویر کودکی در برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان» ارائه داد. وی گفت: «در برنامه فلسفه برای

کودکان، کودکان فلاسفه بالذات معرفی می‌شوند. این برنامه همچنین تعریف متفاوتی از تعلیم و تربیت ارائه می‌کند که حدود ۶۰ سال است در کشورهای گوناگون پیگیری می‌شود. ما نیز در ایران فعالیت‌هایی در این زمینه انجام داده‌ایم و می‌توان گفت جزء چند کشور نخست آسیا در این زمینه هستیم. این برنامه تعلیم و تربیت را معادل تحقیق و کشف و کاو می‌داند. در واقع، هدف تعلیم و تربیت تغییر می‌کند و تنها انتقال کشفیات گذشتگان به ذهن کودکان مدنظر نیست.»

ناجی با بیان اینکه رویکرد برنامه فلسفه برای کودکان تأملی و گفت‌وگو محور است ادامه داد: «این برنامه تقویت مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی را از طریق کند و کاو جمعی در کلاس

پی می‌گیرد. در این برنامه کودکان انسان‌های ناقص تلقی نمی‌شوند که در بزرگسالی کامل می‌شوند بلکه شاید برعکس باشد. در این برنامه، کودکان می‌توانند با تفکر انتزاعی سروکار داشته باشند و تفکر مرتبه دوم (تفکر درباره تفکر) داشته باشند. آن‌ها توانایی‌های منطقی دارند و می‌توانند کند و کاو کنند.»

وی تأکید کرد: «در برنامه فلسفه برای کودکان کنجکاوی برای شناخت جهان در کودکان ذاتی است و به همین منظور است که پرسشگری و کندوکاو را در پیش می‌گیرند اما در بزرگسالان عموماً کنجکاوی از بین می‌رود و اگر بزرگسالان فلسفه‌ورزی می‌کنند، به کمک کنجکاوی کودکانه‌شان است.»

کودکان حضوری متفاوت دارند و به راستی منحصر به فردند و به واسطه تفاوت‌های فردی‌شان نمی‌توانیم از قانون‌های یک‌دست، غیر منعطف، ازلی و ابدی و از پیش تعیین شده استفاده کنیم





نکته برای اولیای کودک

پیش دبستانی



رقبه مکاری

آموزگار دبستان شهید باکری منطقه اسلامشهر

اشاره

ذهن یک کودک مثل ماسه خیس می ماند؛ هر چیزی روی آن بنویسید جایش می ماند. کودک خیلی چیزها را در دوره پیش دبستان یاد می گیرد اما نکاتی هست که قبل از ورود به پیش دبستان باید یاد بگیرد. در متن زیر می توانید این نکات را بخوانید.

کلیدواژه ها: مهارت، کنترل، زمان، خواندن

● مهارت های لغوی کودکان

قبل از اینکه کودکان وارد پیش دبستان شود، کلمات و لغاتی را یاد بگیرد تا بتواند با دیگران به خوبی ارتباط برقرار کند. چون زبان، پایه ورود به پیش دبستان است.

● کنترل مناسب

از آنجایی که فرزندان هنوز کوچک است، شاید در کنترل شرایط مشکل

داشته باشد. پس باید کاری کنید که معنی کنترل کردن را بفهمد. اگر کودکان خیلی خیره سر و لجباز و سمج است، احتمال دارد در پیش دبستان مشکلاتی به وجود بیاورد. به عنوان یک مادر (یا پدر) این وظیفه شماست که کاری کنید کودکان معنی خودداری و کنترل مناسب را درک کند. به او بگویید که هم در خانه و هم در هر جای دیگری، باید خوب رفتار کند.

● آموزش مراقبت کردن از خود

فرزندتان کوچک است، بنابراین، نمی‌توانید از او انتظار داشته باشید که هر کاری را انجام دهد اما حداقل می‌توانید آموزش اصول اولیه به او را شروع کنید؛ مثل آموزش توالیت رفتن یا غذا خوردن. به او یاد دهید از خودش مراقبت کند و اگر به چیزی نیاز دارد بگوید. این‌ها مسائل مهمی هستند که کودک قبل از ورود به پیش‌دبستان باید یاد بگیرد.

● درک اهمیت زمان

برای فرزندتان یک برنامه‌ریزی منظم داشته باشید که شامل خواب به موقع، غذا خوردن به موقع و اوقات فراغت به خصوصی است. وقتی کودک یاد بگیرد از یک برنامه منظم پیروی کند، هیچ مشکلی با تنظیم برنامه پیش‌دبستان نخواهد داشت. داشتن برنامه روزانه باعث می‌شود که او نظم و انضباط را هم یاد بگیرد.

● آموزش مرتب کردن

با مهارت‌های اولیه مرتب کردن شروع کنید و مرتب کردن را به او یاد دهید. مثلاً به کودک‌تان بگویید که اسباب بازی‌هایش را از کف اتاق جمع کند، لباس‌هایش را در سبد رخت چرک‌ها بگذارد. شست‌وشوی درست را هم به او یاد دهید؛ مثلاً شستن دست‌ها قبل از غذا خوردن. به وسیله این مهارت‌های کوچک می‌توانید کودک‌تان را به بهترین نحو تربیت کنید.

● آموزش عبارتهای خوب به کودک

عبارتهای مهمی مثل «بخشید» یا «متشکرم» هم از ملزومات یادگیری هستند. مفهوم و معنی این عبارتها را هم به کودک‌تان یاد دهید و به او بگویید که در بعضی از موقعیتهای باید از این عبارتها استفاده کند. سلام و احوال‌پرسی با دیگران را هم به او یاد دهید.

● به اشتراک گذاشتن وسایل خود

با دیگران

کودک‌تان قبل از پیش‌دبستان باید به اشتراک گذاشتن وسایل خود با دیگران را یاد بگیرد. به او یاد دهید که وسایلش را با دوستانش به اشتراک بگذارد. اگر دوست ندارد یا یاد نمی‌گیرد، احتمال دارد در مدرسه هم به دیگران حسادت کند یا لجباز و خیره سر شود. قطعاً دوست ندارید این اتفاق بیفتد؛ درست است؟ پس باید به کودک‌تان آن را یاد دهید.

● آموختن بعضی از مهارت‌های خواندن به کودک

کودک‌تان هنوز برای خواندن کوچک است اما دست‌کم، کتاب‌های تصویری را می‌تواند ببیند. قبل از اینکه او وارد پیش‌دبستان شود، هر چقدر که می‌توانید به او یاد دهید که کتاب‌های تصویری را چگونه نگاه کند و برایتان توضیح دهد. این کار میزان تمرکز او را افزایش می‌دهد.





بامربیان پیش دبستانی نزد نوآموزان

مرتضی مجدفر

فعالیت‌های انگیزشی مربیان در کلاس‌های پیش دبستانی

اشاره

یکی از موهبت‌های بزرگی که چندین سال است به‌طور مرتب نصیب می‌شود، حضور در مقام مدرس کلاس‌های آموزشی گوناگون برای مربیان پیش دبستانی است. در این کلاس‌ها، پس از آنکه مربیان فعال و علاقه‌مند را شناسایی می‌کنم، از آن‌ها می‌خواهم در صورت تمایل اجازه دهند لحظاتی را میهمان کلاسشان باشم و من هم مانند نوآموزان پیش دبستانی، از محضرشان یاد بگیرم. آنچه در پی خواهد آمد، حاصل مشاهده‌های من از کلاس‌های مربیانی است که در تدریس و برای برقراری ارتباط با نوآموزان خود دست کم به یک اقدام انگیزشی دست زده‌اند. ضمن سپاس از مربیان محترمی که به من اجازه دادند روایت خودم را از کلاس آن‌ها بنویسم، لازم است یادآوری کنم که کلاس‌های مورد بازدید همگی از شهر تهران انتخاب شده‌اند. همچنین، حضور من در کلاس‌ها بدون هیچ‌گونه مداخله و صرفاً در مقام یک ناظر و مشاهده‌گر آرام و بی‌صدا بوده است. در ضمن، برای جلوگیری از ایجاد هرگونه حساسیت در کودکان، در هنگام مشاهده هیچ اقدامی که متضمن یادداشت‌برداری، عکس‌برداری و فیلم‌برداری باشد، صورت نپذیرفت. این اقدام، علاوه بر مورد توجه قرار دادن ویژگی‌های کودکان، به دلیل ناآشنایی مربیان با شیوه‌های موجود در مطالعات ویدئویی، جدی گرفته شد. از این‌رو، عکس‌های استفاده شده در این نوشتار، تزئینی و غیرواقعی‌اند. البته به دلیل پابندی ما به اصول مستندسازی فعالیت‌های آموزشی و تربیتی، فقط نام مربی در کنار هر یک از فعالیت‌های صورت پذیرفته، بدون ذکر مشخصات و نشانی واحد پیش دبستانی مربوطه قید شده است.

در این نوشتار، با بعضی از فعالیت‌های انگیزشی مربیان پیش دبستانی آشنا خواهید شد. در صورتی که این سبک از نگارش را پسندیدید، اعلام کنید تا فعالیت‌های دیگری از مربیان را نیز به این شکل مستندسازی کنیم.



عنوان فعالیت: نقاشی خلاق

مری: معصومه میناوند

آرام وارد کلاس می‌شوم. مری با استفاده از تلفن همراه خود، موسیقی شاد و مناسب بدون کلامی را برای بچه‌ها پخش می‌کند و کودکان روی ورقه‌های کاغذ خود، خطوطی را متأثر از موسیقی ترسیم می‌کنند. آن‌طور که مری توضیح می‌دهد، قاعده بازی چنین است که پس از هر بار قطع موسیقی، کودکان باید دست خود را از روی کاغذ بردارند و با پخش مجدد صدا، به کار خود ادامه دهند. مری این عمل را تا آنجا ادامه می‌دهد که کودکان خسته نشوند و نشاط لازم برای ادامه کار را داشته باشند. او در هر نوبت، در فاصله قطع موسیقی، تا شروع کار به آنچه کودکان ترسیم کرده‌اند، نگاه می‌کند و احیاناً اگر کودکی برای خط‌خطی کردن کاغذ، فقط بر منطقه محدودی از صفحه متمرکز شده باشد، به او پیشنهاد می‌دهد تا از بقیه صفحه کاغذ نیز استفاده کند. وقتی از او دلیل این کار را می‌پرسم، می‌گوید: «می‌خواهم

خطوط ترسیم شده خیلی شلوغ نباشد؛ چون شلوغی و تمرکز خطوط در یک منطقه، فعالیت کلاسی بعدی بچه‌ها را مختل می‌کند.»

وقتی مری متوجه یکنواختی و پر شدن آستانه تحمل بچه‌ها می‌شود، موسیقی را قطع می‌کند و از نوآموزان می‌خواهد کاغذهایشان را با هم عوض کنند. آن‌گاه به بچه‌ها می‌گوید که در میان خطوطی که دوستشان کشیده است، به دنبال شکل مشخصی بگردند و آن را پررنگ کنند. همچنین اگر لازم است، چیزی به نقاشی دوستشان اضافه کنند تا آن را معنادار نشان دهند.

تقریباً به پایان وقت کلاس نزدیک شده‌ایم. مری به بچه‌ها می‌گوید که اگر دوست دارند می‌توانند شکل‌هایی را که در ورقه‌های خود کشیده‌اند، رنگ‌آمیزی کنند. مرحله نهایی، نصب نقاشی‌های خلاق به‌وجود آمده، در تابلو کلاس است. مهم‌ترین نکته‌ای که در کار این مری مشاهده کردم این بود که او به هیچ عنوان خطوط و تصاویری را که بچه‌ها تولید

کرده بودند، تفسیر یا نام‌گذاری نکرد و نیز موردی مشاهده نشد که او ایده خود را به نوآموزان کلاس تحمیل کند.

عنوان فعالیت: پرنده کوچولو،

جوجه کوچولو

مری: مریم رنجبر

آرام و بی‌صدا در انتهای کلاس نشسته‌ام. مری با نوآموزان وارد کلاس می‌شود. او جعبه‌ای رنگی در دست دارد. به‌رغم اینکه خواسته بودم مرا معرفی نکنند، می‌گوید: «بچه‌ها! امروز میهمان داریم» و به من اشاره می‌کند. بعد بلافاصله جعبه‌ای را که در دست دارد، بالا می‌گیرد و به نوآموزان می‌گوید: «و البته چند میهمان دیگر!» سپس جعبه را باز می‌کند و چند جوجه رنگی قشنگ از درون آن بیرون می‌آورد و روی میز نوآموزان رها می‌کند. بچه‌ها آن چنان هیجان‌زده می‌شوند که خوشبختانه میهمان دیگر کلاسشان، یعنی مرا فراموش می‌کنند و تا آخر زنگ حتی یک‌بار هم سراغم

را نمی‌گیرند.

برخی از نوآموزان، بدون واژه و بعضی دیگر با اندکی ترس پرنده‌های کوچولو را در دست می‌گیرند و با آن‌ها بازی می‌کنند. صدای جیک‌جیک بچه‌ها با صدای واقعی جوجه‌ها درهم آمیخته است. مربی، عملاً مانند یک کودک، در میان نوآموزان است. او صدای جوجه درمی‌آورد، و جوجه‌ها را در دست می‌گیرد. یا در دست کودکان قرار می‌دهد. در اینجا مربی به مرور و بدون اینکه کودکان متوجه شوند، به طرح اهداف آموزشی درس خود در قالب پرسش‌های کوتاه و متنوع می‌پردازد: «جوجه کوچولو چی می‌خوره؟ کجا زندگی می‌کنه؟ مامانش کیه؟ باباش کیه؟ چه جور می‌ازش مراقبت کنیم؟ اعضای اصلی بدنش کدوم‌هاست؟ و...» هدایت او در جهت دادن به پاسخ‌های پراکنده بچه‌ها ستودنی است. او بازی و یادگیری را با هم آمیخته است. زنگ آموزشی در حال به پایان رسیدن است. بچه‌ها دور مربی خود حلقه زده‌اند و جوجه‌ها کماکان جیک‌جیک‌کنان در روی میز کار بچه‌ها به این طرف و آن طرف می‌روند. گفت‌وگوی مربی و نوآموزان تمام‌شدنی است و من غریب‌ترین فرد حاضر در کلاس هستم.

عنوان فعالیت: رنگ‌های اصلی

و فرعی (واحد کار رنگ‌ها)

مربی: عطیه جناب‌پور

وارد کلاس می‌شوم و بی‌صدا در گوشه‌ای می‌نشینم. مربی می‌گوید: «امروز می‌خواهیم طلق‌بازی کنیم.» بعد، دایره‌هایی از جنس طلق به سه رنگ زرد، قرمز و آبی را از کیف خود بیرون می‌آورد و به هر کدام از بچه‌ها، به‌طور تصادفی یک طلق دایره‌ای شکل می‌دهد. سپس به آن‌ها می‌گوید رنگ‌های طلق خودشان را با رنگ طلق دوستانشان مقایسه کنند و هر کس که رنگ طلق او با رنگ دوستش یکی است، در یک گروه قرار بگیرد.

به سرعت سه گروه زرد، قرمز و آبی تشکیل می‌شود. مربی از بچه‌ها می‌خواهد که طلق‌هایشان را با دست راست بالا بیاورند و ادامه می‌دهد: «ما فقط همین سه رنگ را داریم یا رنگ‌های دیگری هم وجود دارد؟»

نوآموزان به رنگ‌های دیگری اشاره می‌کنند، و مربی با طرح پرسش‌هایی بین آن‌ها چالش به‌وجود می‌آورد. او می‌گوید: «اگر دوست دارید، طلق خودتان را با طلق دوستانتان در گروه‌های دیگر عوض کنید و دوباره به

گروه خود برگردید.» برخی از کودکان، این کار را انجام می‌دهند و با طلق‌های رنگی دیگری، که با طلق سایر بچه‌ها هم‌رنگ نیست به گروه خود باز می‌گردند تقریباً از هر سه رنگ در هر سه گروه وجود دارد. حال مربی از بچه‌ها می‌خواهد در گروه با طلق‌ها بازی کنند. برای مثال، طلق‌ها را روی چشم خودشان بگذارند، طلق‌های غیرهم‌رنگ را روی هم قرار دهند، طلق‌های را دوتا دوتا، یا سه‌تا سه‌تا با هم ترکیب کنند و کارهایی از این قبیل.

مربی راهنمایی‌های دیگری نیز می‌کند و در میان بچه‌ها می‌گردد. دقت می‌کنم که آیا او در حین کار به عبارت «رنگ‌های اصلی و فرعی»، «ترکیب رنگ‌ها» و موارد دیگر اشاره می‌کند یا خیر. صبر این مربی ستودنی است. او یک ساخت‌وساز‌گرای واقعی است؛ حوصله می‌کند تا بچه‌ها خود به راه‌حل‌ها برسند و دانش مدنظرشان را تولید کنند. طولی نمی‌کشد (زمان در گروه‌ها متفاوت و از ۴ تا ۷ دقیقه متغیر است) که بچه‌ها گزاره‌های مدنظر این واحد کار را می‌یابند. برای مثال، اگر طلق زرد را روی طلق قرمز بگذاریم، نارنجی می‌شود یا طلق زرد را روی طلق آبی بگذاریم، سبز می‌شود و اگر قرمز را روی آبی بگذاریم، بنفش می‌شود. بچه‌ها از یافته‌های خود شادمان و شگفته

می‌شوند؛ مربی هم، من هم. ای کاش بسیاری از دوستان، به جای نظریه‌پردازی، به کلاس‌های این قبیل مربیان سری بزنند و مشاهده کنند که مربیان و آموزگاران، صحنه‌پردازان تبدیل عرصه‌های نظر به عمل‌اند.





از شروع شش‌ماهگی اجباری و پیگیری آن را هر سال لازم می‌دانند. حتی اگر هیچ مشکل و یا نقص جدی و ظاهری دیده نشود و البته اگر علائم زیر مشاهده گردد حتماً این کار باید صورت گیرد. به جهت اهمیت فوق‌العاده این گونه مراقبت‌ها این چکاپ‌ها به صورت رایگان نیز صورت می‌پذیرد.

در این برنامه‌های ملی، بسیار کوشش می‌شود که کودکان و خانواده‌هایشان اوقاتی خوشایند داشته باشند و معاینه و بررسی به تجربه ناراحت‌کننده‌ای تبدیل نشود.

براساس برآوردهای انجمن چشم‌پزشکی آمریکا

● آیا می‌دانستید مشکلات چشم و بینایی کودکان در سال‌های اولیه می‌تواند باعث تأخیرهای رشد در سال‌های آینده شود؟

● نقش مربی و خانواده در پیشگیری از بیماری‌های چشمی کودکان در سال‌های آینده چیست؟

همه ما دوست داریم که کودکان از سال‌های اولیه خوب ببینند و زیبایی‌ها را به درستی تجربه کنند اما چه بسیار کودکانی هستند که فقط به دلیل بی‌توجهی و یا ناآگاهی اطرافیان از رسیدگی آغازین و یا ارزیابی‌های پزشکی و بهداشتی در سال‌های پیش‌دبستانی، مشکلات چشمی و بینایی جبران‌ناپذیری پیدا می‌کنند.

چشم‌های سالم و رعایت بهداشت بینایی در یادگیری دیدن و تجربه کردن عناصر مهم آموزشی در اطفال و کودکان نقشی اساسی دارد.

انجمن مراقبت از بینایی در آمریکا، هر سال گردهمایی‌های ویژه‌ای را با حضور چشم‌پزشکان و خانواده‌های کودکان و افراد علاقه‌مند برگزار می‌کند. هدف از این جلسات سازنده، هدایت و راهنمایی ملی در راستای آگاه‌سازی کارکنان، مراقبان کودکان پیش‌دبستانی و خانواده‌های آنان در زمینه نقش سلامت چشم و رعایت بهداشت از سال‌های اولیه است. استاندارد کردن برنامه‌های مراقبت از چشم و غربالگری‌های خاص نیز از دیگر جهات این نشست‌های حمایتی و نظارتی است. دادن اطلاعات به خانواده‌ها و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای مشورت کردن با پاره‌ای از پزشکان چشم و بینایی درباره مراقبت و حفاظت از بینایی کودکان و پاسخ به سؤال‌ها و نگرانی‌های

مراقب چشم‌های زیبای فرزند

آنان از نتایج و دستاوردهای این گونه هماهنگی‌های مسئولانه است. مشکلات چشم و بینایی در اطفال ممکن است سبب تأخیرهای رشدی بسیار شود؛ زیرا چشم‌ها دریچه‌هایی هستند که کودکان اولین تجربه‌های دیداری خود را از راه آن‌ها دریافت می‌کنند و چنانچه به هر دلیل خوب نبینند و یا اطلاعات دریافتی بینایی را به درستی تحلیل نکنند، نقص دریافت سبب مشکلات گوناگون، همچون ناهماهنگی‌های جبران‌ناپذیر می‌گردد. چنان‌که می‌دانیم، عدم تشخیص تنبلی چشم از سال‌های اولیه می‌تواند نقص بینایی را در سال‌های بعد سبب شود. بنابراین، بسیار حائز اهمیت است که خانواده‌ها و نیز کارکنان و مربیان مراکز آموزشی و پیش‌دبستان توجه جدی به بهداشت چشم کودکان را نیز در برنامه‌های مراقبتی و حمایتی خود بگنجانند و هر سال با نکته‌های اساسی در زمینه بهداشت چشم کودکان آشنا شوند.

انجمن‌های مراقبت از چشم در بسیاری از کشورها، معاینه چشم‌ها را



۱۰ درصد از کودکان پیش‌دبستانی گرفتار مشکلات بینایی هستند. جا دارد وزارت بهداشت کشور ما نیز ایجاد انجمن‌های ویژه‌ای را به منظور آگاه‌سازی عمومی و اجرای طرح‌های رایگان معاینه و بازبینی چشم کودکان از ابتدای ۶ ماهگی تا پایان ۶ ماهگی در دستور کار خود قرار دهد.

نشانه‌هایی که در اطفال نگران‌کننده است و باید مورد معاینه قرار گیرد:

● ریزش اشک زیاد

- حساسیت زیاد نسبت به نور و روشنایی
- خارش پلک‌ها
- سرخی چشم
- ظاهر شدن بیشتر قسمت سفیدی چشم
- برگشت مزگان در چشم.

نشانه‌هایی که در کودکان پیش‌دبستانی (۵ و ۶ سال به‌ویژه) باید مورد توجه قرار گیرد:

● نشستن نزدیک به تلویزیون و یا نگه داشتن کتاب و مطالب خواندنی

و دیداری بسیار نزدیک به چشم‌ها

- مالش مکرر چشم‌ها
- کدر شدن و یا سفیدی مردمک چشم
- حساسیت به نور و روشنایی
- لوچی و یا دوبینی
- سربرگرداندن یا چرخاندن زیاد سر به اطراف هنگام دیدن
- طول توجه کوتاه و نامتناسب با سن کودکان
- مشکلات هماهنگی چشم و دست به هنگام توپ‌بازی و یا دوچرخه‌سواری
- برگشت مردمک به طرف داخل و یا خارج چشم

جا دارد وزارت بهداشت در کشور ما

نیز ایجاد انجمن‌های ویژه‌ای را به منظور آگاه‌سازی عمومی و اجرای طرح‌های رایگان معاینه و بازبینی چشم کودکان از ابتدای ۶ ماهگی تا پایان ۶ ماهگی در دستور کار خود قرار دهد

دکتر مرجان گودرزی
پزشک عمومی و خانواده

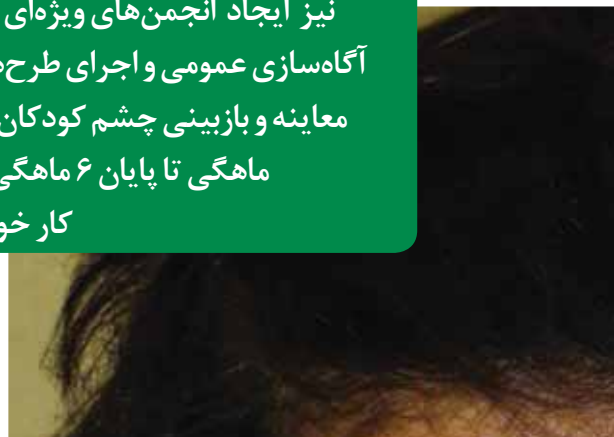
سدان در زمستان سرد باشیم

● اجتناب از فعالیت‌هایی چون رنگ‌آمیزی، انجام پازل‌ها و فعالیت‌هایی که نیازمند توجه به جزئیات است.

● البته نشانه‌هایی نیز برای کودکان سنین مدرسه وجود دارد که از جهت عدم ارتباط در اینجا به آن‌ها پرداخته نمی‌شود.

باید توجه داشته باشیم که نشانه‌های نگران‌کننده ممکن است به فهرست بالا ختم نشود ولی به هر حال اگر هر یک از آن‌ها در سال‌های حساس رشد کودکان مشاهده شود، مراجعه به چشم‌پزشک باید در دستور کار جدی خانواده‌ها نیز قرار گیرد.

در پایان گفتنی است که خانواده‌ها و کارکنان مراکز پیش‌دبستانی، مهدهای کودک و مراکز آموزشی و فرهنگی کودکان باید به مسئله بهداشت چشم کودکان توجه ویژه‌ای داشته باشند و با مشاهده هر نشانه آسیب‌زاه مراقبت‌های لازم اولیه را به عمل آورند، تا کودکان با چشمانی زیبا، دنیا را زیبا ببینند.



کودکان با تفاوت‌های فردی متولد می‌شوند با تفاوت‌های تربیتی رشد می‌کنند. آن‌ها هم به هم‌کلاسی‌های خود شبیه‌اند و هم با آن‌ها متفاوت‌اند! شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که تا پایان عمر ادامه می‌یابند. شناسایی این موارد و ارائه برنامه برای بهبود و رشد توانایی‌های حرکتی، کلامی، شناختی، اجتماعی، عاطفی و... کودکان منطبق با شرایط فردی و محیطی طبق اصول علمی، از وظایف آموزش و پرورش است. تشخیص کودکان عادی و کودکان استثنایی دارای مشکلات جسمی یا ذهنی شدید، تقریباً ساده است اما شناسایی کودکان میان این دو گروه، به تدابیر اجرایی خاصی نیاز دارد. این کودکان دارای مشکلاتی همچون کم‌بینایی، کم‌شنوایی، محدودیت‌های جسمی و حرکتی، و دیرآموزی هستند. شناسایی به موقع توانمندی‌ها و محدودیت‌های این کودکان عادی با نیاز ویژه، امکان برنامه‌ریزی و مداخلات به‌هنگام و مؤثر را فراهم می‌کند. مداخله به‌هنگام، به هر نوع فعالیت آموزشی کودک محور و یا فعالیت راهنمایی والد محور گفته می‌شود که بلافاصله پس از شناسایی شرایط یا عارضه رشدی، انجام می‌گیرد. این مداخله‌ها می‌تواند عامل پیشگیری یا به حداقل رساندن محدودیت‌های جسمی، رفتاری، شناختی و هیجانی در کودکان باشد. بر این مبنای تفاهم معاونت آموزش ابتدایی و سازمان آموزش و پرورش

استثنایی کشور در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳، طرح آزمایشی سنجش سلامت جسمانی و آمادگی تحصیلی برای نوآموزان پیش دبستانی ثبت‌نام شده در سامانه نام‌نویسی الکترونیکی دانش‌آموزان (سناد)، به اجرا گذاشته است. پس از اجرای طرح سنجش، طراحی و اجرای برنامه‌های مداخله‌ای به‌هنگام، توسط دفتر آموزش پیش دبستانی پیگیری شده است.

**شناسایی و مداخله به‌هنگام
برای رشد همه‌جانبه نوآموزان با نیاز ویژه**

رشد همه‌جانبه نوآموزان

دفتر پیش دبستانی



دوره پیش دبستانی در آینه قوانین آموزش و پرورش

دفتر پیش دبستانی

کلیدواژه‌ها: کودکان دیرآموز، توانایی، نوآموز

کودک دیرآموز

این کودکان دارای نیاز ویژه در مدارس عادی حضور می‌یابند. کودکان دیرآموز به دلایل فیزیولوژیک یا عوامل محیطی، دچار کاستی‌های ذهنی در یادگیری هستند. بهره هوشی آن‌ها، نه آن قدر پایین است که در مدارس استثنایی و در کنار کودکان کم‌توان ذهنی قرار بگیرند نه هوش بهرشان آن قدر بالاست که بتوانند به سرعت سایر همسالان خود، در مدارس عادی پیشرفت کنند. این کودکان در مدارس عادی ثبت‌نام می‌کنند و حضور می‌یابند تا سایر ابعاد رشد و یادگیری عملی‌شان، همراه با همسالانشان پرورش یابد. برای رسیدن به اهداف آموزشی، فعالیت‌های تربیتی غنی‌سازی و توسط مربیان در کلاس ارائه می‌شوند.

برخی اقدامات مؤثر ویژه نوآموز دیرآموز

- ❖ شناخت توانایی‌های نوآموز و انتظار پیشرفت متناسب با توانایی او برای رشد و یادگیری
- ❖ انتخاب زمان آموزش با توجه به آستانه تحمل نوآموزان پیش دبستانی، به‌ویژه دیرآموزان، و پرهیز از تکرار و تمرین یکنواخت و خسته‌کننده
- ❖ فراهم کردن فرصت تجربه موفق مبتنی بر توانایی‌ها برای یادگیری بهتر و جبران ضعف‌ها
- ❖ رعایت سلسله مراتب یادگیری و کسب اطمینان از آموختن پیش‌نیازهای لازم قبل از آموزش هر موضوع یا مهارت
- ❖ توجه به علایق نوآموز، دادن حق انتخاب و آزادی عمل به او در یادگیری هر موضوع و جهت دادن وی به سمت علایق جدید
- ❖ آغاز آموزش با پرسش‌هایی که نوآموز پاسخ آن‌ها را می‌داند، به منظور پیشگیری از احساس شکست و تخریب فرصت‌های یادگیری بعدی
- ❖ ایجاد انگیزه در نوآموز با پرسش‌های جذاب، بازی‌های آموزشی متنوع و مرتبط
- ❖ به‌کارگیری روش‌های متنوع آموزشی و پرورشی به‌ویژه استفاده از حواس پنج‌گانه نوآموز در یادگیری هر مطلب آموزشی (روش چندحسی)
- ❖ فراهم آوردن فرصت مناسب و تشویق نوآموز به کار بست آموخته‌ها در خارج از موقعیت‌های آموزشی (مثل انتخاب رنگ اسباب‌بازی بعد از آموزش رنگ‌ها)
- ❖ استفاده از آموزش غیرمستقیم و یادگیری مشاهده‌ای به‌ویژه در آموزش رفتارهای صحیح با ایجاد فرصت و فضای مشاهده رفتار و الگوبرداری از همسالان
- ❖ از آنجا که در این اجرای آزمایشی، نوآموزان دیرآموز مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند، در این شماره نکاتی درباره این کودکان ارائه گردید. در فرصت‌های آتی نیز به سایر اختلالات کودکان عادی با نیاز ویژه پرداخته خواهد شد.

تربیت کودکان ریشه در فرهنگ کهن ایران دارد و با ورود اسلام به ایران، شدت گرفته است. به دلیل اهمیت فعالیت‌های تربیتی کودکان، به‌ویژه در پیش دبستانی، با نگاهی به قوانین یکصد سال اخیر، جایگاه خاص این دوره در نظام آموزشی کشور مرور می‌شود. اولین آیین‌نامه کودکان در آبان ۱۳۱۲ هجری شمسی به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید. این آیین‌نامه تا سال ۱۳۳۴ اعتبار داشت. در این زمان، اداره مستقلی برای مدیریت امور کودکان در وزارت فرهنگ وقت تأسیس شد و آیین‌نامه جدیدی تهیه و تصویب گردید. به منظور تربیت نیروی انسانی مراکز پیش از دبستان، در سال ۱۳۴۵ اساسنامه و برنامه‌های درسی آموزشگاهی کودکانی به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید و این آموزشگاه‌ها از یک سال بعد آغاز به کار کردند. در سال ۱۳۴۹ شورای عالی آموزش و پرورش، آیین‌نامه جدید کودکان را تصویب کرد و براساس آن، تشکیل

کلاس‌های آمادگی ضمیمه مدارس مجاز اعلام شد.

از سال ۱۳۵۳ با تحلیل آمار مردودی پایه اول دبستان و مشکلات زبان‌آموزی در مناطق دوزبانه، آماده کردن کودکان ۵ ساله برای ورود به دبستان در اولویت آموزش و پرورش قرار گرفت. این برنامه با اعمال برخی تغییرات، هنوز به‌عنوان یکی از



در سال ۱۳۹۲ مقام معظم رهبری در متن سیاست‌های کلی تحولی، ضمن فرمان ارتقای جایگاه آموزش و پرورش به مثابه مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی، اجرای سیاست‌های مصوب و هدایت و نظارت بر آن از مهدکودک و پیش‌دبستانی تا دانشگاه را به‌عنوان وظیفه حاکمیتی به وزارت آموزش و پرورش ابلاغ فرمودند. در حال حاضر، علاوه بر در نظر داشتن نقشه جامع علمی و مهندسی فرهنگی کشور، اسناد و قوانین مصوب، سیاست‌های کلی تحولی ابلاغی مقام معظم رهبری فصل الخطاب نظام است. بر این مبنای، وزارت آموزش و پرورش توسعه کمی و کیفی دوره پیش‌دبستانی به‌ویژه در مناطق محروم و دوزبانه را با استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود، به‌عنوان محور توسعه پایدار کشور در دستور کار دارد.

در چارچوب برنامه توسعه سنواتی و سازماندهی عوامل آموزشی در سال تحصیلی ۹۵-۹۴، بر توسعه پیش‌دبستانی از طریق برنامه‌ریزی برای تشکیل و استمرار کلاس‌های یک ساله پیش‌دبستانی مخصوصاً در مناطق دوزبانه، روستایی، عشایری براساس دستورالعمل‌های ابلاغی وزارتخانه تأکید گردیده و اختصاص نیرو به پیش‌دبستانی در مناطق کمتر توسعه‌یافته و دوزبانه، تجویز شده است. دفتر آموزش پیش‌دبستانی در حوزه معاونت آموزش ابتدایی، به‌عنوان مسئول مستقیم سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت بر این دوره، تلاش می‌کند از طریق اعمال مدیریت یکپارچه در سطح ملی و با استفاده از فرصت‌های موجود، بستر مناسبی برای تحقق و توسعه عدالت آموزش پیش‌دبستانی با کیفیت فراهم آورد. دستاوردهای اجمالی حاصل از نظام برنامه‌ای سال ۹۴-۱۳۹۳ دفتر مذکور در همین شماره ارائه می‌شود.

پیش‌دبستانی را مصوب کرد. در این مجموعه، رویکرد و اهداف برنامه و محتوای فعالیت‌های دوره پیش‌دبستانی، ویژگی‌های عمومی مربی پیش‌دبستانی، ارزشیابی، محتوای آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستانی و مدت‌زمان برنامه‌های این دوره مصوب شده است.

در سال ۱۳۸۳ به دنبال تعهد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تحقق اهداف شش‌گانه برنامه آموزش برای همه، سند ملی برنامه در کشور تدوین و توسط هیئت دولت تصویب شد و به کلیه دستگاه‌های اجرایی ابلاغ گردید. اولین هدف این برنامه، توسعه آموزش و پرورش پیش‌دبستانی بوده است. طبق این سند، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف شده است در قوانین بودجه سنواتی، ردیف اعتباری ویژه‌ای را به اجرای این برنامه اختصاص دهد.

در قانون برنامه چهارم توسعه کشور نیز لزوم گسترش کلاس‌های آمادگی و پیش‌دبستانی به‌ویژه در مناطق محروم، روستایی و دوزبانه تصویب شده است. ادامه این قانون در برنامه پنجم توسعه کشور تا سال ۱۳۹۴ تصویب شد. در سال ۱۳۹۰ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و برای اجرا ابلاغ شد. در این سند، بر تعمیم دوره پیش‌دبستانی به‌ویژه در مناطق محروم، روستاها، حاشیه شهرها، عشایر و مناطق دوزبانه با نیازهای ویژه، با ایجاد فرصت‌های آموزشی متنوع و باکیفیت تأکید شده است.

برنامه‌های

آموزش پیش‌دبستانی اجرا می‌شود. در سال ۱۳۶۷ طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران تدوین شد و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. همچنین، مجلس شورای اسلامی صدور مجوز کودکان‌های غیرانتفاعی را به وزارت آموزش و پرورش واگذار کرد. در سال ۱۳۷۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان مرجع عالی در امور فرهنگی کشور در مصوبه‌ای، طرح کلیه مسائل آموزش پیش‌دبستانی را به شورای عالی آموزش و پرورش واگذار نمود. بر این اساس، در سال ۱۳۸۲ شورای عالی آموزش و پرورش اساسنامه دوره پیش‌دبستانی را تدوین و با امضای رئیس قوه مجریه به‌عنوان رئیس این شورا مصوب کرد. بر مبنای مفاد این اساسنامه، دوره دو ساله پیش‌دبستانی، کودکان ۴ تا ۶ سال را زیر پوشش برنامه‌های تربیتی قرار می‌دهد. تأسیس مراکز پیش‌دبستانی توسط اشخاص حقوقی و حقیقی، پیش از کسب مجوز از وزارت آموزش و پرورش ممنوع است. شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۷ اصول و چارچوب راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره

دوره پیش دبستانی در آذربایجان شرقی



اشاره

اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی در طول یک دهه اخیر با تشکیل کلاس‌های پیش‌دستانی در مدارس دولتی با مشارکت مردم، در گسترش مراکز پیش‌دستانی غیردولتی موفق عمل کرده است. به طوری که این استان، در «میزان جذب نوآموزان ۴ و ۵ سال تمام» رتبه اول کشور را دارد. در واقع، استان آذربایجان شرقی ادامه دهنده مسیر شادروان «جبار باغچه‌بان» است که اولین مرکز پیش‌دستانی ایران را در سال ۱۳۰۳ در شهر تبریز بنیان نهاد.

اقدامات تأثیرگذار در روند رشد و کیفیت بخشی آموزش‌های پیش‌دستانی

* تشکیل جلسه هماهنگی سطح مدیران کل و مسئولان ذی‌ربط استان و به تبع آن در مناطق به منظور هماهنگی، انسجام و یکپارچه‌سازی فعالیت‌ها در استان

* استفاده از ظرفیت رسانه‌های جمعی استان مانند رادیو و تلویزیون در جهت تغییر نگرش نسبت به آموزش‌های پیش‌دستانی

* تعدیل اجاره‌بهای فضاهای آموزشی مدارس دولتی روستایی و مناطق محروم جهت تشکیل کلاس‌های پیش‌دستانی توسط مؤسسان و کاهش هزینه مراکز پیش‌دستانی

* بهره‌مندی از ظرفیت کلاس‌های چندپایه و جذب بیش از ۱۳۰۰ نفر از نوآموزان مناطق کمتر توسعه یافته استان با ضریب محرومیت ۸ و ۷ و ۶ در این کلاس‌ها

* فعال نمودن کمیته استانی تولید محتوای آموزشی متناسب با دوره پیش‌دستانی و تهیه و تدوین بسته‌های



آموزشی «انس با قرآن کریم» ویژهٔ مربیان و کودکان ۵ سال تمام
 * تدوین و تولید محتوای مربیان و نونهالان ۴ و ۵ سال تمام به تفکیک
 * تعیین سرگروه درسی برای دورهٔ پیش دبستانی در گروه‌های آموزشی استان
 * بازدید از مراکز و کلاس‌های پیش دبستانی توسط سرگروه‌ها و نظارت مستمر بر فعالیتهای آنها
 * تأمین و تربیت «مدرس دورهٔ پیش دبستانی» برای تمامی مناطق و نواحی استان
 * اجرای طرح‌های فرهنگی - هنری از جمله برگزاری جشنوارهٔ بازی‌های محلی
 * برگزاری همایش‌ها و گردهمایی برای مربیان، مدیران و مؤسسان پیش دبستانی برای هماهنگی بیشتر و ارتقای کیفیت فعالیتهای اداری و آموزشی
 * ارتقای آگاهی و اطلاعات اولیای کودکان در مورد اهمیت دورهٔ پیش دبستانی و تأثیر آن در روند تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان در سال‌های بعد
 * جبران قسمتی از کسری تراز دریافت و پرداخت مراکز پیش دبستانی مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی از محل اعتبارات و درآمدهای داخلی استان به منظور افزایش پوشش تحصیلی
 * تجهیز مراکز پیش دبستانی به محتوای آموزشی مصوب استان و تأمین منابع آموزشی و تجهیزات تکمیلی
 * تجهیز کتابخانه‌های تمامی مراکز پیش دبستانی و مدارس دارای کلاس‌های پیش دبستانی به کتاب‌های مرجع این دوره و منابع مطالعاتی مربیان از اعتبارات استانی
 * برگزاری مسابقات «دانش‌افزایی و ارتقای توانمندی‌های علمی و آموزشی» بین مربیان، مدیران و ... با استفاده از منابع مطالعاتی
 * افزایش مهارت‌های علمی و حرفه‌ای نیروی انسانی دورهٔ پیش دبستانی از طریق برگزاری دوره‌های ضمن خدمت
 * طرح موضوع پیش دبستانی در اولویت‌های پژوهشی سالانهٔ استان





ویژگی‌های مربیان موفق

زهره اولیائی

کارشناس ارشد تعلیم و تربیت، اصفهان

اشاره

آموزش‌های دوره پیش از دبستان، پیش‌نیاز آموزش‌های سال اول دبستان است و ارزش و اهمیت بسیار دارد. دوره پیش از دبستان آغاز زندگی اجتماعی کودک و زمان آماده‌سازی وی برای زندگی اجتماعی آینده است. تمامی مهارت‌های دستی، مهارت‌های کلامی و ارتباطی و مفاهیم پایه نقش بسیار مهمی در موفقیت کودک در سال اول دبستان دارند. یک مربی موفق، دلسوزانه به تمامی جنبه‌های رشد کودک توجه می‌کند و در جهت پرورش همه جنبه‌های رشد او قدم برمی‌دارد. با توجه به ارزش و اهمیت دوره پیش از دبستان و نقش بسیار مهم مربیان در این دوره، به بیان ویژگی‌های مربیان موفق خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: ویژگی، مربیان پیش دبستان، موفق، رشد همه‌جانبه



ویژگی‌های مربیان موفق

۱. آموزش خود را با نیازهای فراگیرندگان انطباق می‌دهند.
۲. احترام متقابل بین خود و فراگیرندگان را حفظ می‌نمایند. (سیف، ۱۳۸۳: ۱۸۳-۱۸۲)
۳. وقتی فراگیرندگان چیزی را می‌آموزند، احساس خوشایندی می‌کنند.
۴. کودکان را با احساس مسئولیت بار می‌آورند.
۵. انضباط متعادلی در کلاس خود ایجاد می‌کنند.
۶. مفاهیم را به گونه‌ای طرح می‌کنند که برای فراگیرندگان قابل فهم باشد. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۶: ۹)
۷. کودکان را به بیان احساسات و عقایدشان تشویق می‌کنند.
۸. ترغیب‌کننده کودکان به پژوهش، کنجکاوی و سؤال کردن هستند.
۹. توانایی‌ها و نقاط قوت هر کودک را به‌طور مشخص نشان می‌دهند.
۱۰. به رشد مهارت‌های واقعی یادگیری در کودکان بیشتر از دادن اطلاعات اهمیت می‌دهند.
۱۱. به کودکان فرصت می‌دهند تا به طریقی خلاق تفکر کنند و به حل مسئله بپردازند. (کول، مفیدی، ۱۳۷۴)
۱۲. وقتی کودکی سرحال و بانشاط است و می‌خواهد بیشتر فعالیت داشته باشد، امکان آن را برای او فراهم می‌کنند.
۱۳. با محبت انسانی خود می‌کوشند دنیای کودکان را درک کنند (خمارلو، ۱۳۷۵: ۷)
۱۴. خودکنترلی را در کودکان تقویت می‌کنند.
۱۵. در فعالیت‌ها به تلاش کودکان (فرایندکار) اهمیت می‌دهند نه به نتیجه کارشان.
۱۶. فعالیت‌هایی را تدارک می‌بینند که به رشد ابتکار و خلاقیت کودکان کمک کند.
۱۷. برای کودکان تجارب یادگیری صحیح به‌وجود می‌آورند.
۱۸. بین بچه‌ها تبعیض قائل نمی‌شوند.
۱۹. به

تفاوت‌های فردی توجه دارند.

۲۰. منعطف و انتقادپذیرند.

۲۱. در آموزش خلاقیت و ابتکار عمل

دارند و این خلاقیت را به‌طور غیرمستقیم

به فراگیرندگان نیز منتقل می‌کنند.

۲۲. صبر و تحمل زیادی دارند، در

مقابل خطاهای کودکان صبورند و راه

جبران خطاها را به آن‌ها می‌آموزند.

۲۳. در کار خود متخصص هستند و

همیشه حرفی برای گفتن دارند.

۲۴. به نیازهای روحی و جسمی

کودکان توجه دارند.

۲۵. فضای فیزیکی کلاس این مربیان،

تعمیرات کلاسی و شیوه‌های آموزش آن‌ها

به فراگیرندگان انگیزه یادگیری می‌دهد.

۲۶. به مهارت‌های دستی کودکان

اهمیت می‌دهند؛ زیرا باعث پرورش

ماهیچه‌های کوچک و هماهنگی چشم

و دست و پرورش دقت و توجه می‌شود.

اغلب کودکانی که در دوره پیش از دبستان

در زمینه ترسیم خطوط ساده و قوانین

مربوط به آن (خط‌چین و نقطه‌چین،

نقاشی، صحیح به دست گرفتن مداد،

فشار ندادن مداد بر روی کاغذ، صحیح

گذاشتن کاغذ، بیرون نزدن از خط در

رنگ‌آمیزی) خوب آموزش ندیده‌اند، در

پایه اول و هنگام نوشتن و ترسیم خطوط،

و جایگاه حروف در فضا با مشکل جدی

روبه‌رو هستند.

۲۷. برای فرایند کار خود برنامه‌ریزی

(کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) دارند.

۲۸. به نظم در محیط کار خود اهمیت

می‌دهند و آن را غیرمستقیم به کودکان

می‌آموزند.

۲۹. با توجه به غیرمستقیم بودن

آموزش‌های دوره پیش‌دبستان، چه در

زمینه تعلیم و چه در زمینه تربیت سعی

می‌کنند در گفتار، رفتار، پاکیزگی، متانت،

صداقت، صبر و تحمل الگوی خوبی برای

بچه‌ها باشند.

۳۰. در کلاس آن‌ها فرایند یادگیری و

یاددهی برای فراگیرندگان و معلم جذاب

و لذت‌بخش است.

۳۱. به مطالعه و افزایش آگاهی در مورد

کار خود علاقه‌مندند.

۳۲.

امنیت

روحی و

جسمی کودکان

را در کلاس تأمین

می‌کنند.

۳۳. شنونده خوبی

برای صحبت‌های

کودکان هستند.

۳۴. شمرده، شاداب، رسا

و صحیح سخن می‌گویند.

در دوره پیش از دبستان

کودک برای اولین بار با برخی

از واژگان آشنا می‌شود، آموزش

غیرصحیح کلمات می‌تواند در گفتار و

نیز یادگیری دروسی مانند «بخوانیم و

بنویسیم» و املا و انشا در دوره دبستان

تأثیر منفی بگذارد. برای مثال، کودکی که

برخی از کلمات را با عنوان جوجو، پیشی،

بعی، نون، هندونه و... بیان می‌کند، در پایه

اول و آغاز خواندن و نوشتن، وقتی معلم در

کلاس املا می‌گوید، آنچه را در ذهن دارد

می‌نویسد نه چیزی را که می‌شنود. بسیاری از

مشکلات نوشتاری بچه‌ها در پایه اول، نتیجه

بیان غیرصحیح واژه‌ها توسط والدین و مربیان

و به‌خاطر سپاری آن‌ها توسط کودکان است.

بنابراین، مربی باید علاوه بر زبان‌آموزی و تمییز

شنوایی، زمان بیان قصه و داستان نیز واژگان را

صحیح تلفظ کند.

منابع

۱. خمارلو (میرهادی)، توران (۱۳۷۵). کتاب کار مربی کودک (برنامه کار سالانه مربی در مهدکودک و کودکستان)، تهران: مؤسسه نشر آگاه.
۲. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۳). روان‌شناسی تربیتی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
۳. لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۶). روان‌شناسی تربیتی، تهران: انتشارات سمت.
۴. کول، ونیتا (۱۳۷۵). برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، ترجمه فرخنده مفیدی، تهران: انتشارات سمت.

اشاره

فصلنامهٔ تعلیم و تربیت در شمارهٔ ۱۲۲ خود، پژوهشی با عنوان «تبیین ضرورت تربیت اوان کودکی (پیش دبستانی) مبتنی بر سنتز پژوهی شواهد تجربی معاصر» از دکتر ابراهیم طلایی و خانم حمیده بزرگ را در ۲۴ صفحه درج نموده است. به دلیل اهمیت موضوع و ارتباط آن با اهداف فصلنامهٔ رشد پیش دبستانی خلاصه و مهم ترین نکته های مندرج در آن مقاله به آگاهی خوانندگان محترم مجله می رسد.

عصبی میان نورون ها در ثانیه و شبکهٔ انبوه و در هم پیچیده آن ها در سال های مختلف کودکی نسبت به سال های بعدی و رشد طبیعی مغز، سبب قرار گرفتن در معرض محرک های حسی همچون نور، صدا، اجسام، افراد و... اثبات می کند که آموزش های پیش دبستانی ای که بتوانند یک محیط یادگیری غنی برای کودک فراهم آورند تا مغز او در این دورهٔ مطلوب در معرض تجربه ها، فرصت ها و محرک های متنوع قرار گیرد، ضرورت دارد.

به اعتقاد محققان این پژوهش، آموزش های با کیفیت پیش از دبستان، راهی برای دستیابی به عدالت آموزشی و تا حدی هم سطح کردن دانش آموزان در آغاز آموزش ابتدایی است.

منظور از اوان کودکی، زیست کودک از بدو تولد تا ورود به پایهٔ اول دبستان است. برای تبیین موضوع، از روش سنتز پژوهی استفاده شده است که در آن، پژوهش های بیست سال اخیر با روشی نظام مند انتخاب، واکاوی محتوایی و دسته بندی شده اند. از میان پژوهش های موجود ۲۵ پژوهش که دارای معیارهای مورد نظر بودند انتخاب و سپس سنتزی از یافته های آنان طبق اصول تلفیق، بازاندیشی و بازآرایی داده ها ارائه شده است. یافته های این سنتز نشان می دهد که ضرورت پرداختن به تربیت اوان کودکی از چهار منظر توجیه پذیر است: منظر بیولوژیک (یافته های پژوهشی حوزهٔ عصب شناختی و مغز)، منظر اقتصادی (تحلیل هزینه، فایده)، منظر آموزشی (عملکرد و پیشرفت تحصیلی مطلوب در طول دورهٔ تحصیل) و منظر اجتماعی در رشد منش ها و کنش های اجتماعی مطلوب و در طول نوجوانی و بزرگسالی. این مطالعه بر آن بوده است که به ۴ سؤال زیر پاسخ دهد:

سؤال دوم: توجیه اقتصادی ضرورت تربیت پیش دبستانی، تحلیل هزینه - فایده چه می باشد؟ در این خصوص اشاره شده است که نرخ

سؤال اول: توجیه بیولوژیک ضرورت تربیت اوان کودکی چیست؟ در بررسی یاد شده با توجه به اندازهٔ مغز نوزاد و روند رو به رشد آن و میزان ارتباطات

گزارشی از یک سنتز پژوهی

رقیه قنبری، شیرین فاضلی

تربیت اوان کودکی (تاک)

برگشت سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی با افزایش سن رابطه عکس دارد. بیشترین برگشت مربوط به سرمایه‌گذاری‌هایی است که در دوران اوان کودکی یا پیش‌دبستانی انجام شده است. در برخی از کشورها نیز اثبات شده است که ارتکاب جرم و جنایت در دوره جوانی و بزرگسالی در میان کسانی که از پیش‌دبستانی با کیفیت برخوردار بوده‌اند کمتر است. برخی دیگر از کشورها در یک پژوهش طولی نتیجه گرفته‌اند که هر یک دلار هزینه در پیش‌دبستانی از ۷ تا ۱۶ دلار در بزرگسالی دوره‌دیده‌ها برگشت داشته و صرفه‌جویی شده است.

کنترل احساسات، خودتنظیمی و خودراهبری از عوامل مهم جلوگیری از ارتکاب جرم است که نتیجه‌گذاران دوره‌های مفید پیش‌دبستانی محسوب می‌شود. در ایرلند هزینه یک سال پیش‌دبستانی رایگان در سال ۲۰۱۰ برای یک کودک ۲۸۵۰ یورو محاسبه شد؛ در حالی که هزینه نگهداری یک‌ساله یک مجرم در زندان ۷۰/۵۱۳ یورو بوده است!

سؤال سوم: توجیه آموزشی

ضرورت تربیت پیش از دبستان چیست؟

در این بخش هم، تقریباً همه مطالعات انتخاب شده برای این سنتز پژوهی به تأثیر مثبت معنادار و چشمگیر، کوتاه‌مدت و مهم‌تر از آن بلندمدت آموزش‌های پیش‌دبستانی، بر رشد شناختی و عملکرد بقیه دانش‌آموزان در طول دوره تحصیلی مهر تأیید زده‌اند. رشد توانایی‌های هوشی، زبان خواندن و نوشتن، ریاضی و محاسبات در دوره‌های تحصیلی بعدی از آثار مثبت گذراندن دوره پیش‌دبستانی مؤثر بوده است.

سؤال چهارم: توجیه اجتماعی ضرورت تربیت پیش از دبستان، رشد منش‌ها و کنش‌های اجتماعی مطلوب چگونه است؟

منظور از توجیه اجتماعی، تأثیرات مثبت و ماندگاری است که تربیت با کیفیت در اوان کودکی بر رشد اجتماعی، عاطفی و رفتاری افراد دارد.

در این پژوهش‌ها تعابیری از قبیل مهارت‌های فراشناختی، مهارت‌های نرم، خوی و منش زندگی و رشد اجتماعی - عاطفی به کار رفته است. منش‌ها و

کنش‌های منفی، که عبارت از رفتارهای ضداجتماعی، خشونت، ناسازگاری، بی‌قراری، اضطراب و عصیت است، و نیز رفتارهای خشن مانند مشاجره و قلندری کردن در کودکان دوره‌دیده در پیش‌دبستان کنترل شده‌اند.

در پایان نیز، محققین محترم پیشنهادهایی برای مسئولان و دست‌اندرکاران در ایران ارائه داده‌اند که مهم‌ترین آن به شرح زیر است:

برای نتیجه‌بخش بودن همه این تلاش‌ها، لازم است کودک میان آنچه می‌آموزد و تجارب و خوی و خصلت‌هایی که در این دوره حساس کسب می‌کند، یکپارچگی و همسویی ببینند تا مسیرهای عصبی تقویت و تثبیت شوند.

لازم است آموزش و پرورش، بهزیستی، خانواده‌ها، مربیان و رؤسای مراکز، متخصصان کودک و روان‌شناسان، پزشکان متخصص کودک، اصحاب تعلیم و تربیت و سایر ذی‌نفعان (همچون شهرداری برای معماری شهری دوستدار کودک) با هم و در کنار هم به این مسئله مهم بپردازند تا بهتر و مؤثرتر بر ساحت‌های رشدی کودک تأثیرگذار باشند.





اشاره

پدر یا مادر بودن یکی از سخت‌ترین کارهای دنیاست. این شغل، ۲۴ ساعته است و می‌تواند بسیار خسته‌کننده باشد. اما مهم است تا با وجود خستگی، مسائلی را نیز رعایت کنید تا به روح، جسم و اعتمادبه‌نفس فرزندتان لطمه‌ای وارد نشود. باید طوری او را تربیت و با او رفتار کنید تا در بزرگسالی علاوه بر اینکه مایه افتخار شما شود، خودش نیز در سلامت روحی کامل زندگی کند. اغلب والدین نکات تربیتی را از طریق کتاب‌های متعدد، سایت‌های روان‌شناسی و با شرکت در کلاس‌های روان‌شناسی می‌آموزند. برخی از والدین با وجود رعایت نکات و تکنیک‌های روان‌شناسی شاهد پایین بودن اعتمادبه‌نفس، پایین بودن انگیزه یادگیری، افت تحصیلی و... در فرزندشان هستند. نکته بسیار مهمی که اغلب از دید والدین، پنهان می‌ماند مشکلات یکپارچگی حسی و پردازش حسی است که این مشکلات منجر به پایین آمدن عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس در کودکان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: پردازش حسی، حواس پنج‌گانه، بازی درمانی



مشکلات یکپارچگی حسی

فاطمه رجبی
کارشناس ارشد کودکان

درست همانند همه موجودات دیگر، تجربه درک ما از محیط پیرامون از طریق حواس مختلف انجام می‌گیرد. ما از راه حواس پنج‌گانه خود صداها را می‌شنویم، اشیا را می‌بینیم، مزه‌ها را می‌چشیم، اشیا را لمس و بوها را استشمام می‌کنیم. در واقع، ما در دنیایی پر از احساسات و پاسخ‌های عصبی به محرکات محیطی زندگی می‌کنیم. در فرد هنجار، واکنش حواس مختلف بدن به محرکات بیرونی فقط در محدوده‌ای مشخص از پاسخ‌ها به‌عنوان «هنجار» تلقی می‌شود و خارج از این محدوده را به‌عنوان «ناهنجار» دریافت می‌کند. این امر به ما اجازه می‌دهد تا درباره جهان پیرامون خود و وقایع آن اتفاق نظر داشته باشیم؛ یعنی همه ما تا زمانی رنگ قرمز را قرمز و رنگ آبی را آبی می‌دانیم که تجربه‌مان از رنگ قرمز یا آبی فراتر از آنچه دیگران از این دو رنگ تجربه می‌کنند، نباشد. به همین ترتیب، ما صدای بلند را بلند، داغ را داغ و سرد را سرد درک می‌کنیم. لازم است بدانیم که درک «هنجار» ما از وقایع دنیای پیرامون بسیار محدود است. در واقع، حواس ما فقط بخش محدودی از محرکات را به‌عنوان هنجار در نظر می‌گیرند و غیر از آن را غیرهنجار تلقی می‌کنند. برای مثال، حس بینایی ما قادر به دریافت طیف بسیار محدودی از تشعشعات الکترومغناطیسی است. همین‌طور، حس شنوایی ما محدوده کمی از ارتعاشات صوتی موجود در دنیا را به‌عنوان «صدا» دریافت و درک می‌کند. حواس لامسه، چشایی و بویایی ما نیز در مقایسه با دیگر موجودات بسیار محدود است اما به‌دلیل آنکه همه ما درباره محرکات نور، صوت، لامسه، چشایی و بویایی موجود در محیط پیرامون خود اتفاق نظر داریم (آن‌ها را یکسان دریافت و درک می‌کنیم)، جهان حسی ما انسان‌ها بسیار شبیه یکدیگر است.

در فردی که دچار ضایعه مغزی شده است، پردازش حسی هنجار دچار مشکل می‌شود و در نتیجه، فرد کارکرد حس خود را از دست می‌دهد. فهم از دست دادن یک حس آسان است. در این حالت، فرد مبتلا ممکن است دچار ناشنوایی (کم‌شنوایی)، نابینایی (کم‌بینایی)، ضعف در حرکت یا احساس از محیط، ضعف چشایی یا بویایی شود. از دست دادن این عضو «اختلال» یا «بیماری» شناخته می‌شود. در این حالت، برای ما کاملاً مشخص است که فرد نابینا یا کم‌بینا نمی‌تواند بخشی از محرکات محیطی را دریافت کند و در نتیجه، «نا توانی بینایی» پیدا می‌کند.

ممکن است در یک فرد با حس سالم، حساسیت بیش از اندازه به محرکات محیطی به‌وجود بیاید که درک آن به آسانی قابل فهم نیست. همین امر درک درست و دقیق از اختلال بیش‌شنوایی (حساسیت بیش از اندازه به صدا) را دشوار می‌کند. در واقع، ما براساس پنداشت‌های قبلی خود این موارد را ویژگی‌های مثبت و برتر می‌دانیم و از آن‌ها تصور اختلال یا بیماری نداریم اما این یک واقعیت است که در برخی از افراد، نور می‌تواند کورکننده باشد، صدا می‌تواند ناشنوایی (حواس‌پرتی یا کم‌توجهی) ایجاد کند، یک تماس کوچک می‌تواند سوزاننده باشد، هر مزه‌ای ممکن است بدمزه درک شود و هر بویی ممکن است مسمم‌کننده به‌نظر برسد.

اطلاعات توسط حواس مختلف و سیستم عصبی مرکزی دریافت می‌شوند و مغز آن‌ها را هماهنگ می‌کند؛ به بیان دیگر، مغز تعامل اطلاعات مرتبط را تعیین می‌کند. پس از سازماندهی اطلاعات، مغز، بدن و رفتار ما را هدایت می‌کند. چنانچه این اطلاعات به درستی در مغز یکپارچه شوند، زندگی روزمره ما راحت‌تر پیش می‌رود و این خود زمینه‌ای برای کسب مهارت‌های اجتماعی بهتر می‌شود. گاهی افراد محرک‌ها را به درستی

پردازش نمی‌کنند.

مشکلات پردازش محرک‌ها به طرق مختلف ظاهر می‌شوند. از کودکی که دچار به‌هم‌ریختگی سیستم حسی است، نمی‌توان انتظار ثبات عاطفی و هیجانی مطلوبی داشت. در حقیقت، به‌هم‌ریختگی سیستم حسی، مخصوصاً آنچه از آن به سامانه‌دهیزی یا سیستم وستیبولار نام می‌برند، نقش مهمی در تنظیم سطح انگیزتگی و به تناسب آن تنظیم عادت‌های روزانه از جمله خواب و بیداری و تحرک دارد. همچنین کودکی که به ثبت حسی کم در حس عمقی دچار است، بالطبع، احساس بی‌قراری و بی‌تابی بیشتری می‌کند. چه‌بسا که کودکی که تدافع لمسی دارد، شبیه خلق کودکی را تجربه کند که به‌علت آنفلوآنزا دچار پوست درد و التهاب لمسی شده است.

خودتنظیمی کودکان نقش مهمی در ثبات عاطفی و هیجانی ایشان دارد. ساعت بیولوژیک انسان‌ها، یعنی ساعتی که به زندگی و ریتم آن نظم می‌دهد، نقش مهمی در تنظیم خویشتن دارد. منظم شدن ساعت خواب، بیداری، تغذیه و دست‌شویی کودکان می‌تواند قسمت اعظم نظم زندگی روزانه ایشان را تأمین کند. مثال می‌خواهید؟ کودکی که بدخواب شده خلخش‌چطور است؟ کودکی که در ساعات خواب شب چندین بار بیدار می‌شود، فردای آن روز چگونه است؟ کودکی که دچار یبوست است چه خلقی دارد؟ کودکی که گرسنه است اما خودش حال خودش را نمی‌داند، چه اخلاقی دارد؟

یکپارچگی حسی یک چارچوب درمانی است که برای ارزیابی و درمان افرادی که دچار اختلال در پردازش حسی هستند به‌کار می‌رود. برای مثال، تدافع لمسی مشکلی در تعدیل حسی است که به موجب آن، فرد در تحمل تحریکات لامسه ناتوان می‌شود. کودکان دچار تدافع لمسی، اغلب از تماس پرهیز می‌کنند، در



دندان‌ها و به عقب زبان، به‌منظور بلعیدن دچار مشکل است. بعضی از آن‌ها دهانشان را بیش‌ازحد پر می‌کنند (چون به احساس پر بودن توجه ندارند) تا اینکه ماهیچه‌ها دچار کشیدگی زیادی شوند. برای کودکان دارای حساسیت کم دانستن اینکه چه زمانی غذا را بلعند مشکل است و ممکن است غذا را بیش‌ازحد لازم بچوند. پر کردن بیش‌ازحد دهان، حتی می‌تواند کنترل مطمئن غذا در دهان را سخت‌تر کند. نیز ممکن است کودک حالت تهوع پیدا کند و یا خفه شود. برخی دیگر از این کودکان به غذاهای نرم توجه نمی‌کنند و غذاهای سفت و ترد را به‌دلیل اینکه تحریک بیشتری فراهم می‌سازند، ترجیح می‌دهند.

برای

جویدن بعدی روی زبان نگه داشت و این کار برای کودکی که حتی در برخورد با غذایی با یک نوع ترکیب مشکل دارد، غیرممکن است. وقتی به کودکان بزرگ‌تری که به اختلال یکپارچگی حسی دچارند غذای مخلوط داده می‌شود، آن‌ها نوعاً ترکیبات این غذاها را در بشقابشان جدا می‌کنند، یکی از آن‌ها را کامل می‌خورند و سپس به‌سراغ دیگری می‌روند.

جنبه‌های روانی - اجتماعی مسائل تعدیل حسی ممکن است در مربیان اضطراب ایجاد کند. تصور کنید وقتی مربی می‌خواهد کودک را در آغوش بگیرد کودک خود را از بدن او دور کند، چشمانش را از او برگرداند، یا به هیچ‌وجه به او پاسخ ندهد. در این صورت، مربی ممکن است به شدت احساس کند که طرد شده است.

کودکان دچار اختلالات یکپارچگی حسی ممکن است ساعت‌های زیادی در روز به تکرار چند مکالمه از یک کتاب یا

غذا خوردن مشکل دارند و همچنین، در خودتنظیمی با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند. برعکس، ممکن است بر اینکه بی‌تغییر بمانند، پافشاری کنند و اگر زمین گذاشته شوند، جیغ بکشند. ممکن است والدین این کودکان احساس کنند که برخی رفتارهای کودکانشان غیرعادی است، اما از آنجا که مشکلات تعدیل حسی نامحسوس است، امکان دارد مشکلات کودک سال‌ها تشخیص داده نشود.

تعدیل حسی نوعاً با رسش کودکان بهبود می‌یابد. کودکان دارای تعدیل حسی ضعیف ممکن است نسبت به حس خود، واکنش بیش‌از اندازه داشته باشند یا کم‌واکنش نباشند، بیش‌حساس بودن به برخی حواس و کم‌حساس بودن به حواس دیگر نیز غیرمعمول نیست. انسان‌ها علاوه بر دستگاه‌های بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و لامسه - که بیشتر افراد با آن‌ها آشنا هستند - به دو حس فرعی به نام‌های وستیبولار (دهلیزی) و حس عمقی نیز وابسته‌اند. دستگاه دهلیزی با استفاده از مجاری نیم‌دایره‌های گوش درونی و دستگاه حس عمقی که گیرنده‌های عصبی عمیقی برای دادن اطلاعات درباره وضعیت بدن در فضا (حس جنبش) استفاده می‌کند می‌باشد.

دستگاه دهلیزی و حس عمقی با یکدیگر، طرحوارهٔ بدنی یا انگاره‌ای ذهنی از شکل و حالت بدن را به‌وجود می‌آورند. به موجب این طرحواره، فرد از خود احساس رضایت دارد و از لحاظ حرکتی و کلامی متناسب با سن خود پیش می‌رود کودکان دارای اختلال یکپارچگی حسی به‌دلیل بازخورد نامناسب ماهیچه‌هایشان که تحول یک طرحوارهٔ بدنی دقیق را در آن‌ها مشکل می‌سازد، به تأخیر تحول کلامی و حرکتی (مهارت‌های بدنی) دچارند.

کودکان بیش‌حساس معمولاً بد غذا می‌خورند؛ به طوری که زمان زیادی طول می‌کشد تا غذا را در دهانشان پیدا کنند و زبانشان در حرکت دادن غذا به‌سمت



بازی

مورد علاقه‌شان اصرار کنند یا اینکه اصرار کنند که فقط لباس‌هایی با رنگ‌های خاص بپوشند. وضع این کودکان طوری است که گویی انتقال در مغز آن‌ها با مانع روبه‌رو شده است و نمی‌تواند دنده را عوض کند. در حالی که رفتارهای مشابهی تقریباً در همه کودکان دیده می‌شود، رفتارهایی که به‌طور غیرعادی تکرار می‌شوند و شدید و بادوام‌اند. کودکان دچار تعدیل حسی تغییر یافته، در انتقال از یک فعالیت به فعالیت دیگر مشکلات زیادی دارند. شناساندن برخی از تکنیک‌ها از قبیل (خداحافظی کردن با همه وسایل موجود در زمین بازی قبل از ترک آن و صحبت درباره فعالیت بعدی) می‌تواند به مربی جهت تسهیل انتقال کمک کند. افزایش سروصدای ناشی از جشن و شادی یا صدای بلند، کودکی را که دارای مشکلاتی در زمینه پردازش شنوایی است، از پا در خواهد آورد. چنین کودکی ممکن است گوش‌هایش را با دست بپوشاند و گریه کند، فریاد بزند و یا صداهای بی‌معنی تولید کند تا صدای غیرقابل تحمل بیرونی را پوشش دهد. یک کودک دارای حساسیت بالای بینایی ممکن است در برابر تصاویر بینایی متعدد خود را عقب بکشد و چشمانش را جمع کند یا ببندد تا احساس امنیت کند.

انتظار کشیدن در صف به‌ویژه برای کودکان دارای مشکلات تنظیم حسی تحمل‌ناپذیر است. آن‌ها ممکن است بسیار دست‌وپاچلفتی باشند و اغلب هنگام راه رفتن بیفتند؛

چون دستگاه دهلیزی آن‌ها برای تصحیح تعادلشان به موقع واکنش نشان نمی‌دهد. باریک‌ترین شکاف در پیاده‌رو به‌نظر آن‌ها چاله است و کودک اغلب با بلند

کردن بیش‌ازاندازه پایش به جبران افراطی آن می‌پردازد. این جبران افراطی ممکن است تظاهری از دیس پراکسی (نقص در برنامه‌ریزی حرکتی) باشد. طراحی حرکتی عبارت است از توانایی تصور، برنامه‌ریزی و اجرای یک تکلیف جدید. کودکان دارای طراحی ضعیف حرکتی در استفاده از مهارت‌هایشان در محیط جدید مشکل دارند. راه رفتن در یک خیابان جدید برای کودک مبتلا به دیس پراکسی مثل مسیری دارای مانع است و سوار شدن به یک ماشین وانت کوچک ممکن است پنج دقیقه طول بکشد. کسی که منتظر کودک است باید آن‌قدر صبور باشد تا کودک محاسبه کند که چطور هر دو پایش را با ایمنی عبور دهد و روی صندلی بنشیند.

تعدیل حسی باید با رشد کودک پیشرفت کند. کودکان با اختلال یکپارچگی حسی در ماندگی‌شان را در شدت، تکرار و مدت پاسخ‌هایشان به تحریک نشان می‌دهند. اگر این پاسخ‌ها مانع مشارکت کودک در فعالیت‌های متناسب با سن او شود (برای مثال، کودک از قدم زدن روی ماسه یا لمس آن امتناع کند، و روی پتو گریه کند در حالی که کودکان دیگر قلعه شنی درست می‌کنند.

توانایی هماهنگ کردن حرکات بدن در کودکان متفاوت است. کودکانی که مهارت‌های حرکتی خوب و رشد یافته‌ای دارند، انگیزه بالایی برای درگیر شدن در

فعالیت‌هایی مانند ورزش‌های رقابتی، فوتبال، و پرتاب توپ به‌سمت اهداف از خود بروز می‌دهند؛ زیرا موفقیتشان در این فعالیت‌ها به تجربه‌ای خوشایند منجر می‌شود و کم‌کم این تجربه به بالا رفتن اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس بالا در کودک می‌انجامد. افراد به محض مشاهده این موفقیت‌ها، توجه مثبت، پاداش کلامی و غیرکلامی خود را به کودک انتقال می‌دهند. این توجه در کودک میل شدیدتری برای تمرین بیشتر برمی‌انگیزد. در مقابل، کودکانی که مهارت کمتری در حرکات دارند ممکن است از فعالیت‌هایی که نیازمند درگیری هستند، دوری کنند، بازی‌های مداد کاغذی را به حرکتی ترجیح دهند و یا اینکه انزوا و گوشه‌گیری را انتخاب کنند. برخی دیگر از کودکان که در حیطه زبان و درک لغات استعداد بالایی دارند، ممکن است به‌طرز ماهرانه‌ای برای دور کردن توجه عمومی از ضعف حرکتی خود، با استفاده از کلام منطقی با افراد بزرگسال سرگرم صحبت شوند و بدین طریق از بازی‌های حرکتی اجتناب ورزند. این کودکان به‌دلیل آنکه ضعف خود را درک می‌کنند، رفته رفته، به کودکانی با عزت‌نفس کم تبدیل خواهند شد.

از طرف دیگر، رشد نکردن یکپارچگی حسی نیز در رشد اعتمادبه‌نفس کودک دخیل است. کودک با مشکل تدافع لامسه از رفتن به مکان‌های اجتماعی اجتناب می‌ورزد، نمی‌تواند از خود دفاع کند، با کودکان هم‌سن خود وارد بازی نمی‌شود، و کم‌کم به این نتیجه می‌رسد که «من ناتوانم».

بنابراین، شناخت یکپارچگی حسی و مشکلات ادراکی می‌تواند راهنمایی برای مربیان باشد تا بتوانند مربیگری موفقیت‌آمیزی را تجربه کنند.



من و تو مثل هم کودکیم!

مینا مجدنی

آموزگار دوره ابتدایی استان فارس

لاک پشت رنگی

لاک پشتی را که در راه برگشت از سفر به خانه آورده بودم، رنگی نبود و خیلی ساده به نظر می‌رسید. خانه‌های روی لاکش همه یا خاکستری بودند یا قهوه‌ای. من یک عروسک لاک پشتی داشتم که خانه‌های لاکش رنگ‌های شاد داشت، به‌خاطر همین، تصمیم گرفتم لاک پشت زنده‌ام را مثل عروسکم شاد و قشنگ کنم. رنگ انگشتی را برداشتم و باورچین پاورچین به حیاط رفتم. لاک‌ی را گرفتم؛ آن بیچاره که ترسیده بود دست پا و سرش را در لاکش فرو برد. به این ترتیب، من راحت‌تر می‌توانستم آن را رنگ کنم؛ چون دیگر دست و پا نمی‌زد. هر خانه لاکش را یک رنگ شاد زدم. وقتی کارم تمام شد، لاک‌ی خیلی قشنگ‌تر از قبل شده بود.

یکدفعه متوجه شدم مامان و بابا بالای سرم ایستاده‌اند! وای خدای من ... آن‌ها در حال ذوق کردن به لاک‌ی بودند ... آنجا بود که به خودم افتخار کردم که لاک‌ی را خوش‌رنگ کرده بودم!

مرتب کردن اسباب بازی‌ها

مامان همیشه تذکر می‌دهد که وقت بازی، چه تنها باشم چه با دوستانم، باید

وسایل و اسباب‌بازی‌های اتاقم را مرتب کنم و هر چیزی را در جای خودش بگذارم تا وقتی بزرگ شدم آدم منظمی بشوم.

نزدیک ظهر بود و وقت رفتن دوستانم به خانه‌هایشان ... اما هنوز اتاق من بسیار نامرتب بود؛ مثل اینکه زلزله آمده بود! به دوستانم پیشنهاد دادم که به کمک هم وسایل را جمع کنیم اما آن‌ها عجله داشتند. پس با هم تصمیم گرفتیم که همه وسایل را داخل کمد بریزیم. بعد هم در کمد را با هر دردسری که بود، بستیم و نفس راحتی کشیدیم ... آخیش!

همین موقع، مامان وارد اتاق شد؛ با چشمانی باز و لبخند رضایت روی لب ... گفت: «آفرین به دختر گلم! چه تمیز و زیبا!» در آن لحظه، فقط دعا می‌کردم که در کمد باز نشود؛ وای اگر در کمد باز شود.

یکدفعه در کمد منفجر شد و تمام اسباب‌بازی‌ها از آن بیرون ریختند. مامان بیچاره ...

آقای همسایه ... پدر دوستم

در همسایگی ما دختری هم سن وسال من زندگی می‌کند که برای من دوست خوبی است اما متأسفانه پدرش بد اخلاق

است. بین خودمان بماند! مامان می‌گوید: «نگو ... این غیبت است!» یک روز که نوبت من بود به خانه آن‌ها بروم، هر چه سعی کردم که او را راضی کنم به خانه ما بیاید، نشد. بالاخره من به خانه آن‌ها رفتم.

هرجا که وسایل و اسباب بازی‌هایمان را می‌گذاشتیم پدرش از کارمان بهانه می‌گرفت: «اینجا نروید، در حیاط سروصدا نکنید، آنجا صدایتان همسایه‌ها را اذیت می‌کند، به اتاق بروید و ...» می‌خندیدیم، می‌گفت هیس ... می‌دویدیم می‌گفت نمی‌توانید نشستند بازی کنید؟ ...

من که دیگر کلافه شده بودم. اصلاً به ما خوش نمی‌گذشت. فکر کردم: فدای بابایی که بهترین است! ...

بعد نفسی عمیق کشیدم و با احترام گفتم: «بابای صدف، می‌شود شما با ما بازی کنید؟»

جواب داد: «بله ... بیایید وسطی بازی کنیم.» بعد از گذشت چند لحظه صدای فریاد و هیجان بازی ما تا سر کوچه هم می‌رسید.

بابای صدف با خنده و هیجان می‌گفت: «چقدر بازی بچه‌ها خوب است! نمی‌شود آرام باشیم!»

برای آموزش مهربانی در دنیای نامهربانی‌ها و خشونت‌ها چه باید کرد؟

دکتر فرخنده مفیدی

استاد دانشگاه علامه طباطبایی

رشد معقول‌تری دست یابند ولی مطالعات اخیر نشان داده است که آن‌ها می‌توانند علائم و نشانه‌های مهربانی واقعی، عطوفت و همدردی و دلسوزی را از سال‌های اولیه دریابند و همین یافته‌های پژوهشی درک و نشانه‌های اولیه را واگیردار و انتشاریابنده می‌دانند. به عبارت بهتر، محققان «مهربانی کن که مهربانی ببینی»، «پذیرا باش که پذیرفته شوی» و نیز «خشن مباش که خشونت نبینی» را بازیابی کرده‌اند.

واکنش کودکان در سال‌های اولیه به هنگام مشاهده نامهربانی، ناخوشحالی و ناراحتی نوعی انتظار برای دریافت کمک، کمک کردن و حل مسئله است و می‌خواهند به روش ساده‌ای وضعیت پیش آمده را درست کنند و به شکل اولیه و خوب خود برگردانند.

شما به‌عنوان یک مربی، والد و فرد بزرگ‌تر، مهم‌ترین کاری که باید انجام دهید همین است که بگذارید کودکان بدانند که مهربانی، مسئولیت‌پذیری عاطفی، و شاد کردن دیگران برایتان اهمیت فراوان دارد و بگذارید با دیگران احساس شادی، لذت و شادابی کنند. وقتی می‌بینید که کودکان از روی بی‌فکری، خشونت و عاطفه منفی کاری انجام می‌دهد، به او فرصت دهید که راه درست را دریابد و بداند کارش درست نبوده است. همچنین، به او به‌صورت «کلامی یا غیرکلامی» نشان دهید که آن کار را به شیوه‌ای که او انجام داده است، دوست ندارید یا نتیجه کار را تأیید نمی‌کنید. در این قبیل موارد، باید با کودکان با قاطعیت و سنجیده صحبت کنید و فقط بر کار انجام شده و عمل خطا تمرکز کنید نه بر شخصیت او. در واقع، کودک باید دریابد که کارش خوب و درست نبوده و شما آن کار را نمی‌پسندید. بسیار مهم است که کودک در این سال‌ها به تأثیرات و نتایج کار خود تا حد قابل قبولی پی ببرد و به‌ویژه بداند که شما چقدر جدی هستید و قلباً او را از انجام دادن کارهای نامهربانانه و خشونت‌آمیز منع می‌کنید و یا حس خوبی نسبت به رفتار پرخاشگرانه و غیرمحبت‌آمیز وی با آدم‌های دیگر، حیوانات و حتی اشیاء ندارید. وقتی کودک پیش‌دستانی ببیند که بزرگ‌ترها و والدین نسبت به نتایج کارهایش **تعهد**

در دنیایی که خشونت و پرخاشگری به‌نظر بعضی‌ها عادی و تقریباً قابل قبول می‌آید، بسیاری از والدین متحیرند که چه کارهایی باید انجام دهند تا کودکان مهربان و نرم بار بیابند و حس مراقبت و عطوفت و روحیه عاطفی از سال‌های پایه در آنان رشد یابد. البته به خودی خود راه‌حل مناسبی برای خشونت و ویرانگری‌های کنونی در دنیا وجود ندارد؛ زیرا به هر حال کودکان شاهد نابسامانی‌ها، جنگ‌ها، ترورها و نازیبایی‌های درونی و بیرونی دنیا هستند؛ چه در تلویزیون، چه در خیابان، و چه در خانه‌ها و حتی در محیط‌های آموزشی. کودکان به‌ویژه در سنین حساس رشد خویش از نامهربانی‌ها رنج می‌برند و تأثیرات این تاریکی‌ها و بی‌عدالتی‌ها آنان را در آینده سخت، بی‌روح، نامتعادل و نامهربان می‌سازد و ریشه‌های عاطفه، مراقبت و مهربانی را در آن‌ها می‌خشکاند. پس منطقی است که نگران باشیم مبادا آنان در معرض خشم و عصبانیت و ناکامی‌های رفتاری، درونی و برونی در جوامع قرار بگیرند و تدابیری اتخاذ کنیم که تأثیرات عمیق این رفتارهای ناخواسته کم‌رنگ‌تر و یا بی‌رنگ شود.

ناگفته پیداست که نمی‌توانیم به‌طور کامل تأثیرات عمیق عواطف منفی را کنترل کنیم؛ زیرا کودکان ساعات زیادی را در «دنیای واقعی» که اغلب خشن، نامهربان و یا غیرسازنده و ناشاد است سپری می‌کنند. هر کودک موجودی منحصر به فرد است که والدین و یا بزرگ‌ترها نمی‌توانند او را به‌طور کامل تغییر دهند و کنترل کنند. ولی به‌هر حال، با درپیش گرفتن روش‌هایی می‌توان کودکان را با عدالت، مسئولیت‌پذیری، رقت قلب و همدردی و مهربانی با دیگران آشنا کرد. آدم‌ها گاه تصور می‌کنند که کودکان قادر به درک دنیای بیرون نیستند و شیوه‌های رفتاری بزرگ‌ترها را درک نمی‌توانند؛ زیرا فقط دنیا را از دریچه چشم خود می‌نگرند و به شیوه خودشان! ولی آیا واقعاً چنین است؟

محققان قبلاً عقیده داشتند که حس مراقبت و مهربانی نسبت به دیگران وقتی رشد می‌کند که کودکان به

عاطفی دارند، به احتمال بیشتر به تأثیرات خوب یا بد کارهایش پی می‌برد. این نوع واکنش و تعهد عاطفی باید با اطلاعات و دانش لازم دربارهٔ کودکان، عمل و یا رفتار انجام شده همراه باشد؛ زیرا آنان به توضیحات و اظهارنظرهای ساده، درست و در حد فهم خود دربارهٔ دلایل ناراضی‌تی و نپذیرفتن نیاز دارند. مثلاً: «الهام گریه می‌کند؛ چون تو اسباب‌بازی او را از دستش گرفتی. این کار درستی نبود، این کار قشنگی نیست، این نامهربانی است و من دوست ندارم که او را به گریه بیندازی و دوباره این کار را انجام دهی.» حرف‌ها و نظرات خود را باید کوتاه، ساده و درست و به موقع اظهار کنید؛ چون منظور این است که به کودکان آموزش عاطفی دهید نه باعث شوید که احساس گناه و تقصیر کنند. صداقت، صمیمیت و درستی گفتار بزرگ‌ترهاست که کودکان را به سمت الگوگیری از عواطف مثبت سوق می‌دهد. به عبارت بهتر، اعمالتان نیز باید فراتر از کلماتتان باشد. اگر شما همیشه مهربان، غمخوار، دلسوز و شفیق باشید، به احتمال قوی‌تر، کودکان شما هم چنین بار می‌آیند. به خاطر داشته باشید که کودک علائم و نشانه‌های رفتاری بزرگ‌ترها را به خوبی می‌بیند و اگر چیزی بگوید ولی طور دیگری رفتار کنید، توجه او به عمل شما بیشتر جلب می‌شود. در حقیقت، این گفتهٔ قدیمی که «کودکان به رفتار و عمل ما می‌نگرند و نه لزوماً به گفتارمان»، صادق است.

بر اساس مطالعات اخیر، برای پرورش مهربانی و عواطف مثبت در کودکان، والدین و بزرگ‌ترها و حتی جامعه و رسانه‌ها دو نوع نقش کلیدی دارند: یکی مهربانی کردن به کودک و دیگری کمک کردن به آن‌ها در مهربانی کردن نسبت به خود، دیگران و دنیای پیرامون.

چند پیشنهاد برای پرورش رفتار توأم با مهربانی به کودکان

چند پیشنهاد برای پرورش رفتار توأم با مهربانی به کودکان

۱. سعی کنید کودکان را از سنین اولیه با افراد مهربان، غمخوار و دلسوز آشنا کنید تا بتوانند چندین سرمشق و الگوی رفتاری مثبت و دوستانه داشته باشند؛ زیرا واکنش این‌گونه افراد وقار و بزرگی، همدردی و رفاقت را به کودکان یاد می‌دهد و کودکان هم در مقابل یاد می‌گیرند که همهٔ مخلوقات عالم، انسان و حیوان و حتی اشیاء را باید به دیدهٔ مهربانی، و بزرگی و شفقت بنگرند. فراموش نکنیم که محرومیت عاطفی و نبود و یا کمبود عواطف واقعی مثبت، کودکان را به سمت خشونت و پرخاشگری در سال‌های آینده سوق می‌دهد.
۲. کودکان را در هر موقعیتی، به‌طور حضوری یا از طریق کتاب، با افراد نوع‌دوست جامعهٔ خود و نوع‌دوستان معروف و مشهور جهان آشنا کنید. آن‌ها را به موزه‌های مختلف ببرید تا با دیدن و شنیدن کارهای نوع‌دوستان، به نتایج عبرت‌آموز

مهربانی‌ها و وفاداری‌ها و محبت‌ورزی‌ها و نسخه‌های تربیتی غیرخوشنوتی پی ببرند.

۳. سعی کنید برنامه‌های سادهٔ داوطلبانه را برای مراکز پیش‌دبستانی، مهدهای کودک و آمادگی تنظیم کنید تا کودکان کارهای داوطلبانه و شوق‌آمیز همراه با شفقت را تجربه کنند. از داوطلبان اجتماعی محلی، مساجد و برنامه‌های اجتماعی دیگر که به هنگام بروز مشکلات طبیعی و غیرطبیعی به کارهای داوطلبانه و بشردوستانه می‌پردازند دعوت کنید تا کودکان با آن‌ها آشنا شوند و از آن‌ها داستان‌هایی را بشنوند که در نتیجهٔ کار متحذانه و مشارکتی و مهربانی کردن با یکدیگر شکل می‌گیرند.

۴. مشاهدهٔ برنامه‌ها و فیلم‌ها و ویدئوهای خوشنوت‌آمیز و توأم با نامهربانی را برای کودکان محدود کنید. در موارد لزوم دربارهٔ رفتارهای



فراموش نکنیم که محرومیت از محبت واقعی خوشنوت‌ساز است و به‌طور قطع، کودکان باید دریافت مهربانی را تجربه کنند تا بتوانند انسان‌هایی باوقار و مهربان باشند

پرخاشگرانه و به دور از وقار و مهربانی دیده شده، با کودکان

صحبت کنید و به سؤال‌های آن‌ها پاسخ دهید (خشونت نسبت به انسان‌ها، حیوانات، طبیعت، ساختمان و اشیاء دیگر).

۵. به کودکان آموزش دهید که حد اعتدال را نگه دارند؛ چون اگر آن‌ها بیش از حد ترحم کنند و دلسوزی محور اصلی رفتارشان باشد و رقت رفتاری داشته باشند نیز در دلسوزی است. طوری عمل کنید که حد برخورد با مسائل را از طریق اولویت دادن به دیگران بدانند و مهربانی را از حد نگذرانند. فراموش نکنیم که محرومیت از محبت واقعی خوشنوت‌ساز است و به‌طور قطع، کودکان باید دریافت مهربانی را تجربه کنند تا بتوانند انسان‌هایی باوقار و مهربان باشند.

رفتارهای کودکان بازتاب اعمال بزرگسالان

فریده عصاره

اشاره

همه ما گاه به افرادی برمیخوریم که در سراسر زندگی خود، اغلب درست اندیشیده‌اند و لغزش‌های کمتری از آن‌ها سرزده است، هدفمندند و برای رسیدن به موفقیت دست به خطر می‌زنند. از شکست نمی‌هراسند و مدام برای رشد و تکامل مادی و معنوی خود در تلاش‌اند. در مقابل، افراد دیگری هستند که بدون فکر کردن، مشورت با دیگران و بی‌هدف گاه و بیگاه بی‌گدار به آب می‌زنند یا به خاطر ترس از شکست ترجیح می‌دهند خطر نکنند و مسیری را نپیمایند. دسته اول کسانی هستند که زندگی را در جهت رشد و تکامل به پیش می‌برند و در ساختن تاریخ و فرهنگ جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، نقش دارند. این هر دو گروه تکه‌هایی از پازل هستی‌اند ولی معمولاً مردم ترجیح می‌دهند افراد گروه اول را الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهند و گروه دوم را آیینۀ عبرت.

این مقاله براساس نظریه یادگیری اجتماعی نگاشته شده است و در آن، برآنیم که به چگونگی الگوگیری کودکان از رفتارهای بزرگسالان جامعه بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: کودک، بزرگسال، مربیان، الگوگیری، والدین، جامعه، رسانه‌ها

حتماً تاکنون شنیده‌اید که فلان ملت، امت، قوم، طایفه، خانواده، فلان ویژگی شخصیتی را دارند؛ مثلاً انگلیسی‌ها سیاسی‌اند، ایرانی‌ها عاطفی و مهمان‌نوازند، آذری‌ها سخت‌کوش و باپشتکارند، اصفهانی‌ها خوش‌فکر و کردها با مرام و با معرفت‌اند، زن‌های بلوچی صبورند و... با فلان طایفه دست و دلبازند، فلان خانواده مبادی آداب‌اند یا بالاشهری‌ها چنان‌اند و پایین‌شهری‌ها بهمان‌اند.

اگر در گویش و زبان گویشوران یک زبان دقت کنید، می‌بینید که علاوه بر مشترک بودن زبان و گویششان از نشانه‌های حرکات بدنی مشابهی نیز استفاده می‌کنند. تکیه‌ها، مکث‌ها، زیر و بمی صداها، فشارها و استرس‌ها و آهنگ کلامشان مشترکاتی با هم دارند و نیز از ژست‌ها و حرکات دست و سر و چهره مشابهی استفاده می‌کنند.

چرا اعضای جامعه‌ای که در جوار هم زندگی می‌کنند و در یک فضای اقلیمی فرهنگی روزگار را می‌گذرانند رفتارهای مشترکی دارند؟ آیا این امر به دلیل اشتراکات وراثتی و ژنتیکی آن‌هاست یا آن مشترکات را از یکدیگر فرا گرفته‌اند؟

والدین و مربیان مقتدای کودکان

وقتی کودکی مورد احترام والدین قرار نمی‌گیرد، رفتارها و کارهایش مورد پذیرش و اقبال آن‌ها نیست، رأی و نظرش را در نظر نمی‌گیرند، کارهای خوبش دیده نمی‌شود و فقط کاستی و اشتباه‌هایش زیر ذره‌بین است؛ مدام او را به باد انتقاد می‌گیرند و باران سرزنش بر سرش فرو می‌ریزند و برای هر عملی، شماتتش می‌کنند، اگر در کودکی فرصتی برایش فراهم شود و جسارت پیدا کند، او هم به پدر و مادر بی‌احترامی می‌کند و گرنه، زمانی که بزرگ شد و جوانی برومند و مستقل شد و احساس قدرت و بی‌نیازی از والدین در او پدیدار گشت، خواسته یا ناخواسته به تکرار از پدر و مادرش انتقاد می‌کند؛ از ظاهرشان، از کارهایشان، حرف‌ها و نشست و برخاستشان، از روابط اجتماعی‌شان و خیلی چیزهای دیگر آن‌ها خرده می‌گیرد؛ زیرا ورق برگشته است و اکنون این والدین‌اند که زیر ذره‌بین او قرار دارند. در واقع، می‌خواهد به آن‌ها نشان دهد که آن موقع که خردسال بودم و به دلایل مختلف جرئت پاسخگویی و رویارویی با شما را نداشتم، نمی‌توانستم از خودم دفاع کنم ولی حالا که هم‌قد شما شده‌ام، من شما را از بیایی می‌کنم. نشانتان می‌دهم که خودتان چقدر عیب و ضعف دارید. حالا دیگر شما برای من مقبولیت ندارید. چنین فردی نه خودش را قبول دارد و نه دیگران را. او نمی‌تواند محاسن

و زیبایی‌ها را در رفتار دیگران ببینند، از دوستان و نزدیکانش هم ایراد می‌گیرد و برای اطرافیان به یک والد شمت‌نگر تبدیل می‌شود.

در فیلمی می‌دیدم که در یک دعوی خانوادگی، وقتی شوهر در مقابل دیدگان فرزندش به صورت همسر سیلی زد، پسر بچه آن‌ها که پنج یا شش سال بیشتر نداشت، در حالی که دستش به صورت پدر بلندقدش نمی‌رسید، مشت‌هایش به شکم برآمده او فرود آورد. در واقع، او با این کارش نه تنها می‌خواست از مادرش که مورد ظلم واقع شده بود، دفاع کند و تنفرش را نسبت به پدر ظالمش نشان دهد بلکه آینه رفتار خشونت‌آمیز پدرش نیز شد.

هنگامی که کودک با مادرش حرف می‌زند، اگر مادر به او گوش ندهد یا در حین حرف زدن کودک، بدون توجه به او به سمت آشپزخانه برود و مشغول آشپزی شود و چشم در چشمان فرزندش ندوزد یا پدر و مادر با هم صحبت کنند و همواره توجهشان به برنامه‌های تلویزیون و یا خبرهای روزنامه باشد یا در وایبر و لاین و دیگر شبکه‌های اجتماعی الکترونیکی به پاسخ دادن به پیام‌های رسیده خود مشغول باشند، در آینده او نه تنها گوش نکردن و بی‌توجهی را به والدینش تحویل می‌دهد بلکه نسبت به دیگران نیز بی‌توجه می‌شود. در صورتی که والدین از بچه خواهند دروغ بگویند، مثلاً در حالی که در منزل حضور دارند از وی بخواهند به همسایه بگویند پدر یا مادرم در خانه نیست، کودک با خود می‌گوید وقتی اسوه و مقتدای من دروغ می‌گویند پس دروغ‌گویی اشکالی ندارد. در نتیجه، برای هموار کردن روابط اجتماعی‌اش دروغ می‌گوید. اگر والدین هم به کودک و هم به دیگران دروغ بگویند ولی به هنگام مشاهده دروغ از کودک، او را

تنبیه کنند، کودک، سردرگم می‌شود. این‌که از کودک بخواهند خودش را مخالف میل و نظر واقعی‌اش جلوه دهد، مثلاً وقتی هدیه‌ای را دوست ندارد تظاهر کند که آن را خیلی دوست دارد و مورد نیاز و خواسته‌اش بوده است و با لبخندی رضایتش را نیز اعلام کند، این کار نوعی یاد دادن دروغ‌گویی است. بچه‌هایی که به دروغ‌گویی مصلحت‌آمیز تشویق می‌شوند، به مرور زمان حساسیت و تنفرشان را از بی‌صدقتی از دست می‌دهند؛ بی‌صدقتی برایشان عادت می‌شود و دروغ‌گویی را راهی برای پوشاندن کارهای خلاف خود می‌دانند.

پدر و مادری که بدزبانی می‌کنند، در حین مشاجره با یکدیگر پر خاشگری می‌کنند و به راحتی حرف‌های رکیک و شنیع از دهانشان خارج می‌شود، چگونه از کودک خود انتظار دارند که چنین حرف‌هایی را بازگو نکند؟ در بیشتر مواقع این والدین وقتی کودکشان در واکنش همان حرف رکیک را به آن‌ها برمی‌گرداند، او را تنبیه می‌کنند که چرا چنین حرف بدی از دهانت خارج شد و دیگر به این

نمی‌اندیشند که این حرف را خودشان به او یاد داده‌اند.

کودکی که والد یا والدین ترسویی دارد و دائم در تشویش و اضطراب به سر می‌برد، بی‌قرار و ناآرام است. وقتی والدین در مقابل کودک خود و دیگران صبر و شکیبایی پیشه نمی‌کنند، طبیعی است که این خصلت‌های هیجانی را به کودک خود منتقل می‌سازند.

مادر یا پدری که با شنیدن صدای اذان در اول وقت مشغول نماز خواندن می‌شود و یا هر روز این کار را تکرار می‌کند، این فریضه را در نظر کودک پسندیده و با اهمیت جلوه می‌دهد و در سن تکلیف هم آن را به‌عنوان یک تکلیف اجباری از فرزندان نمی‌خواهد، باعث می‌شود که این عبادت خالصانه در رفتار کودک نهادینه شود. در نتیجه او در سن تکلیف به‌طور خودکار و بدون هیچ تحمیلی نمازش را به‌جا می‌آورد.

بسیاری وقت رفتارهای اکتسابی کودک از پدر و مادر آینه پیش روی آن‌ها می‌شود و بدین وسیله می‌توانند رفتارهای خود را در فرزندان



اسحاق آقایی /
هفت‌مین جشنواره
عکس‌رشد

ارزیابی کنند و به خطاها و اشتباهات خویش پی ببرند. مثلاً وقتی با کودک لجبازی می‌کنند، او هم رفتارهای لجبازانه از خود بروز می‌دهد. اخم و تخمی که به وی می‌شود، دادی که بر سرش کشیده می‌شود، خشم‌هایی که بر اثر عدم مدیریت آن‌ها از کنترلشان خارج می‌شود، داد و فریادی که پدر و مادر در حین مشاجره سر هم می‌کشند، حرف‌های زشت و رکیکی که به هم می‌گویند، طرز برخورد آن‌ها با اطرافیان، همه این‌ها مواردی است که کودک به تکرار آن‌ها را مشاهده می‌کند، می‌بیند، می‌شنود، و به مرور جزئی از وجودش می‌شوند.

موارد ذکر شده چنانچه در مهدکودک و مراکز پیش‌دبستانی از مربی یا کارکنان دیگر آنجا سر بزند، همان نتایج را دارد.

برای نمونه، یک روز دیدم که نوه‌ام در حال بازی و گفت‌وگو با عروسک‌هایش بود، به خرس کوچولوش گفت: بی‌ادب، بی‌تربیت! شگفت‌زده شدم و از او پرسیدم: «چرا این حرف را به خرس می‌زنی؟» گفت: «برای اینکه دائم بلند می‌شود و نمی‌شیند.» پرسیدم: «چه کسی این حرف را گفته؟» گفت: «..جون!» یعنی مربی او. پرسیدم: «به چه کسی این حرف‌ها را زد؟» گفت: «شنیتیا.» کودک این عبارتهای ناروا را که از یکی از تربیت‌کننده‌هایش شنیده بود و حالا آن‌ها را به عروسک خودش نسبت می‌داد. اگر این گفته‌ها تکرار شوند، چه بسا چنین مواردی را به افراد خانواده و یا دوستانش نیز نسبت دهد.

معمولاً کودک از کسانی که بیشتر دوستشان دارد، قبولشان دارد و برایشان اهمیت قائل است، بیشتر الگوگیری و تقلید می‌کند؛ مثلاً از والدین و مربیان خود. زیرا آن‌ها را برتر و بالاتر از هر کسی می‌داند و به‌نظر او رفتارشان

درست‌ترین است. او که هنوز محکی برای صفات خوب و بد ندارد، با اطمینان خاطر به آن‌ها اقتدا می‌کند و رفتارشان را تقلید می‌کند. از این‌رو، رفتار والدین و مربیان، بسیار تأثیرگذار و تعیین‌کننده رفتار کودک است.

تأثیر رسانه‌ها و جامعه

فیلم‌هایی که کودک می‌بیند، فیلم‌های خشنی که در آن‌ها صحنه‌های زیادی از دشمنی، کینه‌توزی، کتک‌کاری، بدزبانی، آدم‌کشی و اذیت و آزار وجود دارد، به‌ویژه اگر شخصیت اصلی فیلم مجریان این خشونت‌ها باشد، بسیار تأثیرگذارند. کودکان از این فیلم‌ها تأثیر زیادی می‌پذیرند و از آن‌ها تقلید می‌کنند.

بازی‌های رایانه‌ای که جمع‌کثیری از کودکان از مصرف‌کنندگان آن‌ها هستند، چنانچه با رفتارهای خشن همراه باشند، به نوبه خود آسیب‌زا هستند.

اسباب‌بازی‌هایی که ابزار و آلت خشونت‌اند و کودک از آن‌ها برای کشتن و یا زخمی کردن همبازی‌هایش استفاده می‌کند، به هر حال برای کودک تمرین رفتارهای خشونت‌آمیز است.

کتاب داستانی را که برای کودکان می‌خوانیم، قصه‌هایی که برایشان می‌گوییم، رابطه‌ای که بین شخصیت‌ها برقرار می‌شود، گفت‌وگوهایی که بین آن‌ها رد و بدل می‌شود، چه رابطه آن‌ها براساس مهر و محبت و عطف و صلح و دوستی باشد چه اساس آن دشمنی و عداوت و قهر و غضب باشد، کودک وقتی گفت‌وگوهای آن‌ها را می‌شنود، به عبارات و جمله‌های آن‌ها فکر می‌کند، آن‌ها را در ذهنش مرور می‌کند، ارزش‌های مندرج در آن‌ها را می‌گیرد و جذب می‌کند.

او به آن دسته از گفت‌وگوها و روابطی که مربوط به شخصیت اصلی و قهرمان قصه است، بیشتر فکر می‌کند و سعی می‌کند رفتارشان همانند رفتار قهرمان داستانی که

شنیده است باشد. پیروزی او را خوشحال و شکستش او را ناراحت می‌کند. در سن پیش‌دبستان کودکان هنوز چندان تفاوت بین واقعیت و خیال را نمی‌دانند و در نتیجه از نظر آن‌ها این رفتارها واقعی‌اند.

ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها، استعارات و ورزش‌های خشونت‌آمیز از عوامل فرهنگی خشونت هستند. رسانه‌های همگانی نقش مهمی در بروز رفتارهای خشن در کودکان دارند. بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهند کودکانی که فیلم‌های خشن‌تری را تماشا می‌کنند، نسبت به دیگران خشونت بیشتری دارند. موارد بسیاری از جنایت‌های دیده شده در کودکان و نوجوانان بعد از تماشای فیلم‌های خشن به وقوع پیوسته است. وقتی کودک پرخاشگری را در فیلم‌های خشن می‌بیند، به چنین رفتاری صحنه می‌گذارد و به این باور می‌رسد که رفتار خشونت‌آمیز درست است.

در روابط فامیلی یا در همسایه‌ها، در کوچه و خیابان مثلاً وقتی راننده‌های دو خودرو که با هم تصادف کرده‌اند هر کدام در پی آن‌اند که دیگری را مقصر جلوه دهند، با یکدیگر به زد و خورد می‌پردازند و به هم فحش و ناسزا می‌گویند، در اینجا هم دستگاه فیلم‌برداری و ضبط دیده‌ها و شنیده‌ها کودک فعال است. این خصیصه‌ها و ویژگی‌های منفی را ثبت می‌کند و این ناهنجاری‌های رفتاری را یاد می‌گیرد. در محافل عمومی مانند اتوبوس و پارک شنیدن مکالمات حضوری افراد و مکالمات تلفنی آن‌ها هم در کودکان بی‌اثر نیست.

بررسی و نتیجه‌گیری

والدین، مربیان، فامیل، همسایه‌ها و دیگر افراد جامعه و رسانه‌ها می‌توانند عامل رفتارهای نامناسب در کودکان باشند. در خانواده‌ها و جوامعی که خصومت و دشمنی و درگیری بین اعضای آنان وجود دارد، کودکانی که دائم شاهد زدوخوردها،



درگیری‌ها، بی‌اعتنایی‌ها

و حق‌ناشناسی‌ها هستند، یعنی در محیط‌های دور از تفاهم و مسالمت زندگی می‌کنند، یاد می‌گیرند که خشم و کین خود را از طریق اعمال خشونت‌آمیز فرو نشانند.

معمولاً کودک همه آنچه را که در جامعه خود دیده، شنیده و حس و لمس کرده است، مانند نوار ویدیویی مشتمل بر صوت و تصویر در خود ذخیره می‌کند و در موقعیت‌های

مناسب در حین ارتباط با خانواده

و اطرافیان آن‌ها را پخش می‌کند. دیده می‌شود که کودکان وقتی زبان می‌گشایند،

حتی از عین جمله‌های پدر و مادر و مربیان و نیز از ژست‌ها، حرکات و رفتار غیر کلامی آن‌ها استفاده می‌کنند. کودک روش‌ها و ترندهایی را که والدین به اصطلاح برای شیره‌مالیدن به سر او از آن‌ها استفاده می‌کنند، در موقعیت مناسب تحویل خودشان می‌دهد. بعضی وقت‌ها، کودک این حرف‌ها و برخوردها و رفتارها را در مواجهه با عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌هایش به کار می‌برد.

به‌طور کلی، الگوگیری وسعت زیادی دارد. در هر سنی و هر جایی، از هر کس و چیزی صورت می‌گیرد. حتی از طبیعت هم می‌توان الگو گرفت. خورشیدی که بی‌هیچ چشم‌داشتی پرتو نور و گرمایش را بر زمین و ساکنان آن می‌افشاند، بارانی که بی‌منت زمین تشنه را سیراب و رودخانه و دریاها را پر از آب می‌کند، ماهی که هر شب نور و روشنایی خود را به ساکنان زمین ارزانی می‌دارد، درختی که میوه و سایه و برگ و گل خود را به رایگان به مردم می‌بخشد، آبی که در جویبارها و رودخانه‌ها جاری است و به‌طور ممتد بی‌هیچ برگشتی مسیر خود را می‌پیماید، به گذشته نگاه

نمی‌کند

با دقت و توجه

بیشتر به همه

این آیت‌های

خداوندی در

طبیعت، می‌توان

از هر کدام درس

سخاوت و گذشت و

مهرورزی بی‌قید و شرط را

آموخت.

مصادیقی که در این مقاله ذکر شد، ذیل نظریه الگوگیری است که برگرفته از نظریه یادگیری شناختی اجتماعی می‌باشد و واضع آن آلبرت بندورا است. طرفداران این نظریه یادگیری را برآیندی از عوامل محیطی و فرایندهای ذهنی می‌دانند و نگاهشان به انسان این است که او فعال و دارای نیروی خودرهبی است و بر این اساس، در سرنوشت خود مشارکت فعال دارد.

به زعم بندورا، در الگوگیری یا سرمشق‌گیری، یادگیری از طریق مشاهده رفتار یا مجموعه رفتارهایی از فرد الگوشونده صورت می‌گیرد. در سایه مشاهده همراه توجه و دقت، شخص

یا پدری که با شنیدن صدای اذان در اول وقت مشغول نماز خواندن می‌شود و نظر کودک پسندیده و با اهمیت جلوه می‌دهد و در سن تکلیف هم آن را به‌عنوان یک تکلیف اجباری از فرزندان نمی‌خواهد، باعث می‌شود که این عبادت خالصانه در رفتار کودک نهادینه شود

مادر

الگوگیرنده، رفتارها را براساس زمینه‌های ذهنی و تجارب خود تعبیر و تفسیر می‌کند. سپس آن‌ها در ذهنش به‌صورت تصویر ذهنی یا رمزهای زبانی ثبت و ضبط می‌شوند و پس از آن رفتار کسب شده تولید می‌گردد. اگرچه الگوگیری بدون تقویت هم صورت می‌گیرد، در مراحل بعدی چنانچه رفتارها با تقویت و تکرار همراه شوند نهادینه‌تر و پایدارترند. (بندورا به نقل از دکتر علی‌اکبر سیف)

در واقع، بسیاری از رفتارهای کودکان به‌دنبال مشاهده رفتار والدین، مربیان و دیگر اقشار جامعه شکل می‌گیرد و بروز می‌یابد. کودک ابتدا رفتار اطرافیان را مشاهده می‌کند و آن را به‌صورت تصویر و



اینکه
از کودک بخواهند خودش
را مخالف میل و نظر واقعی اش جلوه
دهد، مثلاً وقتی هدیه‌ای را دوست ندارد تظاهر
کند که آن را خیلی دوست دارد و مورد نیاز و
خواسته‌اش بوده است و با لبخندی رضایتش
را نیز اعلام کند، این کار نوعی یاد دادن
دروغ‌گویی است

در رفتارهای

عمل، با همان شیوه والدینشان، فرزندان خود را می‌پرورانند. در تعالیم دین مبین اسلام، توجه زیادی به یادگیری از راه الگوگیری شده و آن را روش مؤثری برای کسب فضایل اخلاقی دانسته‌اند. انسان از این طریق می‌تواند طرز رفتارهای صحیح را از افرادی که متخلق به آن‌ها هستند در زمان کم و با امکانات محدودی فرا گیرد. در قرآن کریم، پیامبر اسلام(ص) و حضرت ابراهیم(ع) به‌عنوان الگو و اسوه حسنه معرفی شده‌اند و به امت مسلمان توصیه شده است که این دو را مدل و سرمشق زندگی خود قرار دهند. پس بر ما واجب است که در هر نقشی که هستیم-والد یا مربی یا برنامهریز-نویسنده، فیلم‌ساز و... به‌گونه و روشی مناسب رفتارها را نشان دهیم. اصلاً همه ما که به نوعی عضو یک گروه اجتماعی هستیم، در خانواده، طایفه، عشیره، به‌طور کلی در جایگاه یک شهروند، در همه عرصه‌های زندگی، اعم از خانه، محل کار، اتوبوس، تاکسی در همه جا و نزد همه کس الگویی برای یکدیگریم و هر کدام مرئیان دیگری هستیم. باشد که هر کدام از ما بر رفتار خود نظارت و مدیریت داشته باشیم، در برابر هم‌معوان و هم‌وطنان و هم‌کیشان خود احساس مسئولیت کنیم،

رفتارهای درست را در نظر همدیگر بنمایانیم، به حقوق هم احترام بگذاریم، به حرف دل همدیگر خوب گوش کنیم، نسبت به هم همدلی و همدردی داشته باشیم و همین‌طور بر رفتارهای یکدیگر نظارتی دوستانه بی‌هیچ احساس برتری و حکمیت داشته باشیم. در این صورت می‌توان به این خوش‌بین بود که شهر، کشور و جامعه‌ای داریم که در آن همه دارای شخصیت‌های متعادل و پسندیده‌اند و در کنار هم در صلح و صفا زندگی را سپری می‌کنند. چنین مدینه‌پراز فضل و کمالی مملو از اخلاق و رفتار حسنه خواهد بود. دیگر چشم هیچ کودکی به اخلاق و رفتار نادرست نمی‌افتد و کودکان در همه نسل‌ها، الگوهای مناسب را مشاهده می‌کنند و سرلوحه و سرمشق زندگی خود قرار می‌دهند. شاید هدف از خلقت نیز چنین انسان‌هایی بوده است که خود را به مرز خلیفه بودن خدا برسانند.

منبع
 ۱. سیف، علی‌اکبر؛ روان‌شناسی
 پرورشی، انتشارات آگاه.

یا نمادهای زبانی به ذهن می‌سپارد و در موقع لزوم آن‌ها را ارائه می‌دهد. این الگوگیری بر اثر تکرار در نسل‌های متوالی، در قلب جامعه رسوخ می‌کند و جزئی از فرهنگ آن می‌شود.

این نوع روش یادگیری سهم مهمی در فرهنگ‌سازی دارد. بخش مهم رفتارهای مشترک در یک جامعه، فرهنگ، شهر، کشور، قوم، طایفه، خانواده از این طریق حاصل می‌شود.

بر این اساس، کودکانی که در یک خانواده، طایفه یا قوم متولد می‌شوند، علاوه بر اشتراکات وراثتی، به‌دلیل هم‌جواری و هم‌نشینی و تعامل با همسالان و بزرگسالان آن جامعه از اولین روزهای تولد خود رفتارهای مشابهی را به تکرار می‌بینند، در معرض آن‌ها قرار می‌گیرند، آن‌ها را حس و لمس می‌کنند، در ذهنشان ثبت می‌شود، در رفتارشان بروز و ظهور پیدا می‌کند، به تدریج به‌صورت عادت در میان آن‌ها درمی‌آید و در نتیجه، جزئی از شخصیت آن گروه اجتماعی می‌شود. از این‌روست که ویژگی‌های مشترکی در میان اعضای این گروه‌ها مشهود است. در بسیاری اوقات فرد رفتارهای ضبط‌شده را به‌طور ناخودآگاه از خود نشان می‌دهد.

در مواردی دیده می‌شود که فرزندان از روش تربیتی والدین خود راضی نیستند و مصمم‌اند که فرزندان خویش را به‌گونه بهتری تربیت کنند ولی



تربیت کودک با پاسداری از فطرت توحیدی

مریم بابایی

مری پیش دبستان منطقه ۵ تهران

و نیکو تربیت کرده و قرآن به او بیاموزد.» آموزش قرآن به معنای آموزش عقاید و پرورش نیکو به معنای ادب‌آموزی و ایجاد رفتار صحیح و سعادت‌بخش است. محیط خانواده اولین محیط اجتماعی است که فرزند تجربه می‌کند. او از اعضای خانواده به‌ویژه پدر و مادر بیشترین تأثیر را می‌پذیرد.

امیرالمؤمنین (ع) خطاب به فرزند خویش فرمودند: «پس به ادب آموختنت پرداختم پیش از آنکه دلت سخت شود.» در همین نامه فرمودند: «و چون به کار تو همچون پدری مهربان عنایت داشتیم و بر ادب آموختنت همت گماشتیم، چنان دیدم که این عنایت در هنگام جوانی‌ات به کار رود و در بهار زندگانی که نیتی پاک و نهادی نیالوده داری، و اینکه نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و آن را به تو تعلیم دهم، و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم.» در این بخش از نامه‌ی علی - علیه‌السلام - به فرزندشان، بر انتقال عقیده صحیح و ادب‌آموزی و نیز بر پاکی ضمیر انسان در دوره‌ی کودکی و جوانی تأکید شده

مسئول هستی. پس، بر این کار پاداش می‌گیری اگر درست عمل کنی، و کیفر می‌بینی اگر نادرست عمل نمایی. پس او را چنان تربیت کن که با اثری که بر او می‌گذاری در دنیایابی بیافرینی.»



در این سخن، امام سجاد (ع) تربیت نیکو و آموزش عقیده توحیدی و کمک برای ایجاد رفتار صحیح در فرزند را بیان کرده‌اند و سپس انجام این وظایف را موجب سعادت دنیا و آخرت والدین دانسته‌اند. امیرالمؤمنین (ع) در روایتی همین وظایف را ذکر فرموده‌اند: «حق فرزند بر پدر آن است که او را نام نیکو نهد

اهمیت و ضرورت تربیت فرزند در آموزه‌های اسلامی

تربیت فرزند به معنای فراهم آوردن مقدمات لازم برای به فعلیت رسیدن قوای او در راه تقرب به خداوند است. این عمل نیازمند آگاهی و تمرین عملی است. اگر پدر و مادر در انتقال عقاید صحیح و ایجاد رفتار درست در فرزند خود کوشا باشند، خیر او را فراهم کرده‌اند و خداوند بر آنان رحمت خواهد نمود. درباره‌ی عقیده صحیح و انتقال آن به فرزندان، تکلیف بزرگی بر عهده والدین گذشته شده است؛ زیرا تأثیر عقایدی که در خانواده رواج دارد و به فرزند القا می‌شود، انکارناپذیر است.

عمل تربیتی در خانواده به منزله پاسداری از فطرت توحیدی فرزند است. این پاسداری یک وظیفه بزرگ تربیتی و اخلاقی است که عمل به آن مهم‌ترین کارکرد خانواده را فعلیت می‌بخشد. امام سجاد (ع) در رساله حقوق فرمودند: «حق فرزند تو این است که بدانی او از توست و هرگونه که باشد چه نیک و چه بد، در دنیای گذرا به تو منسوب است و تو چون به او سرپرستی داری، در ادب نیکو و راهنمایی به‌سوی پروردگار و یاری او بر طاعت خداوند

است. (نامه ۳۱ نهج البلاغه)؛ یعنی همان دورانی که بیشترین تأثیر را از خانواده می‌پذیرد. انتقال عقیده حق و ایجاد رفتار سعادت‌آفرین، عنوان کلی وظایف تربیتی پدر و مادر است ولی تفصیل عقیده حق را باید در قرآن و سنت جست‌وجو کرد و رفتار صحیح را نیز از قرآن و سنت آموخت. پدر و مادر مسئول تحقق این امور در فرزند هستند. بنابراین، باید در جست‌وجوی بهترین روش برای تحقق آن‌ها باشند. مسئولیت آن‌ها تنها با گفتن و اطلاع رساندن خاتمه نمی‌یابد، بلکه باید روش‌های مناسب را بیابند. امام صادق(ع) از پیامبر اکرم(ص) روایت کرده‌اند: «خداوند کسی را که به نیکی فرزندش را یاری می‌دهد، بیامرزد. پرسیدند: چگونه به فرزند یاری رساند؟ فرمودند: آنچه در توان اوست پذیرا شود و از آنچه فوق توان اوست درگذرد و او را به نافرمانی نخواند و سرگشته و حیرانش نسازد.» (الکافی - جلد ۶: ۵). در این روایت، یک اصل مهم تربیتی بیان شده است: توانایی‌ها و استعداد‌های متربی باید در جریان تربیت مورد توجه باشد و والدین در مسیر تربیت فکری و عملی فرزند خود نباید از این اصل غفلت کنند. غفلت از این اصل، خیر فرزند را محقق نمی‌کند و او را به نافرمانی و سرگشتگی مبتلا می‌سازد.

در روایت یاد شده، اهمیت توجه به مراحل رشد ذکر شده است. از امام صادق(ع) نقل شده است: «فرزندت را بگذار تا هفت‌سالگی بازی کند (کلینی، جلد ۶: ۴۷) و هفت سال او را ادب بیاموز و در هفت سال سوم او را ملازم و همراه

خود بدار و مراقب او باش. گویی هفت سال نخست سال‌هایی هستند که کودک به‌طور غیرمستقیم و فقط از طریق مشاهده رفتار دیگران می‌آموزد. در هفت سال دوم به آموزش مستقیم می‌پردازد و هفت سال سوم سال‌های ورود به میدان عمل و محل مشورت است. از امام صادق(ع) روایت شده است: «فرزند پسر



هفت سال بازی می‌کند و هفت سال قرآن می‌آموزد و حلال و حرام را یاد می‌گیرد.» یکی از اهداف تعلیم و تربیت فرزند در خانه و مدرسه، آماده‌سازی او برای زندگی در اجتماع و تعقیب اهداف جامعه الهی است. به همین دلیل، برخی از آموزش‌ها برای او ضروری است و این آموزش‌ها را باید از خانه شروع کرد. نمونه مشهور و بارز این‌گونه آموزش‌ها در روایتی از امیرالمؤمنین، علی(ع)، آمده است:

«فرزندان خود را شنا و تیراندازی بیاموزید.» اگر بپذیریم که این دو ماده آموزشی بدین سبب است که فرزند را برای انجام وظایف اجتماعی آماده کند، طبعاً نمی‌توان در همین دو ماده آموزشی متوقف شد بلکه باید به تناسب زمان و نیازمندی‌های جامعه اسلامی، مواد آموزشی متنوع دیگری را نیز در نظر داشت.

در تربیت فرزند نیز همچون سایر قلمروهای زندگی، باید اصول ثابت را از امور متغیر جدا ساخت و به این حقیقت توجه کرد که برخی از آداب و ظواهر زندگی تغییر می‌کنند و روابط اخلاقی و نیازمندی‌های زندگی اجتماعی دگرگون می‌شوند. تربیت فرزند را باید با آگاهی از تفاوت‌های خود و فرزندان از حیث فضای فرهنگی و مناسبات اجتماعی صورت داد. باید فرزند را آماده ساخت تا اصول ثابت اخلاق را متناسب با ظرف زمانی و مکانی زندگی خود رعایت کند. این آمادگی او را برای مقابله با تلقینات مسموم توانا می‌سازد و امنیت اخلاقی او را در دوران جوانی و بعد از آن تضمین می‌کند. این توصیه منسوب به امیرالمؤمنین(ع) است: «فرزندان خود را به آدابی متناسب با روزگارشان پرورش دهید. فرزندان خود را به اخلاق خودتان تربیت نکنید؛ زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.»

در پایان، تأکید می‌کنیم که فرزند موهبتی است که به امانت در اختیار والدین قرار گرفته است. باید این موهبت را گرمی داشت و از اکرام و احترام او فروگذار نکرد؛ چرا که سلامت روح و تربیت اخلاقی او در سایه اکرام و احترامش موفق‌تر تحقق خواهد یافت.

کلیدواژه‌ها: سواد سنتی، سواد مدرن، سواد بصری

در طی قرن گذشته کارکرد نظام تعلیم و تربیت به سوادآموزی به تعبیر سنتی آن محدود بود؛ به این معنی که کودک به مراکز آموزشی می‌رفت تا خواندن، نوشتن و حساب کردن بیاموزد. مهارت‌هایی که جهت حضور مسئولانه در عرصه اجتماعی آن عصر حیاتی می‌نمود. البته در روزگار حاضر نیز این مهارت‌ها حائز اهمیت‌اند اما سوادآموزی این چینی در عصر ارتباطات به‌نظر فقط نامی از باسواد شدن را به همراه دارد و نه نشانی از آن را؛ چرا که تسلط فناوری موجبات فرو ریختن شالوده سنتی مفهوم سواد را در قلمرو زندگی اجتماعی فراهم نموده است. مک لوهان، صاحب‌نظر علوم ارتباطات، در کتاب خود با نام «درک رسانه: گسترش ابعاد وجودی انسان» برای نخستین‌بار به موضوع مزبور اشاره و تصریح می‌کند که در زمان تحقق دهکده جهانی، ساکنان آن فارغ از خواندن و نوشتن و حساب کردن لازم است به سوادهایی نوین دست یابند. بارون، مدیر بخش چندرسانه‌ای و عضو هیئت مدیره آموزشکده زبان انگلیسی مونترال، آگاهی از سوادهای نوین را جزء مؤلفه‌های باسوادی می‌داند و معتقد است که امروزه فرد باسواد باید توانایی رمزگشایی، درک، ارزیابی و کار با اشکال مختلف رسانه را داشته باشد و بتواند متن، صدا و تصویر را بیافریند یا نسبت به صورت‌بندی این عناصر آگاه باشد. رشد و گسترش فناوری‌های رقمی سبب برقراری نسبت‌هایی نوین بین انسان و عناصر و اجزای مختلف زندگی در دوران مدرن شده و آن را به یک بی‌سوادی نوین و نیازی همه‌گیر به آموختن و یادگیری سوادهای مدرن دچار کرده است. اهمیت روزافزون سوادهای مدرن تا بدان جا پیش رفته که یونسکو در اقدامات خود برای بسط سوادآموزی تنها به روش‌های سنتی سوادآموزی اکتفا نکرده و از ضرورت توجه به سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال، سواد رایانه‌ای، سواد اطلاعاتی و سواد آی‌سی‌تی سخن به میان آورده است. می‌توان ادعا کرد که امروزه کسی باسواد شمرده می‌شود که از نظر شناخت مهارت‌های ارتباطی و کاربرد رایانه و اینترنت توانمند باشد. البته باید تصریح نمود که باسواد شدن به مفهوم و باور سنتی آن نیز هیچ‌گاه برای جهانیان سهل و ممتنع نبود؛ کما اینکه در حال حاضر نیز در اقصی نقاط عالم مسئله‌ای مهم و بغرنج است. کسب سواد بصری نیز که به تعبیر راقم این سطور می‌تواند در زمره سوادهای مدرن دسته‌بندی شود، بی‌شبهت به کسب سواد سنتی نیست ولی طرح موضوع سواد بصری در ظاهر دچار تناقضی بنیادی است؛ زیرا اکثر افراد، به ویژه نوآموزان دوره پیش دبستانی، بینا، آگاه و کم‌وبیش برخوردار از توانایی خدادادی دیدن هستند. هر کودکی که نابینا نیست لزوماً می‌تواند ببیند و از این رو پرسشی هم‌زمان در ذهن مربی و والدین کلید می‌خورد: کودک به تحصیل چیزی که می‌بیند و بالطبع می‌داند، چه نیازی دارد؟ پاسخ درخور این است که سواد بصری از استلزامات زندگی کودک در قرن بیست‌ویکم و دانش و مهارتی بیش از توانایی دیدن و ساختن پیام به هر شیوه است.

سیدغلامرضا فلسفی

کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و

کارشناس دفتر تألیف

آموختن سواد بصری

لازمه زندگی کودک در دنیای تصویر

لازم است قبل از ورود به بحث، جهت تبیین اهمیت سواد بصری دیدگاه مک لوهان را درباره سه دوره زندگی اجتماعی به اختصار یادآوری کنیم:

الف. دوره اول زندگی اجتماعی دوره قبيله‌ای نام گرفت. ارتباط در این دوره به‌طور غالب شفاهی، رو در رو، چهره‌به‌چهره و بی‌واسطه و حس غالب در آن شنیداری بوده است.

ب. دوره دوم دوره قبيله‌زدایی است. ارتباط در این دوره اغلب کتبی بود و پیام‌ها به روش دیداری منتقل می‌شدند. حس غالب دیداری بود و ارتباطات مکتوب موجب جدایی انسان از محیط پیرامون و گروه اجتماعی خویش شد.

ج. دوره سوم پس از ۱۹۰۰ میلادی با عنوان قبيله‌ای شدن مجدد به واسطه ارتباطات الکترونیکی (رادیو و تلویزیون) اتفاق افتاد. در این دوره، ارتباطات شفاهی مجدداً اعتبار یافتند و حس غالب شنیداری شد. این امر رجعتی به نظام قبيله‌ای لیکن در سطحی جهانی است که به همین اعتبار آن را دهکده جهانی می‌خوانند.

با وجود این، به‌نظر می‌رسد که پس از رواج استفاده از رایانه‌ها و بعد تلفن همراه هوشمند، و با توجه به نفوذ شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان فوری، این معادله دوباره در حال بازگشت به سمت غلبه حس دیداری است، منتها نه در قالب ارتباطات مکتوب، بلکه به‌صورت ارتباطات دیجیتال تصویری. امروز دیگر حتی بسیاری از ارتباطات تلفنی هم به پیام‌های کوتاه متنی و مشاهده در صفحات موبایل مبدل شده‌اند. در زمانه ما، بسیاری از کودکان حتی در روستاها چشم به صفحه نروانی موبایل، تبلت یا رایانه دوخته‌اند و ارتباطات معنایی و حتی حسی خود را نیز در آن جست‌وجو می‌کنند. امروزه شکلک‌ها (اموجی‌ها و استیکرها) جای ابزار احساسات را که قبلاً تنها از طریق چهره یا تغییرات آوایی قابل تشخیص بودند، گرفته‌اند. به زودی ارتباط غالب، ارتباط تصویری می‌شود که مجموعه‌ای

دوره	ارتباطات غالب	رسانه مسلط	دوره زمانی
قبيله‌ای	شفاهی	گفتار	قبل از ۱۵۰۰ میلادی
قبيله‌زدایی (عصر گوتنبرگ)	کتبی	رسانه‌های چاپی	۱۵۰۰ تا ۱۹۰۰ میلادی
قبيله‌ای شدن مجدد (عصر مارکونی)	شفاهی	رادیو و تلویزیون	۱۹۰۰ میلادی به بعد

چرا تصاویر بهتر از الفاظ ارتباط برقرار می‌کنند؟

تصاویر نسبت به نوشته‌ها در زمان کوتاه‌تری پردازش می‌شوند.



افراد تصاویر را ۶۰/۱۰۰۰

مرتبه سریع‌تر از متن پردازش می‌کنند.



در فیس‌بوک تصاویر در مقایسه با متن‌ها و ویدئوها، بیشتر مورد پسند (Like) واقع می‌شود.



ما چیزهای جدید و مختلف را در صورتی که به‌صورت تصویری ارائه شوند، راحت‌تر به‌خاطر می‌آوریم.



۹۳ درصد

از ارتباطات غیر کلامی است.



۶۰ درصد

از مردم به‌صورت تصویری آموزش می‌بینند.

رشد مخابرات ناشرانی که از اینفوگرافیک استفاده می‌کنند، به‌طور میانگین



۱۳ درصد

بیشتر از سایر ناشران است.



پایگاه تصویری pinterest بیشتر از مجموع یوتیوب، گوگل، توئیتر و لینک‌دین ارجاع برای مقاصد تجاری داشته است.

از متن، گرافیک، عکس، نمادها، و تزیینات است. البته مکالمات ویدیویی را نیز می‌توان در این تعریف قرار داد. تمامی این‌ها اهمیت آموختن این سواد مدرن را توسط کودک نشان می‌دهد. آموختن سواد بصری مستلزم آن است که کودک ابتدا ماهیت وسایل بصری را بشناسد و سپس بر پایه این شناخت، پیام رسانه را به درستی درک کند. برای رسیدن به چنین هدفی، مربی پیش‌دستانی باید بداند که تنها نباید به توانایی بنیادی نوآموز و همچنین سلیقه شخصی و استعداد فطری او متکی بود. آگاهی طفل از یک پدیده بصری فقط از طریق دیدن حاصل نمی‌شود بلکه تمامی حواس وی در کسب این دریافت فعالانه شرکت می‌کنند. این دریافت آگاهانه، چیدمان پازلی پیام نیست بلکه تمامی واحدهای مرتبط را در قالب یک کل در برمی‌گیرد. کودک مانند سایر انسان‌ها این کلیت‌های بصری را از راه چشم‌ها و سایر حواس خود با سرعتی زیاد و البته با درصد تأثیر پذیری بالا دریافت می‌کند. سواد بصری می‌تواند سیستمی از پیام‌ها و تجارب بصری عام را در اختیار نوآموز قرار دهد تا بتواند در فهم آن‌ها در فضای گفتمانی عمومی اشتراک نظر پیدا کند. گذشته از این، آموزش سواد بصری به کودک نوید آن را می‌دهد که در طراز خروجی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، افرادی تربیت شوند که بتوانند پیام‌ها و پدیده‌های بصری در سطح عالی را رمزگشایی نمایند. شما هم احتمالاً با راقم این سطور هم‌رای هستید که زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط است. ارتباط بصری نیز سیستمی است که به موازات زبان گفتاری و به‌طور کلی، پیام رشد یافته است. درست است که نمی‌توان کورکورانه از شیوه‌های آموزش زبان گفتاری و نوشتاری برای آموزش سواد بصری الگو گرفت ولی می‌توان با مشاهده آن، نکاتی مفید را برای آموزش این سواد مدرن استخراج کرد. برای تحصیل سواد

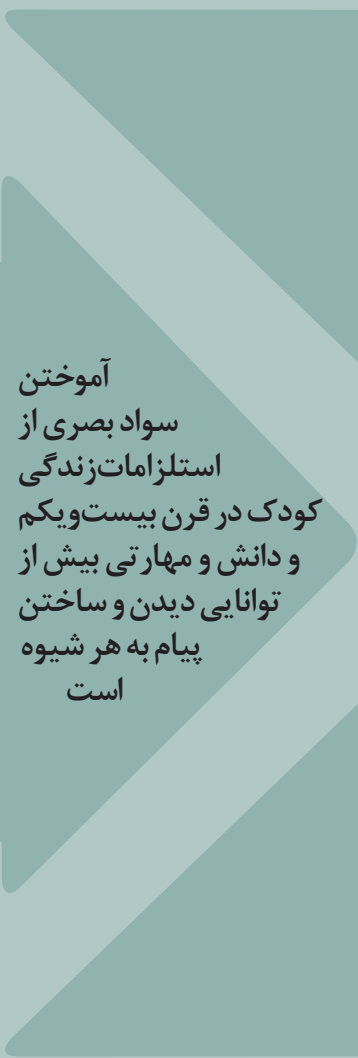
ارتباطات بصری چیست؟
ارتباطات بصری باعث می‌شود مخاطب و اطلاعات به صورتی متعلق شود. کودکان آن‌ها را می‌بینند و با آموختن آن‌ها می‌توانند به درستی درک کنند.

چقدر موثر است؟
هر تصویر بر آن‌ها اثر دارد.

آگاهی بصری در کودکان:
کودکان در سن ۳ تا ۴ سالگی می‌توانند به درستی درک کنند که یک تصویر یک شیء را نشان می‌دهد. این آگاهی در سن ۵ تا ۶ سالگی به درستی درک می‌شود.

آمار آن چه زمانی بود؟
۱۰٪ آگاهی بصری در سن ۳ سالگی
۲۰٪ آگاهی بصری در سن ۴ سالگی
۸۰٪ آگاهی بصری در سن ۵ سالگی

توسعه سبک دیداری
مفهوم نگاشت
نمادنگاری
الفبا
کتابی
فونت
خطاطی



آموختن سواد بصری از استلزامات زندگی کودک در قرن بیست و یکم و دانش و مهارت‌های بیشتر از توانایی دیدن و ساختن پیام به هر شیوه است

بصری، ابتدا باید ارکان مختلف آن را به کودک شناساند و او را با عناصر اولیه بصری و ساخت و قواعد حاکم بر آن‌ها و سازوکارهای حسی، تکنیک‌ها، سبک‌ها، سیستم‌های ارتباط بصری آشنا نمود تا به هنگام استفاده با تسلط کامل عمل کند. همان‌طور که کودک در دوره ابتدایی موفق می‌شود زبان و مهارت‌های خواندن و نوشتن را به درستی درک و با چیرگی از آن‌ها استفاده کند، دستیابی به سواد بصری نیز در دوره پیش‌دبستانی مستلزم فهم برخی نکات بنیادین است. معلم کلاس اول برای آموزش خواندن و نوشتن از پایه شروع می‌کند؛ یعنی الفبا را به دانش آموز می‌آموزاند و مربی پیش‌دبستانی نیز برای آموزش سواد بصری به نوآموز، از ساده‌ترین اجزای تصویر - یعنی عناصر اولیه بصری اعم از نقطه، خط، شکل، جهت، رنگ‌مایه، رنگ، بافت، مقیاس، بعد سوم، و حرکت - آغاز می‌کند تا کیفیت، خصوصیت و قدرت بیان‌کنندگی آن‌ها توسط کودک درک شود. به این ترتیب، فرایند یاددهی یادگیری مزبور نه تنها نمی‌تواند سریع‌تر از یادگیری الفبا مستقر شود بلکه از آنجا که پیام بصری از حیث تداعی معانی و تعریف بسیار گسترده‌تر از پیام کلامی است، ممکن است یادگیری مقدمات آن بیش از یادگیری الفبا به درازا بکشد. بر اثر آموزش مقدماتی، نوآموز باید آشنایی بسیار نزدیک و فهمی عمیق نسبت به عناصر اولیه بصری کسب کند. به عبارت دیگر، قدرت تشخیص و مهارت استفاده از عناصر بصری در ذهن او باید به مراتب فراتر از دانش ارتقا یابد و علاوه بر بخش آگاه ذهنش، در ناخودآگاه ذهن او نیز ریشه بدواند تا هنگام مشاهده عکس و فیلم خودبه‌خود و به طرفه‌العینی در ذهن متبادر شود. این آموخته‌ها باید همیشه در ذهن کودک حاضر و بارز باشند تا به هنگام مواجهه با پیام مرتبط از آن‌ها یاری گیرد. پس از دوره طولانی آشنایی با عناصر بصری، نتیجه

کار در نظرگاه کودک همان قدر تغییر به وجود می‌آورد که پس از آموختن حروف الفبا در کلاس اول ابتدایی، با این تفاوت که نوآموز نمی‌تواند آموخته‌های ناشی از سواد بصری را همچون حضور دانش‌آموز اول ابتدایی در جشن الفبا با صدایی رسا قرائت و به خطی خوش کتابت کند. آموزش سواد بصری به نوآموز به هیچ وجه سهل نیست و نباید به آن رویکردی سهل‌انگارانه داشت. ممارست مربی و نوآموز در فرایند یاددهی - یادگیری این دانش اگر بیش از آموزش حروف الفبا در دوره ابتدایی نباشد، کم از آن ندارد. اگر مربی به ارزش و غنای سواد بصری به درستی پی ببرد، از تعب در آموزش به مخاطب شکوه نمی‌کند. هرچند کاسبان کتاب‌های به اصطلاح کمک‌آموزشی در این خصوص نیز مکتوباتی خوش‌آب‌ورنگ را راهی بازار مکاره نشر کرده‌اند، لیکن نسخه‌های این حکیمان جعلی نه تنها شفاف‌بخش نیست بلکه مانع بروز و ظهور توانایی‌های همه‌جانبه کودک در عرصه سواد بصری می‌شود. مربی پیش‌دبستانی می‌داند که مخاطبش کاربر - شهروندی است با ژن دیجیتالی و ساکن دهکده جهانی که بیش از او ویژگی می‌کند و سریع‌تر از والدین خود موشواره را به حرکت درمی‌آورد. این کودک بزرگ‌سال در بازار پیام‌های رسانه‌ای فزون‌تر از دیگر نسل‌ها توسط تصاویر رسانه‌های مختلف، از آگهی‌های بازرگانی و کارتون گرفته تا تابلوهای تبلیغاتی، بمباران می‌شود و جالب توجه اینکه از هر کدام از این تصاویر دریافت خاص خود را دارد و به‌طور ذاتی متفاوت با دیگران تفاسیر، احساسات، و ایده‌های گوناگون خود را در مورد پیام‌های رسانه‌ای مورد استفاده در کلاس مطرح می‌کند. در این میان، مربی می‌تواند در نقش راهنمای عمل و در چارچوب مدل «چه» و «چرا» گفت‌وگوی خود را جهت ایجاد بستر مناسب برای آموزش سواد بصری به مخاطبانش سامان بخشد:

- فاطمه‌السادات، از این تصویر چه می‌فهمی؟
- صدف، از این تصویر چه متوجه می‌شوی؟
- بچه‌ها چرا آنچه صدف از این تصویر فهمید با آنچه که فاطمه‌السادات فهمید متفاوت است؟ کدام‌یک درست جواب دادند؟
مربیان می‌دانند که «هر دو جواب درست است» و هیچ تفسیری واحد از یک پیام رسانه‌ای تصویری وجود ندارد؛ چرا که فیلم، عکس و دیگر تصاویر، نمایش تصور انسان از واقعیات، خیالات یا مفاهیم است که وقتی در معرض دید دیگران قرار گرفت تصویری مشابه و یا متفاوت برای آن‌ها ایجاد می‌کند، لیکن با در نظر گرفتن اشتراک نظر جمعی و عمومی، مربی در چارچوب به‌کارگیری حواس، تخیل، و ایجاد فرصت‌های کاوشگرانه ضمن بسترسازی جهت رشد تفکر واگرا در نوآموزان به ایجاد فضای گفت‌وگویی در کلاس حول این نظرگاه‌ها اهتمام می‌ورزد. البته برخی از اجزای اساسی سواد بصری وجود دارند که مربی می‌تواند با در پیش گرفتن شیوه‌هایی به تقویت آن‌ها در کلاس مبادرت ورزد که عبارت‌اند از:
- مشاهده دقیق جزئیات،
- فهم زمینه،
- عادت استنتاج از اطلاعات محدود.
برای تقویت اجزای یادشده، طی طریق زیر پیشنهاد می‌شود:
۱. شروع با یک تجربه: مربی ابتدا تصاویری از یک کتاب یا رسانه دیگر انتخاب می‌کند و پس از متمرکز نمودن بحث درباره موضوع برای هر تصویر از نوآموزان می‌پرسد:
۱/۱. از دیدن این تصویر چه احساسی دارید؟
۱/۲. در این تصویر چه اتفاقی افتاده است؟
۱/۳. چه کسی این تصویر را خلق کرده است؟
۱/۴. چگونه این تصویر توسط خالق



ممارست و تشریک مساعی
نوآموز و مربی پیش دبستانی
در فرایند یاددهی - یادگیری
سواد بصری، اگر بیش از
آموزش حروف الفبا در دوره
ابتدایی نباشد کم از آن ندارد

- عدم تحول شخصیت‌ها

افسرده، پرخاشگر و سردنشان داده شدن کاراکترهای عاقل ولی شاد و سرحال، و با رنگ‌های گرم نمایش داده شدن بی‌فکرها (مانند پاتریک).

در این مرحله، مربی در یک ارتباط درون‌فردی به دنبال پاسخگویی به پرسش‌هایی است که بر مقایسه تفاسیر نوآموزان از تصویر تمرکز دارد، مانند اینکه چه نکات قابل توجهی درباره بازخوردهای کلامی و غیرکلامی کودکان پس از مشاهده فیلم وجود دارد؟ چگونه اطفال از تجربه زندگی و تجربه تعامل با رسانه برای ساخت تفاسیر بهره می‌گیرند؟ بازخوردهای من مربی ممکن است چه تأثیری بر کیفیت تفسیر کودکان داشته باشد؟ چگونه می‌توان از سواد بصری برای تقویت ارتباط کلامی و غیرکلامی نوآموزان بهره‌مند شد؟

۴. فعالیت، ایجاد و اقدام: مربی از کودکان می‌خواهد تفسیر خود را از تصویر رسانه در قالب یک یا چند فعالیت از جمله نقاشی، کار دستی، بازی و نمایش در کلاس در معرض دید قرار دهند. سپس، به همراه دیگر نوآموزان به بحث در مورد نمونه‌ها و انتخاب بهترین‌ها می‌پردازد. او واقف است که در تمامی این مراحل نباید از بیان جملات هدایت‌کننده و الهام‌بخش درباره نحوه تفسیر کردن تصویر به نوآموزان غافل شود.

منابع

۱. داندیس، دونیس ا. (۱۳۹۲) مبادی سواد بصری. تهران: انتشارات سروش، چاپ سی و پنجم.
۲. فلسفی، سیدغلامرضا. (۱۳۹۴) «پدر، مادر، رسانه، ما متهمیم». فصلنامه رشد پیش‌دبستانی. دوره ششم، شماره ۴: ۲۹-۲۸.
۳. محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۸۴) ایران در چهار کپکشان ارتباطی. دوره سه‌جلدی. تهران: انتشارات سروش.
4. <http://falsafi91.blogfa.com/post/204>
5. <http://infocom.blogsky.com/1394/05/05/post-51>
6. <http://lahig.ir/fa/pages/?cid=7495>
7. <http://powerfulvoicesforkids.com/ideas/interpreting-creating-photos>
8. <http://pr.r.ir/page/5187>

آن ساخته شده است؟

۱/۵. آیا این تصویر شما را سرگرم می‌کند؟
۱/۶. آیا این تصویر شما را برای انجام دادن کاری متقاعد می‌کند؟
۱/۷. آیا این تصویر درباره موضوعی به شما اطلاع‌رسانی می‌کند؟

۲. کاوش نمونه: فیلمی کوتاه در کلاس به نمایش درمی‌آید و مربی به نوآموزان کمک می‌کند تا ضمن تجزیه و تحلیل تصویر، آن را کاوشگرانه مورد مذاقه قرار دهند. آنچه در این بخش حائز اهمیت است، ایجاد زمینه جهت شناخت نشانه‌های تصویری توسط طفل است. طی فرایند تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، مربی تلاش می‌کند بدون ارائه قرائت خود از تصویر، هدایت‌گرایانه توجه کودک را به نشانه‌هایی که نشان‌دهنده موضوعاتی چون قدرت، خشونت، تبلیغات و کلیشه‌های جنسیتی هستند، جلب کند. مربی می‌تواند این فعالیت را مبتنی بر عکس و تجزیه و تحلیل آن نیز انجام داده برخی از لحظات ساعت کتاب‌خوانی را به بحث در مورد تصاویر کتاب در قالب تصویرخوانی اختصاص دهد.

۳. مقایسه: پس از طی مراحل قبلی، مربی توسعه تفسیر کودکان از پیام تصویری رسانه را ملاحظه می‌کند و اینجاست که می‌تواند در مقام ارائه نظر خود درباره این تفاسیر برآید. در این مرحله، مربی به نحوی فضای گفتمانی کلاس را طراحی و هدایت می‌کند که نوآموزان در بیان قرائت خاص خود احساس راحتی و امنیت نمایند. بنابراین، مربی به لحاظ ذهنی خود را برای شنیدن تفاسیر غیرمنتظره و حتی ناراحت‌کننده نیز آماده می‌کند. برای مثال، پس از شنیدن تفسیر کودکان درباره کارتون پرمخاطب «باب اسفنجی» برای آگاه‌سازی آن‌ها می‌تواند به مواردی از این قبیل اشاره نماید:

- تعمد در نشان دادن فرایند کثیف‌کاری
- تبلیغ زندگی در تنهایی و دوری از خانواده



امکان با

ابزاری مخلوط کنید. سپس آب آن‌ها را بگیرید تا کاملاً فشرده شوند. در نهایت، آن‌ها را با میزان لازم چسب چوب مخلوط کنید. برای رنگ‌آمیزی خمیر می‌توانید از گواش استفاده کنید. خمیر را در یخچال نگهداری کنید.

۵ خمیر آرد گندم

این خمیر نیز برای سنین پیش‌دبستان بسیار مناسب و بهداشتی است. **طرز تهیه خمیر:** آب، آرد گندم و کمی نمک را با هم مخلوط می‌کنیم. برای ترک نخوردن آن کمی روغن اضافه می‌کنیم. خمیر را با گواش رنگ می‌کنیم و در یخچال نگهداری می‌نماییم. آنگاه کاغذها را با دست ببرید. از قیچی استفاده نکنید؛ زیرا لبه‌های آن‌ها روی هم نمی‌خوابند و برآمدگی به وجود می‌آید. حال با چسب چوب رقیق شده با آب، آن‌ها را دور تا دور کره بچسبانید. پس از خشک شدن به راحتی می‌توانید آن‌ها را رنگ بزنید. حجم ساخته شده بسیار سبک است.

۵ حجم‌سازی با گل رس

اولین نکته در استفاده از گل برای کودکان بهداشتی بودن آن است. برای کودکان حتماً از گل‌های بسته‌بندی که از سلامت آن‌ها اطمینان دارید، استفاده کنید. همچنین، در هنگام استفاده از گل، پوشیدن روپوش و پوشاندن میز فراموش نشود. رعایت این موارد در حکم آموزش بهداشت و نظم به کودکان است. علاوه بر ساخت‌های معمول، کودکان می‌توانند با لوله‌های گلی نیز حجم‌هایی بسازند. از آن‌ها بخواهید کره‌ای گلی را با کف دست به صورت لوله‌ای دراز درآورند.

۵ حجم‌سازی با خمیر کاغذ

ایمن‌ترین و مناسب‌ترین ماده برای حجم‌سازی در پیش‌دبستان خمیر کاغذ است. کاغذ از جمله وسایل بسیار پرکاربرد و در دسترس است. البته نکته بسیار مهم در این قسمت استفاده از کاغذهای باطله و دورریز می‌باشد. حتی می‌توان در قالب تدریس تلفیقی به کودکان آموخت که خرده کاغذهایشان یا نقاشی‌هایی را که دوست ندارند، نگه دارند و با آن‌ها خمیر کاغذ درست کنند. طرز تهیه خمیر کاغذ: کاغذها را خرد کنید و در آب ولرم بخیسانید. کاغذها را ورز بدهید در صورت

اهداف حجم‌سازی

ایجاد و افزایش دید سه‌بعدی و بصری کودک، ایجاد ذهنیت هندسه فضایی، بالا بردن توانایی دست‌ها، ایجاد ابعاد به وسیله خود کودکان، تربیت نگاه حجم بین. ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین انواع حجم‌سازی مورد استفاده در پیش‌دبستان شامل موارد زیر است:



خمیر، ماده اولیه در حجم‌سازی

راحله ملک‌ان

کارشناس ارشد آموزش پیش‌دبستان

حال با پیچیدن لوله‌ها بر روی هم از آن‌ها دیوارهٔ ظروف را بسازند و کف آن‌ها را نیز به صورت مجزا درست کنند و بچسبانند. در انتها می‌توانند دست خود را خیس کنند و بست‌ها را محو نمایند.

ع حجم‌سازی با اسفنج نرم

کودکان می‌توانند یک قطعه اسفنج را با قیچی فرم بدهند و بعد آن را با گواش رنگ‌آمیزی کنند.

ع حجم‌سازی با سبزیجات

یکی از روش‌های تشویق کودکان به خوردن سبزیجات، حجم‌سازی با سبزیجات است.

از کودکان بخواهید دست‌های خود را بشویند. سبزیجاتی را که از قبل شسته‌اید و در قطعاتی با اندازه و شکل‌های مختلف بریده‌اید، با تعدادی دندان در اختیار آن‌ها قرار دهید. پس از آنکه اشکال مورد علاقه‌شان را ساختند، آن‌ها را تشویق کنید که سبزیجات را میل کنند.

ع حجم‌سازی با وسایل دم‌دستی (باز یافتی‌ها)

در سال‌های اخیر این نوع حجم‌سازی در سراسر دنیا مورد توجه قرار گرفته است؛ به‌صورتی که برخی بزرگسالان آن را به‌طور حرفه‌ای اجرا می‌کنند. ابزار دورریز را در جعبه‌ای در کنار کلاس نگاه‌دارید. اگر تا به حال خود به‌عنوان مربی این کار را انجام نداده‌اید نگران نباشید؛ زیرا کودکان چیزهایی می‌سازند که هیچ‌گاه به ذهن شما خطور نمی‌کند. اگر کاردستی‌هایی برای آموزش در ذهن دارید، در کنار آن‌ها فرصت ساخت آزاد را به کودکان نیز بدهید تا هدف اصلی این حجم‌سازی را - که

گسترش خلاقیت است - محدود نکرده باشید.

چند نمونه

- حجم‌سازی با مشمع:

یکی از دم‌دستی‌ترین ابزار برای حجم‌سازی مشمع است. مشمع را می‌توانید با گره زدن و یا نخ‌پیچی به هر صورتی که بخواهید، درآورید.

اگر خواستید کمی پیچیده‌تر کار کنید، می‌توانید مشمع‌ها را به شکل مورد نظر (مثلاً کره‌ای گرد برای سر و تنهٔ یک جوجه) درآورید و دور آن نخ‌پیچید تا باز نشود پس از خشک شدن، آن‌ها را به هم بچسبانید و با گواش رنگ‌آمیزی کنید.

- حجم‌سازی با نی:

یکی از هیجان‌انگیزترین و خلاقانه‌ترین ساخت‌ها حجم‌سازی به‌وسیلهٔ نی

است.

استفاده از

نی‌هایی که بست

تاشو دارند، قابلیت‌های

بسیاری برای ساخت، به ما و

کودکان می‌دهد. برای قسمت‌هایی

هم می‌توانید از قیچی استفاده کنید.

با انواع بطری‌ها و اجسام پلاستیکی،

جعبه‌های مقوایی و کاغذهای باطله،

انواع درها و لوله‌های باز یافتی و... می‌توانید

حجم‌سازی کنید؛ کافی است کمی بیشتر به

اطرافتان توجه داشته باشید. امتحان کنید!

نکتهٔ مهم: برای حجم‌سازی کودکان

خردسال، از اسفنج سفت و یونولیت (به دلیل

حساسیت‌زایی) به هیچ‌وجه

استفاده نکنید.



فعالیت‌های خلاق مربیان پیش دبستانی استان فارس در جشنواره تجربه پویا

اشاره

با توجه به اهمیت دوره پیش دبستانی و فعالیت‌های خلاق مربیان این دوره برای آماده ساختن کودکان جهت ورود به دبستان، معاونت آموزش ابتدایی اداره کل استان فارس طرحی با عنوان «تجربه پویا» برای این مربیان اجرا کرد. حدود ۱۱۸ نفر با ارائه تجارب خود به صورت مصور و تنظیم آن‌ها در لوح فشرده (CD) در این طرح شرکت نمودند. پس از بررسی، تجارب برتر ارائه شده (حدود ۲۰ طرح) انتخاب و با نام مربی برای استفاده سایر مربیان به مراکز پیش دبستانی ارسال خواهد شد. این مجموعه در حال حاضر در دست اقدام است.

مقدمه

آموزش در دوره پیش دبستانی امری ضروری است و تأثیر بسزایی در فرایند آموزش در دوره دبستان دارد. مهم‌ترین دستاورد این دوره، آماده کردن کودکان برای ورود به دوره دبستان و شروع خواندن و نوشتن است. اگر این آموزش به صورت هدفمند، علمی و سازمان یافته صورت گیرد، به طور قطع موجب پیشرفت و رشد کودک و تکامل هر چه بیشتر او خواهد شد؛ به طوری که نتایج مطلوب آن را می‌توان به خوبی در آینده کودک مشاهده کرد. آموزش‌ها و فعالیت‌هایی هستند که شاید میان برخی از آن‌ها و مداد و نوشتن هیچ‌گونه پیوندی نباشد ولی مهارت‌های دستی را تقویت می‌کنند و بین چشم و دست هماهنگی لازم را به وجود می‌آورند. این تمرین‌ها می‌توانند نقطه آغاز موفقیت‌های بعدی کودکان باشند. در کودکان پیش دبستانی ماهیچه‌های بزرگ بدن از ماهیچه‌های کوچک و انگشتان دست آن‌ها رشد یافته‌ترند.

از این رو، نباید آن‌ها را به کارهای ظریف و دقیقی مثل نوشتن وادار کرد؛ چرا که عمل

نوشتن کار پیچیده‌ای است.

اگر می‌خواهیم کودکان در رونویسی و نوشتن مشق در دوره ابتدایی موفق باشند، باید آن‌ها را آماده کنیم. مربیان محترم می‌بایست از آموزش مستقیم نوشتن - که در تعارض جدی با اهداف این دوره است - خودداری کنند. آن‌ها صرفاً باید به دنبال تقویت ماهیچه‌های ظریف، حافظه دیداری و شنیداری کودکان باشند و از طریق مهارت‌های دست‌ورزی، این کودکان را برای ورود به دوره دبستان آماده کنند. مهارت‌های زبانی براساس چهار رکن اساسی گوش سپردن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن توسعه و ارتقا می‌یابد. در این میان، نوشتن که چهارمین رکن زبان‌آموزی محسوب می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مهارت فرایندی کاملاً پیچیده دارد و در میان مهارت‌های زبانی، سخت‌ترین مهارت به حساب می‌آید؛ زیرا هنگام نوشتن، چشم، دست و ذهن باید کاملاً هماهنگ عمل کنند. به این معنا که رمزهای صوتی به رمزهای دیداری - یعنی خط - تبدیل شوند و از سوی دیگر، بین چشم، دست و حرکت ماهیچه‌های ریز نیز هماهنگی لازم ایجاد شود.

کلیدواژه‌ها: مربیان پیش دبستانی، استان فارس، فعالیت خلاق مربیان





نوشتن به مقدماتی نیاز دارد که در زیر به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم

۱. پرورش عضلات بزرگ و کوچک
۲. هماهنگی چشم و دست
۳. تشخیص تفاوت‌ها و شباهت‌ها
۴. مهارت قلم در دست گرفتن
۵. توانایی حرکت دادن مداد
۶. شناخت جهت‌ها
۷. تقلید حرکت قلم بر اساس جهت

معین

۸. آشنایی با نقطه، خطوط راست، عمود، مورب و...

لذا باید مهارت لازم کسب شود و آنگاه آموزش مستقیم خط‌نگاری آغاز گردد. بهترین زمان برای یادگیری مهارت نوشتن، دوره پیش‌دستانی است آموزش این نوع مهارت اهمیت ویژه‌ای دارد و نقش مؤثر آن در آینده کودک و فرایند رشد وی انکارناپذیر است. پیش از آنکه کودک مداد در دست بگیرد و با آن بنویسد، باید تمرین‌های زیادی برای چگونگی به دست گرفتن مداد و هماهنگی چشم راست انجام دهد. پس، آمادگی بدنی و هماهنگی شرط اساسی برای شروع نوشتن است.

این جشنواره فرصتی را برای مربیان عزیز فراهم نمود تا ضمن بهره‌گیری از تجربه‌های سایر همکاران زمینه رشد و ارتقاء هر چه بیشتر نوآموزان و دستیابی آن‌ها به اهداف متعالی تعلیم و تربیت را فراهم آورند.

اهداف طرح

۱. توجه خاص به مهارت دست‌ورزی به‌عنوان یک سبک یادگیری
۲. بالا بردن قدرت یادگیری و درک بهتر مفاهیم در نوآموزان
۳. ایجاد تحرک و پویایی در مربیان پیش‌دستانی
۴. ایجاد امکان تبادل تجربه میان مربیان فعال و خلاق
۵. دستیابی کودکان به کسب تجربه در زمینه دست‌ورزی و کسب مهارت‌های لازم.

چند نکته مهم درباره مراحل اجرای طرح

مربیان محترم فعالیت‌های خود در کلاس را به منظور تقویت مهارت‌های دست‌ورزی با توجه به اهداف جشنواره در چارچوب زیر ارائه کردند:

الف: نام فعالیت

ب: نوع فعالیت (قصه، شعر، بازی و...)

ج: شرح فعالیت به صورت مختصر د: مستندات.

طرح می‌بایست حداقل در ۱۰ و حداکثر در ۲۰ برگه A۴ تدوین می‌گردید.

چند نمونه از طرح‌های منتخب و تجربه‌های ارزنده مربیان محترم

۱. نوع فعالیت: کاردستی

نام فعالیت: کاغذهای رنگی

شرح فعالیت: مقداری کاغذ باطله در اختیار کودکان می‌گذاریم و از آن‌ها می‌خواهیم که بدون استفاده از قیچی با دست کاغذهای باطله را تکه تکه و سپس هر تکه را با سر انگشتان خود مچاله کنند. این فعالیت می‌تواند سر انگشتان را به خوبی تقویت کند. با چسباندن تکه‌های مچاله شده به یکدیگر بر روی طرح ساده‌ای مانند ماهی و زنبور می‌توان به فعالیت معنای قوی‌تری بخشید.

بعد از انجام مرحله اول، می‌توانیم فعالیت دیگری به کودکان بدهیم. مقداری کاغذ رنگی باطله به آن‌ها بدهیم و بگوییم که کاغذها را خرد کنند. بعد همه کاغذهای خرد شده را در ظرفی بریزند، کمی آب به آن اضافه کنند و مخلوط حاصل را با دست‌ورز دهند. این فعالیت به تقویت سر انگشتان، مچ و کف دست کمک می‌کند. نتیجه آن هم مقداری خمیر کاغذ است که با اضافه کردن چسب چوب می‌توانند با آن توپ یا هر شکل دیگری درست

کنند. بعد از خشک شدن هم می‌توانند با سمباده نرم ناصافی‌های آن شکل را بگیرند. سمباده زدن هم به تقویت عضلات انگشت کمک زیادی می‌کند. خمیر و سفال نیز از ابزارهای سفتی هستند که برای این مرحله مفیدند.

۲. نوع فعالیت: بازی

نام فعالیت: کی زودتر در را باز می‌کند؟

شرح فعالیت: این بازی (فعالیت) را اولیا می‌توانند در منزل و برای همکاری با مربی جهت تقویت مچ و عضلات انگشتان دست دانش‌آموزان انجام دهند. دسته کلیدی در اختیار کودک قرار می‌دهیم. بعد از گفتن اینکه کدام کلید مربوط به کدام قفل است، از او می‌خواهیم در را برای دیگران باز کند. این فعالیت بسیار ساده ضمن تقویت مچ دست و عضلات انگشتان دست نوآموزان، می‌تواند حس اعتماد به نفس آن‌ها را نیز تقویت کند.

۳. نوع فعالیت: بازی

نام فعالیت: بازی با برنج

شرح فعالیت: برای اجرای این بازی، سطلی تهیه می‌کنیم و به مقدار لازم برنج در آن می‌ریزیم؛ تا حدی که هنگام چنگ زدن از سطل بیرون نریزد. از

نوآموز می‌خواهیم که در سطل برنج‌ها را چنگ بزند. این کار به تقویت ماهیچه انگشتان دست و مچ او کمک می‌کند.

۴. نوع فعالیت: بازی

نام فعالیت: بازی با سیب زمینی و

هویج پخته

شرح فعالیت: چند سیب‌زمینی و هویج پخته در اختیار کودکان می‌گذاریم. از آن‌ها می‌خواهیم سیب‌زمینی‌ها را پوست بکنند و بعد سیب‌زمینی‌ها و هویج‌ها را با دست له کنند. این کار به تقویت ماهیچه‌های انگشتان دست کمک زیادی می‌کند. می‌توانیم از رنگ‌های خوراکی نیز برای رنگی کردن سیب‌زمینی‌ها استفاده کنیم و به خمیری که بچه‌ها درست می‌کنند، جلوه‌ای خاص بدهیم.

۵. نوع فعالیت: بازی

نام فعالیت: بند کردن مهره تسبیح

شرح فعالیت: در این فعالیت، مهره‌های تسبیح را در اختیار نوآموزان می‌گذاریم و از آن‌ها می‌خواهیم مهره‌ها را به بند بکشند. در مراحل بعد، مهره‌های کوچک‌تری به آن‌ها می‌دهیم تا بیشتر تلاش کنند و به همین ترتیب، دوباره مهره‌ها را کوچک‌تر می‌کنیم. این فعالیت لرزش خفیف دست نوآموز را اصلاح و رفع می‌کند و باعث کنترل عضلات دست و تقویت ماهیچه‌های انگشتان می‌شود.

۶. نوع فعالیت: بازی

نام فعالیت: پیچیدن نخ دور قرقره

شرح فعالیت: یک قرقره نخ خالی و یک قرقره پر در اختیار نوآموز قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم که نخ قرقره پر را دور قرقره خالی پیچد. هم‌زمان با شروع فعالیت، مربی و سایر بچه‌ها با شمارش اعداد از یک تا ده باعث ایجاد هیجان بیشتر می‌شوند. این فعالیت ضمن ایجاد شور و نشاط در نوآموز، باعث تقویت ماهیچه‌های دست، افزایش سرعت عمل و هماهنگی بین چشم و دست او می‌شود.

۷. نوع فعالیت: بازی

نام فعالیت: بازی با میوه‌ها

شرح فعالیت: در ابتدا یک عدد پرتقال یا سیب به نوآموز می‌دهیم و از او می‌خواهیم که میوه را در دست راست خود بگیرد. سپس آن را با دست راست تا ارتفاع کمی به سمت بالا پرتاب کند و با همان دست میوه را بگیرد. در مرحله بعد نوآموز باید بتواند میوه‌ای را که با دست راست به بالا پرتاب کرده است، با دست چپ دریافت کند. مراحل بالا را با دست چپ نیز برای نوآموزان تکرار می‌کنیم. حال با اضافه کردن تعداد میوه‌ها به دو عدد، از نوآموز می‌خواهیم میوه‌ها را به‌طور هم‌زمان به بالا پرتاب کند و سپس آن‌ها را دریافت نماید. نوآموزان با شور و شوق فراوان این فعالیت را انجام می‌دهند و علاوه بر لذت بردن از بازی، تمرکز و مهارت جسمی- حرکتی خود را بالا می‌برند، هماهنگی بین چشم و دست‌هایشان را افزایش می‌دهند و ماهیچه‌های دست خود را نیز تقویت می‌کنند.

۸. نوع فعالیت: بازی

نام فعالیت: باز و بسته کردن دکمه

شرح فعالیت: از نوآموزان می‌خواهیم که دکمه‌های لباس خود را باز کنند و ببندند. این فعالیت علاوه بر تقویت دست‌ها باعث هماهنگی در استفاده از دو دست می‌شود. باز و بسته کردن دکمه را می‌توان به‌صورت مسابقه در کلاس اجرا کرد تا ضمن کسب اهداف مورد نظر باعث شادابی محیط کلاس نیز شود. مسابقه به این صورت است که هر فرد یا گروهی که زودتر دکمه‌های لباسش را ببندد، برنده خواهد شد.

۹. نوع فعالیت: بازی

نام فعالیت: حمل لیوان پر آب

شرح فعالیت: در کلاس به کمک نوآموزان چند لیوان در اندازه متوسط را انتخاب می‌کنیم. با نوآموزان به حیاط مدرسه می‌رویم و در آنجا از چهار نفر می‌خواهیم که لیوان‌ها را پر از آب کنند. آنگاه روی خطوط صاف و در حالی که لیوان‌ها را به دست دارند، به گونه‌ای راه بروند که آب داخل لیوان‌ها روی زمین نریزد. نوآموزان با شور و شوق فراوان این فعالیت را انجام می‌دهند و علاوه بر لذت بردن از بازی، مهارت‌های جسمی- حرکتی خود را پرورش می‌دهند و هماهنگی بین اعضای بدن و ماهیچه‌های دستشان را تقویت می‌کنند.

۱۰. نوع فعالیت: کار دستی

نام فعالیت: بادبزن کوچولو

شرح فعالیت: مربی یک برگه کاغذ به هر یک از نوآموزان می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که با استفاده از آن حالتی را نمایش دهند؛ مثلاً فکر کنند باران می‌آید و با کاغذ چتر درست کنند. بعد از آن‌ها می‌خواهد با تازدن کاغذ شکل تخیلی مورد نظر خود را بسازند. سپس به کودکان کاغذهای رنگی می‌دهد و به آن‌ها می‌گوید: «فکر کنید هوا گرم است





و برای خنک کردن خود به یک بادبزن نیاز دارید.» بعد هم از آن‌ها می‌خواهد که کاغذ خود را به جلو و عقب تا بزنند و برای خود بادبزن درست کنند.

۱۱. نوع فعالیت: نقاشی

نام فعالیت: نقاشی سحر آمیز

شرح فعالیت: مربی نوآموزان را به گروه‌های دو نفری تقسیم می‌کند و به هر گروه یک بطری در دار پلاستیکی می‌دهد که پر از آب رنگی (چند قطره گواش در آب می‌ریزیم) است و روی درش سوراخی دارد. آنگاه از نوآموزان می‌خواهد که با آب رنگی طرح‌های مختلفی روی کف حیاط ایجاد کنند و دربارهٔ طرح‌های یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنند.

۱۲. نوع فعالیت: قصه

نام فعالیت: نخ قصه‌گو

شرح فعالیت: مربی از کودکان می‌خواهد به شکل دایره بنشینند. بعد مقداری کاموا به هر کودک می‌دهد. ابتدا از آن‌ها می‌خواهد کمی با آن بازی کنند؛ مثلاً آن را دور انگشتان خود بپیچند و باز کنند. سپس از کودکان می‌خواهد که با نخ روی زمین دو یا سه شکل متفاوت پشت سر هم درست کنند. در ادامه، از آن‌ها می‌پرسد که چه شکل‌هایی درست کرده‌اند. در مرحلهٔ بعد، مربی در وسط دایره با نخ یک خانه می‌سازد و قصه را شروع می‌کند: «یکی بود یکی نبود؛ زیر گنبد کبود، یک خانه‌ای بود.» سپس مربی می‌نشیند و نفر بعدی از جای خود بلند می‌شود و با نخ خود شکل دیگری در کنار خانه درست می‌کند و قصه را ادامه می‌دهد. به همین ترتیب، همهٔ کودکان در وسط دایره شکلی درست می‌کنند و قصه را پیش می‌برند. این کار تا آخرین نوآموز ادامه پیدا می‌کند.

۱۳. نوع فعالیت: کاردستی

نام فعالیت: تابلوی زیبای من

شرح فعالیت: مربی به هر یک از

کودکان یک برگه کاغذ ۲۰×۲۰ سانتی متری می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که کاغذ خود را از وسط تا کنند. سپس کاغذ را از خط تا به طرف لبهٔ آن، راه راه با قیچی ببرند اما بریدن را تا انتهای کاغذ ادامه ندهند. به این ترتیب، وقتی کاغذ را باز کنند، می‌بینند که روی آن شیارهای موازی ایجاد شده است. در مرحلهٔ بعد، مربی چند قطعه روبان به رنگ‌های مختلف در اختیار کودکان قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که آن‌ها را به صورت یک در میان از زیر و روی شیارها رد کنند و برای هر ردیف، از یک رنگ روبان استفاده کنند. بهتر است سر و ته روبان‌ها را با چسب به پشت کاغذ بچسبانند تا بافت کاغذ جابه‌جا نشود.

۱۴. نوع فعالیت: کاردستی

نام فعالیت: کاموای زرنگ

شرح فعالیت: مربی برای هر کودک، یک برگه کاغذ A۴ را دو یا سه بار از وسط تا می‌زند و با سوراخ کن چند سوراخ در هر ضلع آن ایجاد می‌کند. سپس کاغذ را باز می‌کند و آن را به نوآموزان نشان می‌دهد. او انواع نخ کاموا با جنس‌ها و ضخامت‌های مختلف را به صورت تکه‌های نیم‌متری می‌برد و به نوآموزان می‌دهد. سپس از آن‌ها می‌خواهد که نخ‌ها را لمس کنند و بگویند کدام زبر و کدام نرم است و کدام کلفت و کدام نازک است. سپس از کودکان می‌خواهد که با رد کردن نخ از سوراخ‌های کاغذ، شکلی بسازند که با اشکال بچه‌های دیگر متفاوت باشد و شکلی را که ساخته‌اند، به یکدیگر نشان دهند.

۱۵. نوع فعالیت: بازی

نام فعالیت: تق و تق

شرح فعالیت: بچه‌ها دور میز می‌نشینند و مربی به طور متوالی و به ترتیب به آن‌ها می‌گوید:

تق تق
انگشتی
تق تق
توخالی
تق تق
مشتی
تق تق
صاف

بچه‌ها به همراه مربی این دستورالعمل‌ها را اجرا می‌کنند؛ به این ترتیب که با «تق تق انگشتی»، با انگشت روی میز ضرب می‌گیرند. با دستور «تق تق توخالی»، با کف دست که کمی به آن اتحنا داده‌اند، روی میز ضربه می‌زنند. با دستور «تق تق مشتی»، با مشت و با دستور «تق تق صاف» با کف دست صاف روی میز ضربه می‌زنند.

۱۶. نوع فعالیت: بازی

نام فعالیت: بازی با بادکنک

شرح فعالیت: چند بادکنک رنگی را با انواع موادی که در دسترس داریم، مانند آرد، نمک و شکر، پر می‌کنیم. بادکنک‌ها را در اختیار کودکان قرار می‌دهیم تا بازی کنند. با این فعالیت ساده علاوه بر اینکه می‌توانیم اوقات خوشی برای آن‌ها به وجود آوریم، مهارت دست‌ورزی‌شان را نیز تقویت می‌کنیم.

گزارش دستاوردهای چهار استان در زمینه آموزش و پرورش پیش دبستانی

گام‌های بلند در مسیر تعالی

دفتر پیش دبستانی

اشاره

در سال جاری تمامی استان‌های کشور در اجرای برنامه‌های حوزه آموزش و پرورش پیش دبستانی فعالیت‌های مستمر و پیگیرانه‌ای داشته‌اند. در این میان، عملکرد برخی استان‌ها در اجرای یک یا چند برنامه نسبت به سال قبل یا در مقایسه با سایرین ویژه بوده است. در این مجال، دستاورد برنامه‌های چند استان ارائه می‌شود و در فرصت‌های آتی از اقدامات سایر استان‌ها استفاده خواهد شد.



به‌عنوان مبنای عدالت اجتماعی می‌نگرند. میانگین پوشش پیش دبستانی استان سیستان و بلوچستان کمتر از میانگین کشوری است اما در سال جاری این استان توانسته است به یاری مسئولان در این راه گام‌های مهمی بردارد.

معرفی قلمرو میراث فرهنگی در پنج بخش شامل بیان سنت‌ها، فعالیت‌های جمعی، آیین‌ها و جشن‌ها، دانش سنتی و سنت‌های مرتبط با صنایع دستی از زبان نسل جدید به مردم، اهمیت به کودکان در فعالیت‌های اجتماعی و فراهم نمودن فضا و شرایط برای بروز استعدادها و خلاقیت کودکان، از دستاوردهای این جشنواره به شمار می‌رود.

دلایل رشد چشمگیر و اقدامات برجسته استان

۱. ایجاد زمینه همدلی، همکاری و نشست‌های تخصصی و طرح موضوع در جلسات رؤسای آموزش و پرورش شهرستان‌ها و مناطق توسط مدیرکل آموزش و پرورش استان.
۲. تهیه و اجرای دستورالعمل بومی- عملیاتی استان؛ این دستورالعمل با پیروی از شعار «اصلاح فرایندها و حسن استفاده از ظرفیت‌ها» با هدف ایجاد فرصت‌های آموزشی برای همه نوآموزان در سال تحصیلی جاری تدوین شده و براساس آن، رؤسای محترم آموزش و پرورش مناطق و شهرستان‌های استان مکلف شدند به هر صورت ممکن، بستر لازم را برای توسعه کمی و کیفی دوره پیش دبستان

● **رشد چشمگیر تعداد نوآموزان پیش دبستانی در سیستان و بلوچستان**
همیشه امکانات و بودجه دلیل بر پیشبرد اهداف نیست و گاه محرومیت فرصتی است برای دیدن بهتر تمام آنچه پیرامون ماست. عامل رشد حدود ۳۰ درصدی پوشش نوآموزان پیش دبستانی در استان سیستان و بلوچستان، به‌خصوص در مناطق کمتر توسعه یافته، بدون شک حمایت دلسوزانه افرادی است که اهمیت آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی را دریافته‌اند و به ترتیب این کودکان

دستاوردهای

پیش دبستانی در استان‌ها

● **ترویج هویت اسلامی- ایرانی به نوآموزان پیش دبستانی در اصفهان**
شناخت محیط، توسعه روابط اجتماعی و توجه به فرهنگ و نشانه‌های دینی و میهنی در راستای پرورش هویت ملی، از اهداف آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی است. برای کیفیت بخشی به فعالیت‌های پیش دبستانی در زمینه تحقق اهداف یادشده جشنواره‌های فرهنگی در استان اصفهان برگزار شد. این جشنواره در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ با عنوان «جشنواره میراث فرهنگی در حوزه کودکان» با هدف «مشارکت و حضور فعال کودک در بیان سنت‌های شفاهی»، «بیان سنت‌های مرسوم در کشور» با زبان کودکان، «ترویج و انتقال بین نسلی میراث فرهنگی» به اجرا در آمد.



عامل بازدارنده افزایش بی‌سوادی، حمایت

کردند.

در اجرای

طرح مذکور،

مدیران

مدارس با

همکاری

خانه‌های

بهداشت

و شوراهای

روستایی، کودکان

واجد شرایط را شناسایی

کرده‌اند. با هماهنگی معاون

آموزگاران یا مدیران مجتمع‌های

آموزشی روستایی و توافقی

اولیا، نوآموزان پیش‌دبستانی

مناطق محروم استان حداقل

هفته‌ای ۵ ساعت در طول

سال تحصیلی آموزش

دیده‌اند.

در سطح مناطق آموزشی حوزه خویش فراهم آورند.

۳. تشکیل کمیته پشتیبانی با هدف جذب نوآموزان در اداره آموزش و پرورش شهرستان/منطقه/ناحیه

۴. برگزاری جلسات هم‌اندیشی و جلب مشارکت بخش‌های دولتی و غیردولتی (استفاده از حمایت معتمدان افراد صاحب نفوذ منطقه، شورای شهر و روستا، ائمه جمعه و ...)

۵. استفاده از برنامه آموزشی شناور و منعطف براساس شرایط خاص نوآموزان به منظور علاقه‌مند کردن و جذب آنان طبق دستورالعمل بومی - عملیاتی

۶. فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی با استفاده حداکثری از امکانات رسانه ملی در استان و اماکن دینی و مذهبی

۷. شناسایی نوآموزان واجد شرایط توسط مدیران مدارس

۸. ایجاد عزم و اراده جدی در شناسایی و جذب نوآموزان توسط رؤسا، معاونان و کارشناسان حوزه ابتدایی ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌ها و مناطق و به‌کارگیری راهکارهای جدید و ابتکاری.

● توسعه کمی آموزش و پرورش پیش‌دبستانی در سایه وفاق و تفاهم حاصل از مدیریت یکپارچه در استان اردبیل

اضافه

می‌شود. برای رفع این چالش و ایجاد یکپارچگی و وحدت رویه در حوزه آموزش و پرورش پیش‌دبستانی از یک سو، و استفاده از ظرفیت‌های سایر دستگاه‌ها از سوی دیگر، انعقاد تفاهم‌نامه‌های همکاری مشترک در این حوزه مورد توجه است.

یکی از استان‌های موفق در این زمینه استان اردبیل است. این استان در تعامل با سایر دستگاه‌ها و عقد تفاهم‌نامه درون و برون دستگاهی دستاوردهای مطلوبی داشته است. در سال ۹۴-۱۳۹۳ به منظور ایجاد هماهنگی و ساماندهی مدیریت و فعالیت‌های تربیتی دوره پیش‌دبستانی، مسئولان استان اردبیل در سایه هم‌افزایی حاصل از انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با سایر دستگاه‌ها و مدیریت یکپارچه دوره، امکان برخورداری نوآموزان پیش‌دبستانی استان از ظرفیت دستگاه‌ها و امکانات موجود را فراهم نموده‌اند.

● بهره‌مندی کودکان مناطق محروم استان مرکزی از آموزش و پرورش پیش‌دبستانی

در حال حاضر، بسیاری از افراد و دستگاه‌ها - اعم از دولتی و غیردولتی - در سطح کشور خدمات آموزشی پیش‌دبستانی ارائه می‌کنند. دلیل اهمیت این موضوع آن است که کودکان پس از طی دوره پیش‌دبستانی ملزم به حضور در نظام آموزش و پرورش رسمی هستند. دانش‌آموزان کلاس اول با تجربه پیش‌دبستانی، با توجه به نوع مرکز پیش‌دبستانی که دوره را در آنجا گذرانده‌اند، از نظر سطح آموزشی و پرورشی طیف‌های کاملاً متفاوتی را تشکیل می‌دهند. ارائه محتوای سلیقه‌ای و فعالیت‌های نامتناسب و ناهماهنگ با آموزش‌های دوره دبستان، اولین چالش پیش روی این کودکان است. تفاوت در کیفیت و میزان صلاحیت سایر مؤلفه‌های مؤثر بر دوره نیز به این امر

● بهره‌مندی کودکان مناطق محروم استان مرکزی از آموزش و پرورش پیش‌دبستانی

تأثیر بسزای فعالیت‌های تربیتی پیش‌دبستانی در رشد و پرورش قابلیت‌های جسمانی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان در علوم انسانی و منابع الهی مورد تأکید و تأیید است. در این راستا و به منظور توسعه عدالت آموزشی و پرورشی قبل از دبستان برای کودکان پیش‌دبستانی در مناطق غیربرخوردار و آسیب‌پذیر، این طرح با همکاری‌های استان به اجرا درآمده است. پس از تصویب اختصاص اعتبار در شورای آموزش و پرورش استان، مساعدت کمیته امداد امام خمینی (ره) در تأمین هزینه نوآموزان تحت پوشش، استناداری، فرمانداری، بخشداری و دهیاری‌ها از توسعه پیش‌دبستانی به‌عنوان

اشاره

کسب مهارت‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل در سازگار شدن کودکان با محیط پیرامون، همسالان و خانواده است. در مراکز پیش‌دبستانی به آموزش این مهارت‌ها کمتر توجه می‌شود. کودکانی که این‌گونه مهارت‌ها را کسب نکنند، دچار اختلالات رفتاری می‌شوند و به خوبی نمی‌توانند با دیگران ارتباط برقرار سازند. از آنجا که یکی از اهداف آموزش و پرورش پیش‌دبستانی رشد همه‌جانبه کودکان است، به آموزش این مهارت‌ها باید توجه کرد تا مطابق با آن برنامه‌های پیشگیری از اختلالات رفتاری صورت گیرد. آموزش و ارزیابی مهارت‌های اجتماعی به کودکان باید براساس تفاوت‌های فردی و با برنامه‌های متعدد انجام پذیرد. اجتماعی شدن کودکان در قالب فعالیت‌های گوناگون از جمله بازی، گردش در طبیعت، بحث و گفت‌وگوهای آزاد و سازمان‌یافته و قصه‌گویی صورت می‌گیرد. در این نوشتار به چیستی و چگونگی آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های اجتماعی، کودکان، جامعه، خانواده



مقدمه

برنامه آموزش و پرورش مناسب در دوره پیش‌دبستان، تجاری محرک برای رشد ذهنی، زبانی، جسمی، اجتماعی و عاطفی کودکان فراهم می‌آورد. اگر این نوع برنامه‌ها به گونه مؤثری سازمان داده شوند، می‌توانند محرومیت ناشی از کمبودهای محیط خانه را جبران کنند و کودک را در ساختن مبنایی قوی برای سهولت رشد بعدی و بارور شدن استعدادها کامل وی یاری کنند (کول، ۱۳۹۰). در جامعه ما خانواده به‌عنوان اولین نهاد اجتماعی مطرح است. در امر اجتماعی کردن کودک در هر کاری، از تعلیم آداب رفتن به سرویس بهداشتی گرفته تا آموزش شیوه غذا خوردن، لباس پوشیدن و ایجاد رابطه با دیگران، در وهله اول والدین مسئول‌اند. در جامعه‌ای به گوناگونی و پیچیدگی جامعه ما که در آن کودکان ناگزیر از داشتن تماس با گروه‌های اجتماعی گوناگون می‌باشند، باید خانواده را در راه به انجام رساندن این امر مهم یاری کنیم.

مهارت‌های اجتماعی کودکان؛ چیستی و چگونگی!

دکتر مرجان کیان
استادیار دانشگاه خوارزمی

جدول ۱- مهارت اجتماعی کودکان ۳ تا ۴ سال

ردیف	نوع مهارت‌های اجتماعی
۱	کودک رفتارهای مستقل انجام می‌دهد.
۲	کودک حقوق خود و دیگران را می‌شناسد.
۳	کودک با کودکان دیگر بازی می‌کند.
۴	کودک با اعضای خانواده همکاری می‌کند.
۵	کودک کمالات خویش را می‌شناسد.

جدول ۲- مهارت اجتماعی کودکان ۴ تا ۵ سال

ردیف	نوع مهارت‌های اجتماعی
۱	کودک در بازی از تخیل استفاده می‌کند.
۲	کودک همواره دستورها و ضوابط را می‌پذیرد.
۳	کودک تفاوت بین خود و دیگران را تشخیص می‌دهد.
۴	کودک قوانین بازی‌های ساده را رعایت می‌کند.
۵	کودک دوستان صمیمی دارد.

مناسب با توانایی‌های کودکان باشد تا زمینه را برای رشد همه‌جانبه و تعاملات اجتماعی کودکان فراهم کند. تحقق این امر نیازمند همکاری و مشارکت میان خانواده‌ها، معلمان، مربیان و به‌طور کلی کسانی است که به نحوی با کودکان در ارتباطند. مهارت‌های اجتماعی که انتظار می‌رود کودکان ۳ تا ۴ ساله از آن‌ها برخوردار باشند، در جدول ۱ آمده است.

برخی مهارت‌های اجتماعی را که انتظار می‌رود کودکان ۴ تا ۵ ساله داشته باشند، در جدول ۲ مشاهده می‌کنید.

آموزش عبارت است از فعالیت‌های رسمی یا غیررسمی مربی (معلم یا یاددهنده) برای ایجاد تغییرات کم و بیش دائمی در «رفتار بالقوه» فرد که به‌صورت کنش یا عمل متقابلی بین حداقل دو نفر- مربی و یادگیرنده- جریان دارد. در بیشتر کشورهای جهان، آموزش پیش از دبستان آموزش غیرمستقیم تلقی می‌شود. حتی در بسیاری از کشورها کوشش دارند آموزش دبستانی را هم به‌طور کامل با دست کم قسمتی از آن را- غیرمستقیم کنند. به‌طور کلی، آموزش غیرمستقیم با روحیه جست‌وجوگر کنجکاو و فعال کودک سازگار است و او را به شوق و ذوق بیشتر برای اکتشاف یادگیری برمی‌انگیزد. به علاوه، با رشد بدنی او مناسب‌تر است؛ زیرا از نشستن بیش از اندازه او جلوگیری می‌کند و او را به حرکت و فعالیت وا می‌دارد. با یاد گرفتن

مدرسه و دیگر مؤسسات باید در هر چه بیشتر اجتماعی کردن کودکان با خانواده مشارکت داشته باشد. معلمان می‌توانند مهارت‌های کودک را در جهت کار با گروه‌های مختلف و زندگی در میان محیط‌های اجتماعی گوناگون پرورش دهند. همچنین، می‌توانند به کودک کمک کنند تا قوانین و مقررات مربوط به رفتار در محیط‌های مختلف و نیز نحوه ایجاد ارتباط با مسئولان مشاغل مختلف را بیاموزند. اهمیت مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین عامل اجتماعی شدن و سازگاری اجتماعی را نمی‌توان از نظر دور داشت و بی‌شک توجه به هوش اجتماعی، رشد اجتماعی و تربیت اجتماعی در کنار دیگر ابعاد رشد و حیطه‌های تعلیم و تربیت، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در چشم‌انداز کنونی، در حوزه آموزش مهارت‌های اجتماعی، رویدادهای فراوانی رخ داده، پژوهش‌های بی‌شماری صورت گرفته، روش‌های آموزشی و درمانی جدیدی مطرح گردیده و افق‌های روشن‌تری آشکار شده است. تمامی این حرکت‌ها و شناخت‌های روزافزون به انسان کمک می‌کند تا به کمیت و کیفیت زندگی اجتماعی خود و دیگران غنای بیشتری ببخشد و به‌خصوص، به کودکان با نیازهای ویژه و سازگاری اجتماعی آنان نگاهی انسان‌دوستانه‌تر و پویاتر داشته باشد. نوزاد انسان برخلاف سایر موجودات، برای نیازهای تغذیه‌ای، و حفظ حیات و بهزیستی جسمانی‌اش کاملاً به روابط اجتماعی وابسته است.

همه کودکان دنیا دوران تولد تا پنج سالگی را براساس یک الگوی رشد طی می‌کنند. علاوه بر این، کودک به‌عنوان موجودی مستقل و منحصر به فرد نیز الگوی رشد خاص خود را دارد. حضور کودک در مهدکودک یا دوره آمادگی این امکان را فراهم می‌سازد تا ارزیابی دقیقی روی هر کودک انجام شود که آیا مطابق با سن خود، مراحل رشد را طی می‌کند یا نه. تأخیر در رشد کودکان که می‌تواند زمینه عقب‌ماندگی آن‌ها را فراهم سازد، در این محیط‌ها به سرعت شناسایی می‌شود و بازپروری را امکان‌پذیر می‌کند.

انسان در سال‌های اولیه کودکی به ارتباط فرد به فرد با بزرگ‌ترها نیاز مبرمی دارد. به همین دلیل، هنوز هم به مهارت‌های عملکردی مؤثر در گروه‌های بزرگ نیازمند است و چنین مهارت‌هایی را به‌طور کامل ندارد. در حالی که کودکان سه ساله هنوز به تأیید فیزیکی و تماس بزرگ‌ترها مانند مورد نوازش قرار گرفتن و گرفتن دست معلم و... نیازمندند، کودکان بزرگ‌تر حتی با کلام دیگران نیز شاد و راضی می‌شوند.

مهارت‌های اجتماعی مناسب برای کودکان

مهارت‌های اجتماعی به کودک کمک می‌کند که با دیگران رابطه‌ای مؤثر داشته باشد. بیشتر کودکان این مهارت‌ها را در ارتباط با اطرافیان (پدر و مادر، برادر، خواهر و همسالان) بدون تلاش یاد می‌گیرند (پاولس و همکاران، ۲۰۰۱). آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان باید با برنامه، نظام‌مند و

به معنای واقعی نیز هماهنگی بیشتری دارد (اکرز، ۱۳۹۲). به عقیده برخی از نظریه پردازان، برنامه‌های آموزشی خردسالان باید منبعث از ویژگی‌های خود کودک باشد. با مطالعه آثار فردریک فروبل و ماریا مونتته سوری بلافاصله می‌توان دریافت که این دو پیشگام آموزش خردسالان، برنامه‌های آموزشی خود را بر مبنای مشاهده از کودکان قرار دادند. در روش آموزش مهارت‌های اجتماعی چهار مفهوم باید آموزش داده شود:

- همکاری^۲ (برای مثال نوبت گرفتن، تقسیم وسایل مواد و مسائل و ارائه پیشنهاد در جریان بازی)،
- مشارکت^۳ (برای مثال، شرکت کردن، شروع کردن، توجه کردن در جریان بازی)،
- ارتباط^۴ (برای مثال، صحبت کردن با دیگران، پرسیدن، صحبت کردن درباره خود، مهارت‌های گوش دادن، برقراری

جدول ۳- راهکارهایی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان ۳ تا ۴ ساله

ردیف	گام‌های آموزش
۱	کودک را تشویق کنید تا خودش غذایش را بخورد.
۲	توجه کودک را به فعالیت‌ها جلب کرده و سعی کنید حواس‌پرتی او به حداقل برسد. زمان را برای کودک لذت‌بخش کنید.
۳	افراد خانواده را تشویق کنید تا برای استفاده از وسایل یکدیگر اجازه بگیرند.
۴	فرصت‌هایی فراهم کنید تا کودک با سایر کودکان همسن خود بازی کند.
۵	کودک را تشویق کنید تا خودش را در آینه ببیند.

جدول ۴- راهکارهایی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان ۴ تا ۵ ساله

ردیف	گام‌های آموزش
۱	کودک را تشویق کنید تا به فعالیت‌ها و تصوراتی که می‌خواهد آن‌ها را انجام دهد فکر کند.
۲	زمانی که کودک کاری را به درستی انجام می‌دهد آن را تأیید کنید.
۳	جنسیت کودک و سایر اعضای خانواده را به او آموزش دهید.
۴	بازی را که قوانین ساده‌ای دارند با کودک اجرا کنید.
۵	هنگامی که کودک با دوستان خود به خوبی سازش کند او را تشویق کنید.

تماس چشمی و به کار بردن اسم کودکان دیگر) ● اعتباریابی^۵ (برای مثال، توجه کردن به دیگران، گفتن چیزهای خوب به دیگران، لبخند زدن و کمک کردن به دیگران).

ممکن است هر یک از کودکان به آموزش اضافی در حوزه‌های یاد شده نیز نیاز داشته باشند. در طراحی و اجرای فعالیت‌ها باید به نکاتی توجه کرد؛ از جمله اینکه در آموزش مهارت‌های اجتماعی ترتیب زیر دنبال شود:

- از مفاهیم عینی به ذهنی
 - از آشنا به ناآشنا
 - از ساده به دشوار
- همه فعالیت‌ها باید تا حد امکان طبق توالی زیر طراحی و اجرا شوند:
- تجربه‌های واقعی زندگی
 - کسب تجربه از طریق دست‌ورزی با وسایل و موادی که نشانه تجربه‌های واقعی زندگی است؛
 - کسب تجربه از طریق تصاویر تجربه‌های واقعی زندگی و ترسیم اشیا



نگاهی به چالش‌های آموزش و پرورش کودکان در دوره پیش از دبستان

مسعود تهرانی فرجاد

کلیدواژه‌ها: دوره آمادگی، مربی مجرب، محتوای استاندارد، موانع و مشکلات

اشاره

در پی اعلام مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش مبنی بر ایجاد تغییراتی در دوره‌های تحصیلی (از جمله حذف پیش‌دانشگاهی و توجه ویژه به دوره آمادگی) شورای برنامه‌ریزی گروه پیش‌دبستان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی خود را موظف به بازبینی این دوره و جمع‌بندی نظرات برای انعکاس به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و تمام کسانی که باین گروه سنی ارتباط دارند، دید. آنچه در این بازنگری مورد تأکید است، پاسخ به سؤالات اساسی زیر است. لذا از همه خوانندگان و کارشناسان محترم انتظار داریم نقطه‌نظرات خود را از طریق دبیرخانه همین مجله یا پست الکترونیکی گروه پیش‌دبستانی^۱ ارسال نمایند.

۱. سن مناسب برای ورود به نظام آموزشی رسمی چیست؟
 ۲. تلازم یا عدم تلازم نظام آموزشی رسمی یا نظام آموزش اجباری چیست؟
 ۳. چگونگی سطح‌بندی آموزشی در شش سال اول چیست؟
 ۴. بهترین عنوان برای دوره پیش از دبستان چیست؟
- به همین منظور شورای مورد اشاره اقدام به تشکیل چند کارگروه و همچنین اخذ نظرات برخی کارشناسان استانی نموده که در ادامه، نتایج و جمع‌بندی بحث و گفت‌وگوها در چند محور از نظراتان می‌گذرد.

۱. ابتدا ضروری است، نظام آموزش رسمی بازتعریف و تبیین شود. به طوری که بر اساس آن بتوان تصویری از خروجی آن ارائه نمود. به طور کلی می‌توان گفت نظام آموزش رسمی عبارت است از «برنامه آموزشی مشخصی که دارای نقطه شروع و پایان یا تأکید بر سن ورود و ویژگی‌های سنی فراگیران است و الزاماً اجباری نیست مگر در مواردی که در برنامه تصریح شده است.» از مهم‌ترین ارکان برنامه آموزشی اهداف کلی آن

- کار با وسایل و مواد نمادین یا انتزاعی. والدینی که با کودکان خردسال بازی می‌کنند، می‌توانند به رشد مهارت‌های لازم برای بازی با همسالان در فرزندانشان کمک کنند. براساس پژوهش‌های انجام شده، کودکانی که پدر و مادرانشان با آنها بازی کرده‌اند، نسبت به کودکانی که این تجربه را نداشته‌اند، به خصوص اگر بازی به شیوه همسالان و برای تفریح و سرگرمی باشد، مهارت‌های اجتماعی پیشرفته‌تری دارند. براساس اهدافی که انتظار داریم کودکان در هر یک از این دو گروه سنی انجام دهند راهکارهایی برای آموزش آنها نیز ارائه می‌شود (جدول ۳).

برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان گروه سنی ۴ تا ۵ راهکارهایی نیز می‌توان ارائه کرد که در جدول ۴ آمده‌اند. بنابراین، می‌توان اذعان داشت که کودکان از نظر رفتار، ویژگی‌ها و توانایی‌ها و تفاوت‌های فردی گسترده‌ای با یکدیگر دارند. بعضی کودکان بسیار فعال، اجتماعی، مستقل، کنجکاو، مهاجم و ماجراجو هستند. بعضی دیگر، غیرفعال، وابسته، خجالتی و منزوی به نظر می‌رسند. هر کودک شخصیت منحصر به فرد خود را داراست. این شخصیت تا حدودی مربوط به زمینه‌های وراثتی اوست ولی تا حد قابل ملاحظه‌ای نیز به عوامل محیطی بستگی دارد (کول، ۱۳۹۰). اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن هنجارها، مهارت‌ها، انگیزه‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرد شکل می‌گیرد تا ایفای نقش کنونی یا آتی او در جامعه مناسب و مطلوب شناخته شود. در این فرایند، اکتساب و به کارگیری مهارت‌های اجتماعی و چگونگی برقراری ارتباط و تعامل با دیگران، یکی از مؤلفه‌های اصلی رشد، به خصوص در بین کودکان و نوجوانان، محسوب می‌شود. از این رو آموزش مهارت‌های مختلف از جمله مهارت‌های اجتماعی به کودکان، از تولد تا ۵ سالگی اهمیت زیادی دارد؛ چرا که آموزش در این دوره به رشد شخصیت کودکان می‌انجامد و آنان را در بزرگسالی به شهروندانی پایدار تبدیل می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1. one-to-one contact
2. Co-operation
3. Participation
4. Communication
5. validation

منابع

۱. آکرز، آدرین (۱۳۹۲). ارزیابی، برنامه‌ریزی آموزشی و بازپروری کودکان از تولد تا ۵ سالگی. ترجمه فریده ترابی میلانی. تهران: انتشارات سمت.
۲. وینتا، کول (۱۳۹۰). برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. ترجمه فرخنده مفیدی. تهران: انتشارات سمت.
3. Powless, D. and Elliott, S. N. (2001). Assessment of Social Skills. Journal of Psychology, N, 28, pp 29-33.



● افزایش شهریه کلاس‌های آمادگی یک‌ساله و در نتیجه محرومیت بر کاهش میزان جذب کودکان از قشر کم‌برخوردار

● نادیده گرفته شدن قوانین و مصوبات و عدم اجرای مطلوب آن‌ها

● بی‌توجهی به برنامه‌ها و اهداف آموزشی مصوب این دوره و اعمال سلیقه‌های گاه متناقض با این برنامه و تأکید بر اهداف و محتواهای آموزشی که به دوره ابتدایی مربوط می‌شود مانند (آموزش حروف و اعداد و ...)

۴. کاهش توجه به آموزش نیروی انسانی مجرب و توانمند (مربی) پیش‌دبستانی و به‌کارگیری و جذب نیروی آموزشی مربی غیرمتخصص

۵. کاهش اعتبارات پیش‌دبستان و مشکلات مالی به‌ویژه برای تشکیل مطلوب کلاس‌های یک ماهه آمادگی

۶. کاهش آمار کودکان پیش‌دبستانی و افت تحصیلی در پایه‌های بعدی به خصوص پایه اول ابتدایی

۷. عدم احتساب آمار کلاس‌های آمادگی ضمیمه مدارس ابتدایی در سر جمع آمار رسمی مدارس و در پی آن عدم تخصیص اعتبارات مورد نیاز.

نتیجه‌اینکه:

۱. دوره پیش‌دبستان، (دوره آمادگی) در نظام رسمی آموزشی لحاظ شود تا از فعالیت‌های سلیقه‌ای و غیراصولی پرهیز گردد؛ از تمام ابعاد اعم از نیروی انسانی، قوانین و مقررات، اعتبارات، برنامه آموزشی و پرورشی مصوب و ... جایگاه رسمی یابد اما این لزوماً به معنای اجباری بودن دوره نیست مگر در مواردی که برنامه به آن تصریح داشته باشد.

۲. توجه به پیش شرط‌هایی که در برخی موارد فوق مطرح گردیده است منجر به استحکام نظام آموزش و پرورش رسمی دوره آمادگی می‌گردد و در غیر این صورت هم‌چنان شاهد چالش‌ها و مشکلات مزبور خواهیم بود.

پی‌نوشت

1. Preschol@talif.ir

آمادگی لازم را به‌دست آوردند.

۵. اهتمام جدی برای ایجاد فضای مناسب و تأمین امکانات مورد نیاز در فرایند برنامه نظام آموزشی رسمی به‌طوری که با تخصیص بودجه کافی سطح کیفیت برنامه آموزش رسمی همواره رو به رشد و پیشرفته باشد.

۶. طرحی و تدوین محتوای آموزشی، سیال، تلفیقی و منعطف با تأکید بر ویژگی‌های سنی کودکان و قابلیت‌های بومی در چارچوب برنامه مصوب نظام رسمی آموزش و پرورش دوره پیش‌دبستان.

۷. بهترین عنوان برای دوره پیش از دبستان کودکان ۵ ساله «دوره آمادگی» می‌باشد که تمام برنامه‌ریزی‌ها باید با هدف کسب مهارت‌های لازم فردی و اجتماعی، کلامی و ... نیز آمادگی برای ورود به دوره ابتدایی بوده و البته در این صورت از پرداختن به برنامه ویژه دوره ابتدایی باید پرهیز شود.

موانع و مشکلات

۱. عدم توجه لازم به دوره آمادگی به عنوان پایه و اساس آموزش دوره‌های بعدی

۲. فقدان شرایط لازم جهت رسیدن به اهداف، برنامه‌ها و تعهدات ملی و بین‌المللی از جمله سند ملی توسعه آموزش و پرورش و سند برنامه ملی آموزش برای همگان.

۳. واگذاری مدیریت کلاس‌های پیش‌دبستانی به بخش خصوصی و مراکز آموزشی و فرهنگی غیر دولتی که تبعات زیر را در پی داشته است.

است که در این جمع‌بندی عموماً هدف کلی نظام آموزشی رسمی کودکان «آمادگی همه کودکان برای انتقال از محیط خانه به اجتماع است» براساس کلام و سیره معصومین (ع) و همچنین تجربیات بشری به نظر می‌رسد، ۴ و ۵ سال تمام برای ورود کودک به پیش‌دبستان مناسب باشد و متعاقب آن از پایان ۶ سالگی دوره ابتدایی آغاز شود.

۲. عرصه دیگر جایگاه و نقش مؤثر والدین در فرایند تعلیم و تربیت کودک است که اگر چنانچه فرصت‌هایی برای توجیه و آموزش به والدین و به ویژه مادران فراهم گردد تا در فرایند تعلیم و تربیت رسمی کودک نقش و جایگاه مؤثر خود را دریابند و بر همراهی و مشارکت داوطلبانه خود به دور از الزام و اجبار تأکید نمایند. از این رو باید همواره بر آگاهی بخشی و آموزش به والدین و به ویژه مادران جامه عمل پوشید.

۳. تربیت نیروی انسانی کارآمد، متخصص و مجرب و به‌کارگیری رسمی و قانون‌مند آنان در چارچوب نظام آموزش و پرورش رسمی از دیگر ابعاد بسیار مؤثر در حوزه پیش‌دبستان است. به‌طوری که منجر به تضمین آینده‌پرفروغ و سعادت‌مند برای جامعه در سایه تربیت صحیح کودکان می‌گردد.

۴. بر مبنای اصل عدالت آموزشی، ضروری است فرصت حضور در نظام آموزشی رسمی برای تمام کودکان، فارغ از جغرافیای محل زندگی، مسائل معیشتی و اقتصادی خانواده، تفاوت‌های جنسیتی، زبان و گویش (به‌ویژه برای کودکان مناطق دوزبانه) فراهم شود تا برای ورود به دوره ابتدایی عموم کودکان،

«نه‌نه»های خط‌خطی کننده روح کودک

فریده عصاره

با

خود فکر کردم چه کار خوبی! برای اینکه تأثیر برخورد مایوس‌کننده آن مربی را از بین ببرم، با لحنی نویدبخش به نوهام گفتم: «نگاه کن! اون کلبه رو می‌بینی؟ می‌خوای بریم اونجا رو نگاه کنی؟» چشمانش از خوشحالی برقی زد و جواب داد: «آره! آره!» هر دو به سمت باغچه رفتیم. داشتیم کلبه و گوجه‌فرنگی‌ها را به او نشان می‌دادم، که مربی روبه نوهام کرد و گفت: «این مال بچه‌ها نیست!»

اشاره

مقاله حاضر خاطراتی دربارهٔ

رفتارهایی است که ما اولیا و مربیان با کودکان داریم. خواسته‌های آن‌ها را در نظر نمی‌گیریم و روح لطیف کودکانه‌شان را خط‌خطی می‌کنیم. در حالی که آن‌ها اگر به چیزی دست می‌زنند، به‌منظور شناخت و لذت بردن و تجربه کردن است. این برایشان یک امر عادی است و آن را جزئی از حقوقشان می‌دانند. باید دست بزنند و تجربه کنند تا بشناسند ولی ما بزرگ‌ترها به آن‌ها سخت می‌گیریم.

کلیدواژه‌ها: کودک، آب‌بازی، گل‌بازی، روح کودک، کودک درون



۱. وقتی برای اولین روز نوهام را به مهدکودک بردم، ابتدا توجهش به سرسره و اسباب‌بازی‌های گوشهٔ حیاط، که قدری هم از سالن کلاس‌ها فاصله داشت، جلب شد. دستم را ول کرد و با اشتیاق دوان دوان به سمت محل اسباب‌بازی‌ها رفت. وقتی متوجه شد که راه ورود به آن محل با زنجیر قطوری مسدود شده است، از من خواست که زنجیر را باز کنم. توضیح دادم که من اجازه ندارم آن را باز کنم. پرسید: «چرا اجازه نداری؟» گفتم: «برای اینکه مال ما نیست». در خلال این گفت‌وگوهای ما و در حالی که زنجیر را در دستش گرفته بود و به بالا و پایین حرکت می‌داد بلکه باز شود، یک مربی که برای خوشامدگویی به سمت ما می‌آمد قدم‌هایش را تندتر کرد و به سرعت خود را به او رساند. با کمی اخم زنجیر را از دستش کشید و گفت: «تکن پسر، ولش کن خراب میشه!» نوهام گفت: «می‌خوام برم بازی کنم.» گفت: «نمیشه.» بچه مایوسانه به سمت من آمد و سرش را به من تکیه داد و با ناراحتی نگاهم کرد.

توجهش را به گوشهٔ دیگر حیاط که نزدیک به کلاس‌ها بود، جلب کردم. در باغچهٔ ته حیاط علاوه بر سبزی و چند بوته گوجه‌فرنگی که چند دانه گوجه‌فرنگی سبز هم روی آن‌ها بود، کلبه‌ای چوبی دیده می‌شد. باغچه با یک توری سیمی محصور شده بود. یک در کوچک هم داشت که باز بود. به‌نظرم آمد که آن محل برای کشت و کار بچه‌هاست و لابد کلبه هم برای قایم شدن و یا خلوت کردن بچه‌ها در آن.

در این هنگام مربی نوهام از سالن به حیاط آمد و سعی کرد او را با خود به کلاس ببرد ولی او خودش را به من چسبانده بود؛ گریه می‌کرد و با مربی‌اش نمی‌رفت. این تجربهٔ تلخ در روز اول باعث شد که نه تنها آن روز و روزهای دیگر با مربی خود به داخل سالنی که کلاس‌ها در آن بود نروم بلکه تا مدت‌ها از نزدیک شدن به آن مهدکودک هراس داشته باشم.

۲. به مهدکودکی در یکی از نقاط خوب تهران رفته بودم. دم در با ده یازده کودک حدود سه ساله که قرار بود به همراه

تا مربی به پارک بروند

مواجه شدم. بچه‌ها جلوی در مهدکودک سینۀ

دیوار ردیف شده بودند. یکی از مربی‌ها ضمن اعلام اینکه «داریم به پارک می‌رویم»، از آن‌ها می‌خواست که در این گردش هفت یا هشت قانون را رعایت کنند: «قانون یک: همه به صف می‌روید. قانون دو: تا پارک صف را به هم نمی‌زنید. قانون سه: در پارک وارد چمن نمی‌شوید. قانون چهار: به گل‌ها، چمن‌ها، درخت‌ها دست نمی‌زنید. قانون پنج: نباید خودتان را خیس کنید. قانون شش: ...» هنوز این قانون را اعلام نکرده بود که توجهم به چند تا از آن بچه‌ها جلب شد که داشتند با هم صحبت می‌کردند و اصلاً به حرف‌های مربی توجهی نداشتند. کمی آن طرف‌تر دو سه بچه دیگر بروبر به هم نگاه می‌کردند. از ظاهرشان پیدا بود که حرف‌های مربی را هضم نکرده‌اند. در این هنگام من به داخل مهدکودک رفتم و دیگر بچه‌ها را ندیدم.

مربی عزیز! اگر قرار باشد بچه‌ها به آب و گل و چمن دست نزنند، طبیعت برایشان چه لطفی دارد؟ چرا حسرت دستمالی طبیعت را در دل کودکان بگذاریم؟

بعضی وقت‌ها که برای پیاده‌روی به پارک می‌روم بعضی مادرها را می‌بینم که دائم در حال تذکر دادن به فرزندانشان هستند: «روی چمن نشین!

لباساتو تازه شستم. کثیف میشه. شیر آب را باز نکن! خیس میشی. به فواره حوض نزدیک نشو.»

ای مادر عزیز! می‌دانی وقتی ذرات ریز آب به صورت و پوست کودک می‌خورد و خنکش می‌کند، چه لذتی می‌برد؟ کودک در یک زمان هم جریان

بادی را که به صورتش می‌خورد حس می‌کند و هم خنکی آب را، و تمام وجودش از هم‌آغوشی با طبیعت لبریز از شادی می‌شود.

کودک در این سن شوق کندوکاو و کنجکاوی دارد. او تشنه یادگیری و کشف است. دوست دارد و نیاز دارد از همه‌چیز در اطراف خود سر در بیاورد. به همه‌جا سرک بکشد، همه‌چیز را دستمالی کند، همه‌جا را ببیند و همه‌چیز را بشنود؛ زیرا همه‌چیز برایش جدید، ناشناخته و یا کم‌شناخته شده است. او تجربه و پیشینه ذهنی چندانی درباره اشیا پیرامونش ندارد. حق او هم به‌عنوان یک شهروند و یا عضو خانواده شناخت و آگاهی و دانستن است؛ شناختی که خودش از طریق تجربه به‌دست می‌آورد.

وقتی کودک را از کاری منع می‌کنیم تا مبادا اتفاق بدی برایش بیفتد؛ یا از پیامد آن کار آگاهش

می‌کنیم،

خیلی وقت‌ها کار و حرفمان برایش معنادار نیست. او دوست دارد خودش اتفاق‌ها را کشف، حس و تجربه کند. کودک دوست دارد که کارها را خودش انجام دهد. او اغلب کاری را که انجام می‌دهد چندین بار تکرار می‌کند؛ مثلاً وقتی در یک قوطی را باز می‌کند تا از محتوای آن سردر بیاورد، چندین بار آن را باز و بسته می‌کند. زیرا می‌خواهد تجربه‌ای را که به‌دست آورده است، در ذهنش تثبیت و تعمیق کند.

از این گذشته، پیام‌هایی چون «نکن» و «دست نزن» کودکان را هرچه بیشتر شیفته انجام دادن کاری می‌کند که دارند انجام می‌دهند و دلشان می‌خواهد نتایج و پیامد آن را نیز تجربه کنند. در واقع، به این ترتیب، دلشان آرام می‌گیرد.

بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که در این مواقع، نباید جمله با فعل منفی برای خردسالان به‌کار برد و به جای آن، برای منع کردن کودک از کاری که به مصلحت او نیست، باید جمله‌ای مثبت را بیان کرد.

از طرفی، اگرچه آزادی بی‌حد و حصر برای کودک، بی‌نظمی و بی‌بندوباری را در پی دارد

و لازم است کودک در روند رشد خود، در چارچوبی منطقی و متناسب با سنش قرار گیرد و قانون‌هایی را بپذیرد تا برای رعایت کردن قانون‌های زندگی و اجتماعی آماده شود و شهروندی قانونمند بار بیاید، در نظر گرفتن این قوانین نباید به قیمت نادیده گرفتن نیازها و علایق کودک باشد. از طرف دیگر، ارائه قوانین زیاد کودک را سردرگم می‌کند و این زمان محدود به او فرصت نمی‌دهد که همه قوانین را یاد بگیرد. درباره تجربه‌ای که بیان کردم، باید گفت که با ارائه تعداد زیادی قانون در یک لحظه به کودک، چگونه می‌توان انتظار داشت که او آن همه قانون را با این محدودیت



اینکه

۶۰ درصد فعالیت‌ها درباره

خطرات، «نکن نکن»ها و بیشتر

مواجه کردن کودکان با جنبه‌های منفی زندگی باشد.

پس اگر این کار را نکنند و آن کار را نکنند، چه کاری را باید جایگزین کند؟ کار درست چیست؟ فکر نمی‌کنید اگر کودک را تا این حد از مواجهه با خطرها بترسانیم و جنبه‌های بد زندگی را به او بنمایانیم، نه تنها اضطراب او را زیاد می‌کنیم و فردی بدبین به بار می‌آوریم، بلکه او را به گونه‌ای تربیت می‌کنیم که در بزرگسالی ترسو و بی‌جرز باشد و جرئت ریسک کردن و خطرپذیری نداشته باشد؟

کلام آخر

به راستی، کودک درون در بزرگسالی چگونه زنده می‌ماند و از چه راه‌هایی حفظ می‌شود؟ همین تجربه‌ها و لذت‌های دوران کودکی است که کودک درون را در دوره بزرگسالی سرزنده نگه می‌دارد. کودکی که پیام «بکن نکن» را زیاد دریافت کرده است، در بزرگسالی به فردی والد و حمایتگر تبدیل می‌شود. کسی می‌شود که چون از کودکی اش لذتی نبرده است، در بزرگسالی هم آن‌طور که باید و شاید، لذت نمی‌برد و ممکن است در کهن‌سالی رفتارش کودکانه و به دور از هنجارهای اجتماعی باشد.

نویسنده و شاعری که به

خوبی می‌تواند برای کودکان

بنویسد و شعر بگوید و کودکان می‌توانند دنیای واقعی خود را در آئینه آثارش ببینند؛ و از نوشته‌هایشان لذت ببرند، کودک درونش زنده است. به عبارتی، در دوره کودکی اش به خوبی کودکی کرده است. همچنین مربی‌ای که مهارت مطلوب برقراری ارتباط با کودکان را دارد و کودکان از بودن با او لذت می‌برند، بی‌تردید خود تجربه شیرین کودکی را چشیده است.

برخی از افسردگی‌ها و دل‌مردگی‌های دوره بزرگسالی اغلب ریشه در کودکی دارند و از کنترل‌های افراطی والدین منشأ می‌گیرند.

رشد ذهنی، به حافظه بسیار؟

ما با «نکن نکن»ها، «دست نزن»ها، «اینجا نرو» و «آنجا نشین»ها و به‌طور کلی مانع‌هایی که سر راه کودکان می‌گذاریم، لذت تجربه کردن را از آن‌ها می‌گیریم. این امر نه تنها در کودکان اضطراب و تنش ایجاد می‌کند بلکه ممکن است میان مادر، مربی و کودک شکاف عاطفی بیندازد و باعث خشم کودک و تقابل او با بزرگ‌ترها شود. کودک فکر می‌کند که درکش نمی‌کنند و نیازهایش را در نظر نمی‌گیرند. از سوی دیگر، این موارد می‌توانند عاملی برای وسواسی شدن کودکان بشوند؛ چه وسواس‌های مربوط به شست‌وشو و چه وسواس‌های فکری در بزرگسالی.

فعالیت‌های یاددهی - یادگیری برخی استان‌ها

در بسیاری از فعالیت‌های یاددهی - یادگیری از جمله قصه‌ها، بازی‌ها و تصویرهایی که با هدف زبان‌گشایی کودکان که در استان‌ها برای کودکان پیش‌دبستانی تألیف می‌شود و

برای ارزیابی و بررسی به دفتر تألیف کتب درسی ارسال می‌گردد، به خطرهایی اشاره می‌شود که در مراکز پیش‌دبستانی یا کوچه و خیابان و خانه کودکان را تهدید می‌کنند؛ مثلاً

داستان کودکی که کبریت روشن کرده است و خانه را به آتش کشیده و حالا ماشین آتش‌نشانی آمده است و دارد آتش را خاموش می‌کند یا شعری درباره بچه‌ای که در خیابان یا کوچه دارد توپ‌بازی می‌کند یا در راهرو و راه‌پله صدایش بلند است یا به پارک رفته و لباسش را کثیف کرده است و یا دارد آشغال خوراکی خود را در خیابان و پارک می‌ریزد. در پایان فعالیت هم از مربیان خواسته شده است که به کودک تذکر دهند تا برای او درس عبرتی باشد و دیگر چنین کارهایی نکند.

اگرچه لازم است کودک را از خطراتی که وی را تهدید می‌کند، آگاه سازیم و با زبانی نرم و با ظرافت و لطافت و به صورتی که باعث ترس وی شود به او هشدار دهیم، به تصویر کشیدن کارهای ناروا چه به صورت تصویری، چه کلامی و تأکید بر آن‌ها، ممکن است آموزشی برای انجام دادنشان باشد؛ یعنی از هدف تربیتی مؤلف نتیجه عکس به دست آید. لازم است به تعداد انگشت‌شمار از این‌گونه هشدارها در مجموعه فعالیت‌های آموزشی و تربیتی برای کودکان گنجانده

شود نه

اشاره

طبق اساسنامه پیش دبستانی (مصوب سال ۱۳۸۲ شورای عالی آموزش و پرورش) دوره پیش دبستانی دوساله است و کودکان چهار و پنج ساله را شامل می شود. در اساسنامه مزبور اجازه داده شده که در صورت عدم تأمین امکانات لازم، اجرای این دوره به صورت یک ساله بلامانع است، از این روی عموماً کودکان پنج ساله، دوره پیش دبستانی را تحت عنوان آمادگی طی می کنند. اما اخیراً با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و رأی معاونت حقوقی ریاست جمهوری، همه سازمانها و نهادهایی که کودکان چهار سال به بالا را تحت پوشش تعلیمی و تربیتی قرار می دهند، باید ضمن اخذ مجوز لازم از آموزش و پرورش از محتوا و مواد آموزشی مورد تأیید آموزش و پرورش استفاده کنند.

با عنایت به نکات مندرج در اشاره بالا، گروه پیش دبستانی دفتر تألیف کتب درسی قبل از شروع سال تحصیلی جدید، بیش از پیش موضوع آموزش کودکان چهار ساله را در برنامه خود قرار داد و به اقداماتی دست زد که در ادامه به آن ها اشاره می شود. ۱. بازنگری در اهداف و چارچوب برنامه های آموزشی و پرورشی کودکان این دوره با نگاهی نسبتاً متمایز از کودکان پنج ساله. این در حالی است که معمولاً دسته بندی کودکان در سنین مختلف به صورت طیفی است نه برشی؛ بدین معنا که مثلاً کودکان را از آغاز تولد تا حدود دوسالگی «نوزاد» و «شیرخوار» و بعد از آن تا مدتی «کودک نوپا» می نامند. در پنج سالگی هم که آن ها مشمول دوره آمادگی می شوند.

۲. توصیه به استان ها برای تمرکز بیشتر کارگروه های تولید محتوای پیش دبستانی بر کودکان چهار سال تمام؛ قبلاً نیز برخی استان ها مثل مازندران و آذربایجان شرقی در این زمینه تولیداتی داشته و ارائه داده اند و برخی دست به تولید زده اند (مثل یزد و اصفهان).

۳. تأکید به مربیان کودکان چهار ساله مبنی بر اینکه از ارائه کتاب های گوناگون و متعدد به آن ها بپرهیزند و فقط با ارائه کارت های تصویری به آنان تجسم و تعمیق آموزه های مندرج در قصه ها و اشعار را تسهیل و ممکن سازند.

۴. توصیه به برنامه ریزان برای تقلیل روزها و ساعات حضور کودکان چهار ساله در مراکز آموزشی؛ بدین صورت که به جای پنج روز متداول، فقط سه روز در هر هفته را به صورت یک روز در میان، حضور یابند و هر روز نیز به جای ۳/۵ ساعت، فقط ۲/۵ ساعت به کودکان بیایند.

۵. به اولیای کودکان هم توصیه می شود که در خانه، موارد مشابه کودکان را پیگیری کنند.

خبرهای تازه

مرتضی طاهری

هفت عادت کودکان شاد

الهام الیکایی



- نویسنده: شون کاوی
- مترجم: نازنین نیکوسرشت
- ناشر: طرفه
- سال انتشار: ۱۳۹۲
- تعداد صفحات کتاب: ۹۲
- شمارگان: ۲۰۰۰
- قیمت: ۸۰۰۰ تومان

اشاره

این کتاب را انتشارات طرفه برای والدین و آموزگاران تهیه کرده است. کتاب شامل یک یادداشت شخصی برای والدین و آموزگاران و ۷ داستان است. هر داستان یک عادت را شرح می‌دهد و در انتهای هر داستان، راهنمایی‌هایی برای پدر و مادرها به چشم می‌خورد که نحوه استخراج و استنتاج آن عادت از داستان را نشان می‌دهد. این بخش، شامل سؤال‌هایی است که می‌توان از کودکان پرسید و نیز قدم‌های کوچکی که کودکان می‌توانند برای شروع تمرین عادت‌ها بردارند. کتاب مشتمل بر بخش‌های زیر است:

– یک یادداشت شخصی برای والدین و آموزگاران

در این بخش، نویسنده از عشق و نگرانی خود و پدر و مادرها می‌گوید.

به اعتقاد نویسنده، این کتاب می‌تواند به سه طریق به بچه‌ها کمک کند:

۱. قدرت زندگی براساس اصول را به آنان آموزش می‌دهد (اصولی مانند احساس مسئولیت، برنامه‌ریزی، احترام به دیگران، کار گروهی و اعتدال)؛
۲. آن‌ها را به یک زبان مشترک تجهیز می‌کند که می‌توانند از آن برای صحبت کردن با پدر و مادر و معلمان خود استفاده کنند (مانند گفتن «من نیاز دارم این کارها را اول انجام دهم» و یا «اجازه بده یک موقعیت برد دو طرفه ایجاد کنیم»)
۳. اگر کودکان خودشان را با شخصیت‌های داستان یکسان بدانند، بخشی از خود را در یکی از این شخصیت‌های به یادماندنی خواهند یافت. در نتیجه، این داستان‌ها به کودکان کمک می‌کند این هفت عادت را در زندگی خودشان به کار ببرند.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و ۵ شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوآموز برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد بزرگسال برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

◆ رشد آموزش ابتدایی ◆ رشد تکنولوژی آموزشی

◆ رشد مدرسه فردا ◆ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- ◆ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ◆ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ◆ رشد آموزش هنر ◆ رشد آموزش مشاور مدرسه ◆ رشد آموزش تربیت بدنی
- ◆ رشد آموزش علوم اجتماعی ◆ رشد آموزش تاریخ ◆ رشد آموزش جغرافیا
- ◆ رشد آموزش زبان‌های خارجی ◆ رشد آموزش ریاضی ◆ رشد آموزش فیزیک
- ◆ رشد آموزش شیمی ◆ رشد آموزش زیست‌شناسی ◆ رشد مدیریت مدرسه
- ◆ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ◆ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

◆ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

◆ وبگاه: www.roshdmag.ir

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۱۹۲ ۷۷۳۳۳۳۱ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

◆ عنوان مجلات در خواستی:

- ◆ نام و نام خانوادگی:
- ◆ تاریخ تولد:
- ◆ تلفن:
- ◆ نشانی کامل پستی:
- استان:
- شهرستان:
- خیابان:
- پلاک:
- شماره پستی:
- شماره فیش بانکی:
- مبلغ پرداختی:
- ◆ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

- ◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- ◆ تلفن امور مشترکین: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳ و ۷۷۳۳۵۱۱۰ و ۷۷۳۳۶۶۵۶-۰۲۱

- ◆ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال
- ◆ هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

- کسل! کسل! کسل!

بعد از داستان، در بخش «تذکر به پدر و مادرها» به عادت ۱ که نکته اصلی این داستان است اشاره می‌کند که: «تأثیرگذار باشید. شما مسئول هستید.» به کودکان خود بیاموزیم مسئولیت زندگی، سرگرمی یا کسالت، شادی و ناراحتی خود را بپذیرند و از بازی کردن در نقش قربانی دست بکشند.

- گرب و جعبه وسایل جمع‌آوری حشرات

عادت ۲: «هر کاری را با داشتن هدفی در ذهن‌تان شروع کنید؛ برنامه‌ریزی داشته باشید.» شما می‌توانید درباره اینکه چگونه از پیش برنامه‌ریزی کردن در زندگی باعث اتفاقات خوب می‌شود، حرف بزنید؛ مانند نحوه درست خرج کردن پول.

- بوکی و امتحان دیکته

عادت ۳: «مهم‌ترین کارها را اول انجام بده؛ اول کار کن، بعد بازی کن.» عقب انداختن کارها چه احساس وحشتناکی است؛ مانند زمانی که شب امتحان است و آمادگی لازم را نداریم.

- لی‌لی که باغچه می‌کارد

عادت ۴: «به برد دو طرفه فکر کن؛ همه می‌توانند برنده باشند.» فکر کردن به برد-باخت یا همیشه فکر کردن به دیگران همان قدر که به خودمان فکر می‌کنیم.

- جامپر و تور پروازگیری گمشده

عادت ۵: «ابتدا سعی کنید بفهمید، تا فهمیده شوید. قبل از حرف زدن گوش کنید.» یکی از مهارت‌های ارتباطی فرد گوش کردن است که البته گوش کردن فقط با گوش‌ها کافی نیست، گوش کردن کمتر از ۱۰ درصد ارتباط را شامل می‌شود. بقیه ارتباط‌ها از طریق بدن، لحن و احساسی که صدای ما منعکس می‌کند صورت می‌گیرد.

- گروه باجرز بزرگ بد

عادت ۶: «با هم همکاری کنید. با هم بودن بهتر است.» وقتی ما به صورت یک گروه کار می‌کنیم، چقدر سریع همه کارها انجام می‌شود و نظم می‌گیرد.

- سوفی خواب‌آلود

عادت ۷: «اره را تیز کنید؛ تعادل بهترین احساس را ایجاد کنید.» وقتی متعادل هستیم برای احیای چهار بخش وجودمان یعنی بدن، قلب، ذهن و روحمان وقت صرف می‌کنیم.